

نصرت الله بخور تاش



استراتژی نظامی ایران

مخامنه

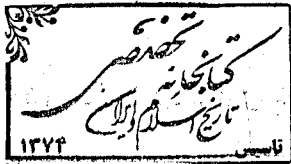
---

بها ۱۰۰ ریال

اسکس شد

# استراتژی نظامی ایران

هخامنشی



تألیف:

سرنگ ساد، نصرت‌الله نختورتاش

بیکره روی جلد، نقش زرین ازبک یشقاب سیمین دسده پنجم تاجهارم پ ۴۰  
که درهمدان بدست آمده و اینک دریک موزه خصوصی در نیویورک میباشد

شماره ثبت کتابخانه ملی ۲۸۹ ۱۱۵۰/۲/۴۹۹

# سال شاهنشاهی هخامنشی

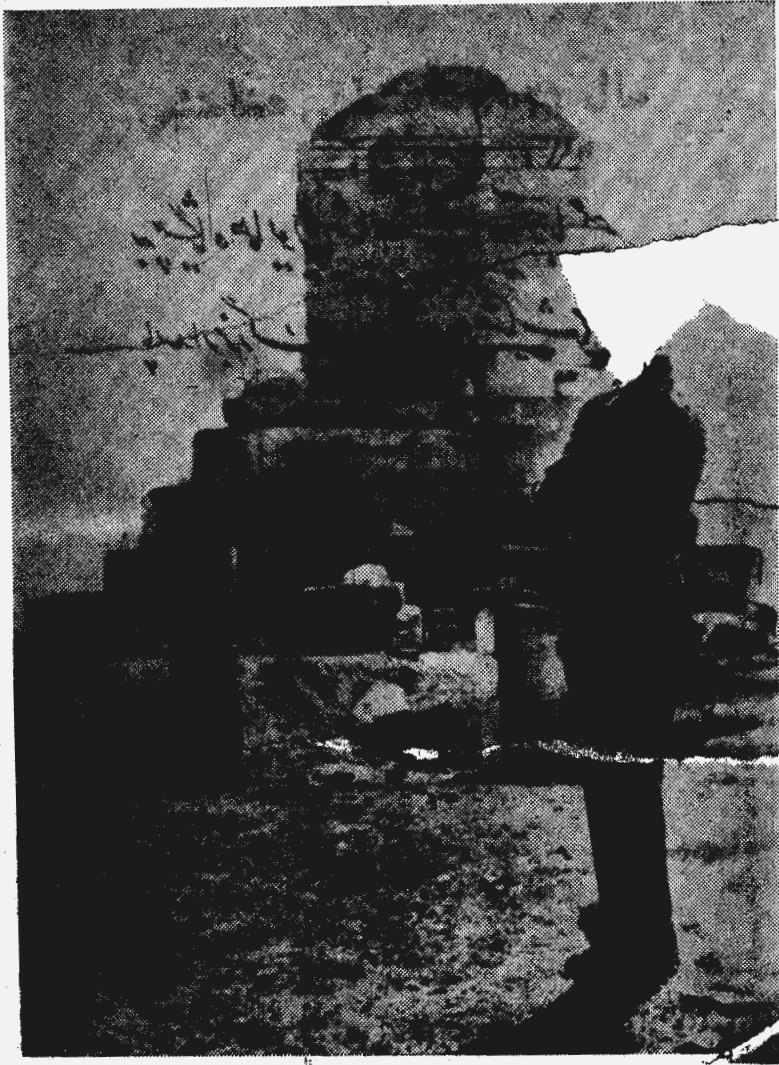
۱۳۵۰ خورشیدی

یادنامه جشن ۲۵۰۰ ساله بنیادگذاری شاهنشاهی ایران

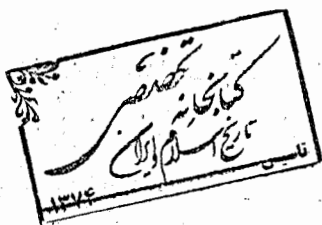
---

این کتاب در یک هزار نسخه در مهرماه ۱۳۵۰ خورشیدی «سال کوروش بزرگ»  
در تهران، چاپخانه زهره، بچاپ رسیده است

به پیشگاه همایون شاهنشاه آرپامه  
پاسدار بزرگ ایران زمین، پیشکش



شاهنشاہ آریامہر درکنار آرامگاہ کوروش بزرگ، سال ۱۳۳۱



## پیش گفتار

بن نوشته‌های بازمانده از تاریخ ایران باستان همه یونانی است و جز این نوشته‌ها هم چیزی در دست نداریم. سنگ نوشته‌ها گرچه بسی ارزنده و گویا هستند، لیکن به نیازها و خواست‌های ما در بررسی و پژوهش، برای فرهنگ و تمدنی که ۲۵۲۱ سال در جهان سایه انداخته و زمانی دراز آهنگ و دیرپای حکمران بوده است پاسخ‌های بسنده نمی‌دهد.

پس، بنیاد بررسی و پژوهش و داوری ما بیشتر بر پایه همین نوشته‌هایی است که گاه رنگ تعصب یونانی و غرور اروپائی پذیرفته و نویسندگان آن بنا بر احساس سخن رانده‌اند و این تعصب کار پژوهش را مشکل می‌سازد. گرچه «هرودت» بروشنی در چند جای کتاب خود از دبیرانی که پیرامون شاه بوده و رخدادهای جنگی را مینوشته‌اند یاد میکند، و نیز «گتزیاس» از دفاتر شاهی نام می‌برد و «عزرا» در باب ششم کتاب خود به این کار اشاره می‌نماید، لیکن گذشت زمان همراه باتک و تازها، به بردن و تاراج و یا به افروختن و سوختن و خاکستر شدن این دفاتر و اسنادگرانها انجامیده است. بهر حال با برابر نهادن و سنجش این نوشته‌ها با یکدیگر و با کارهای ایرانیان و با آثار بازمانده و پدیده‌های ارزنده فرهنگی و هنری که از دل خاک تیره بیرون می‌آید میتوان بهره‌وری کرد و نه تنها

تاریخ را شناخت بلکه ملت ایران را از خود ناشناسی رهائی بخشید و نسل نو را بگذشته آگاه و بخود باز آورد، تا گذشته درخشان را با آینده تابناکی بیکدیگر پیوند دهد .

راست است که ما نمی توانیم انتظار تدابیر برجسته استراتژیکی در عصری که استراتژی هنوز دوران نخستین خود را میگذرانید داشته باشیم، ولی باید بدانیم که کوروش بزرگ از نظر فلسفه سیاسی اندیشه جهانی داشت و حکومت جهانی خویش را بر پایه فدرالیزم پی ریزی کرد. کارهای او در جهان پر آشوب آن روز گاران که زور و غلبه و اصل استیلای بی قید و شرط غالب بر مغلوب حکومت میکرد، درخشش و نموده های انسانی دارد و بسی از زمان جلوتر است . او دریافته بود که اداره و رهبری آن همه سرزمین و ملت های گوناگون با آداب و سنن و کیش و فرهنگ مختلف جز با نرمش سیاسی و تدبیر روشن و انعطاف و خوی انسانی و احترام متقابل مقدور نیست و از این راه یک اعتبار و برتری اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی بدست آورد و در همه ملل تأثیر گذاشت .

در این زمان از نظر استراتژی نظامی در خاور زمین پیشرفتهائی حاصل شده بود که در یونان سابقه نداشت .

با آنکه «حکومت شهر» های یونان جنگهای پی در پی داشتند و آتن غرق در بحث و جدال های سیاسی بود و در اسپارت فضیلت و برتری در آموزش و پرورش نظامی خلاصه میشد، اما باز هم یونانیان سهم بزرگی در استراتژی نظامی دارا نبودند . زیرا نبردهای آنها بیشتر جنبه دفاعی داشت و در مناطقی محدود صورت میگرفت و به پیکارهای وسیع و پر دامنه نمی اندیشیدند و از سوی دیگر چون پشتیبانیهای



کارپردازی نیز در عملیات آنها در نزدیکی مناطق خودی و مسکون انجام میگرفت، یونانیان هرگز درباره طرح‌های لجستیکی پرممانه الزام و اجباری نداشتند و اندیشه نمی‌کردند.

روی این اصل ما در سازمان نظامی یونان که بدست استراتژها اداره میشد به عوامل و دوایر پشتیبانی و کارپردازی برخورد نمی‌کنیم در صورتیکه این موضوع در ارتش ایران با دقت و بطور مشروح و جامع طرح ریزی میشد.

«هو و خشر» که باید او را یکی از برجستگان سیاسی و نظامی دانست پیروزمندانه به گسترش ایران پرداخت و اصلاحاتی بعمل آورد و دولت آشور را که تجاوزاتی به ایران کرده بود چنان مضمحل ساخت که از آن روز تا کنون فقط نامی در برگهای کتاب تاریخ از این دولت مانده است. از زمان کورش، آموزش و پرورش نظامی، مورد توجه قرار گرفت و تهیه تدارکات و پشتیبانی از راه غارت در ارتش ایران ریشه کن گردید. از هنگام پادشاهی داریوش بزرگ که دادگذار و سازمان دهنده بزرگی است مسئله ستاد و طرح ریزیهای تدارکاتی و عملیاتی و روش‌های سازمانی برای پشتیبانیهای کارپردازی بوجود آمد که نظیر آن در ارتشهای آن زمان، حتی واحدهای یونانی سابقه ندارد: داریوش سردار بافروجه ایران در ارتش، عمل طرح ریزی و هم‌آهنگی را در کار فرماندهی و رهبری نیروها بر شیوه‌ای استوار ساخت که ریشه دار تر و اوصیل تر از کار آسوریها، بابلی‌ها و مصریها بود. نبرد تمبره و مصر، پیکار ماراتن و رزم‌های ترموپیل و سالامین، ساختن راه و پل، و آماده کردن انبارهای توشه و خوراک و نیازمندیهای

دیگر در استراتژی تحرك و جنبش بزرگی بوجود آورد که ارزش آن وقتی نمودار میشود که در نظر بگیریم ادوات و وسائل موتوری و مخابراتی امروز وجود نداشته و تحرك پهای سرباز و بازوی ناوی بسته بود ، ولی تحرك فکری و مغزی بسیار والا و ستایش انگیز بود . اهمیت ماراتن و انجام عملیات مشترك آبخاکی بوسیله نیروی دریائی و زمینی ایران در کرانه های یونان غیر قابل تردید است .

هنگامیکه می بینیم « کوروش » و « داریوش » سیصدسال جاوتراز هر استراتژ دیگر ، نهادها و بنیادهای استراتژی را بوجود آورده اند و « ست اسب » هزار و دو بیست سال پیش از « طارق » سردار اسلام از تنگه میان اروپا و آفریقا گذشته است ، تحرك استراتژی نظامی ایران را در می یابیم و می فهمیم که این استراتژی بر پایه هدف پی ریزی شده است . و این همه فداکاری و از خود گذشتگی بخاطر هدف و آرمان جهانی بوده که خود ریشه سیاسی و اخلاقی دارد .

با همه اینها ، شگفتی ما از آنجا است که این استراتژیهای بزرگ ناشناس مانده اند و اینجاست که سایه تعصب و غرور را می یابیم . زیرا بر خورد ایران و یونان تنها يك برخورد نظامی بشمار نمی رفت بلکه مقابله و برخورد دو تمدن و دو فرهنگ هم بود و نفوذ نظامی راه نفوذ فرهنگی را هموار می ساخت .

من خرسندم که در این دفتر به شناخت استراتژی نظامی ایران هخامنشی کوشیده ام و اگر توانسته باشم راه تحقیق و پژوهش را برای پژوهندگان آینده هموار سازم و آنان را بگنجینه پرمایه ایران رهنمون گردم ، وظیفه پژوهشگری خویش را نسبت به ایران بزرگ و میهن گرانمایه انجام داده ام .

ن - بختورناش

۱

# نهادهای استراتژی نظامی - بحالی

تعریف استراتژی نظامی

انضباط

اطلاعات

بی ریزی نهاد

## تعریف استراتژی نظامی

استراتژی نظامی عبارتست از هنر و علم : ایجاد، توسعه و در اختیار گرفتن و بپای کار آوردن نیروهای مسلح بمنظور نیل به هدفهایی که سیاست کلی کشور تعیین نموده است ؛ از طریق اعمال مستقیم قدرت و یا تهدید بوسیله قدرت<sup>۱</sup> . بکار بردن نیروهای مسلح برای اجرای استراتژی ملی بوده و از آن نیز ناشی شده است . در عین حال پشتیبان استراتژی ملی میباشد و به آن ضمانت اجرا می بخشد . اعمال مستقیم قدرت قهریه هنگامی است که در آن صورت « جنگ » چهره می نمایاند .

جنگ تصادم و برخورد دواراده است . تا زمانی که دولت‌ها حل اختلافات خود را خارج از چهارچوبه انصاف و نزاکت و راههای مسالمت آمیز زمان به نیروی نظامی واگذار میکنند ، یا برای رسیدن به هدفها و مقاصد خود به ارتش متوسل میگرددند . حالتی پدیدار میشود که آن را « جنگ » میگوئیم .

---

۱ - استراتژی نظامی عبارت است از علم و هنر بکار بردن نیروهای مسلح يك ملت در زمان صلح و جنگ بمنظور تأمین هدفهای سیاست ملی ، از طریق اعمال قدرت و یا تهدید بوسیله قدرت . (انسیکلوپدیا) .

امروزه جنگ از صورت محدود و انحصاری پیشین که فقط میان نیروهای نظامی طرفین متخاصم جریان داشت خارج گردیده و همه اهالی کشور و تأسیسات آن را شامل میشود .

جنگ ادامه و دنباله يك کشمکش و تضاد نظر سیاسی یا اقتصادی است . در حقیقت جنگ يك وسیله سیاسی قاهرانه است برای رسیدن به هدف و بگفته ارسطو : « جنگ وسیله است نه هدف »<sup>۲</sup>

منظور نیهائی از تشکیل ارتش‌ها نگاهداری استقلال ، آداب و آئین و حفظ قدرتهای اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی است .

مقصود از بکاربردن ارتش درهم شکستن اراده و نیروی دشمن است . خرد کردن اراده و نیروی دشمن با يك رشته عملیات پیاپی و سنگین و غافلگیرانه نظامی انجام میشود که آنرا جنگ مینامند .

پس جنگ وسیله‌ای است که ما را به هدف ( درهم شکستن اراده و نیروی دشمن ) میرساند . هنر جنگ نتیجه خاصیت وجودی ارتش است . و از طرفی ترقی و تکامل این فن بستگی با نیروی انسانی دارد و از سوی دیگر با پیشرفت دانش و صنعت و اقتصاد مربوط است .

مایه پیدایش جنگها در طول زمان دیگر گونه بوده است . گاهی رنگ اقتصادی داشته و گاه جنبه عقیدتی و پاره‌ای اوقات چهره گسترش ارضی .

وجود يك ملت نیرومند در سرزمینی که متکی به ارتش توانا

---

۲ - دکتر حمید عنایت ، سیاست ارسطو ، شرکت سهامی کتابهای جیبی ،

تهران ، چاپ دوم ۱۳۴۹ صفحه ۲۸۹ .

و مجهز است يك عامل محرك است برای همسایگان ، زیرا آنها را ب فکر تأمین و حفاظت خود و منافع اقتصادی و استقلال خویش می اندازد ، و خواهی نخواهی این وضع جنبش و حرکتی پدید می آورد تا طرف ضعیف خود را قوی و دولت نیرومند خود را نیرومندتر سازد .

کشورهائی مانند ایران و یونان و روم و مصر باستان که کانون تجمع نیروی انسانی و گاهواره آفرینش هنر و فلسفه و مدنیت بوده اند و بر این پایه و نیز بر اساس اعتقادات و ترادادهای کهن ، سازندگی های خود را آغاز کرده اند، بناچار برای حفظ و نگهداری این تمدن و این اصول اخلاقی و فلسفی قدرتهای نظامی را نیز خلق کرده اند.

در چنین کشورهائی ( روشن است که سپاهگیری نه بعنوان هدف غائی بلکه بعنوان وسیله [ تأمین سعادت ] پیشه ارجمندی است )<sup>۳</sup>

تلاشهای نخستین استراتژی نظامی که فرماندهان و سرداران بچهره يك رشته تدابیر و روشها و تجربه از سده پنجم پیش از میلاد آغاز کرده بودند، رفته رفته رویتوسعه میرفت و بیشتر برمبانی تجربی استوار بود تا برپایه های علمی .

اروپائیان هانیبال Hannibal سردار بزرگ کارتاژ ( ۲۱۸ پ . م ) را استاد استراتژی میدانند . اما درین داوری به عامل زمان توجه نکرده اند . کارهای کورش شاهنشاه بلند پایه هخامنشی و داریوش

۳ - دکتر عنایت - سیاست ارسطو . صفحه ۲۸۹ .

بزرگ خود نفوس استراتژی است و سیصد سال جلو تریبی ریزی گردیده است. استراتژی مانند علوم دیگر همگام و همراه با توسعه دانش و صنعت و اقتصاد و سیاست گسترش یافته و خواهد یافت، همانطور که تجربیات و تاریخ این علم را توسعه خواهد داد.

استراتژی هر ملت بنا بر موقع زمان و مکان و نیروهای اقتصادی و انسانی و عوامل دیگر متفاوت است و از شیوه خاصی پیروی میکند. این شیوه ممکن است منطبق با شیوه کشورهای دیگر نباشد، زیرا موقعیت زمانی و مکانی و کیفیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سرزمینها با یکدیگر فرق دارد.

فرضیه‌ها و حقایق دانش استراتژی از نهادهائی ترکیب می‌یابد و نیروی زندگی کسب میکند، که این نهادها مربوط به ملت معین در قلمرو مشخص جغرافیائی با آداب و سنن و شیوه تفکر خاصی است. بنابراین اندیشمندان نظامی هر ملت با توجه به مسئله ژئوپلیتیک و با بهره برداری از ضوابط علمی در حالیکه هدفهای ملی خویش را بر مبنای سیاست مستقلی تعیین کرده‌اند؛ استراتژی خود را طرح ریزی میکنند.

در این صورت بدیهی است که استراتژی يك کشور با کشور دیگر ممکن است هیچگونه شباهتی نداشته باشد.

تاریخ پدیده‌ای است ناشی از تأثیر زمان در مکان و نیز مکان در انسان. و به بیان دیگر انسان بر بستر جغرافیا تاریخ را می‌سازد. بنابراین شناخت تاریخ، بستگی با شناخت جغرافیا دارد و اگر ما زمان را در خارج از ظرف مکان «جغرافیا» بررسی و تجزیه کنیم

نتایج منطقی استخراج نخواهیم کرد. زیرا صحنه زندگی و گهواره پرورش مدنیت‌ها در طول زمان قلمروهای جغرافیائی بوده است. پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و شیوه‌های گوناگون حکومتها وابسته بمکانی معین و در زمانی معین است. پس تاریخ و جغرافیا توأمند و هر دو در طرز تفکر و ساختن اندیشه بشر سهیم میباشند. جغرافیا در انسان اثر میگذارد، شرایط اقلیمی، باروری زمین و شرایط مساعد دیگر زیست در طول زمان عامل جذب یا دفع گروههای جمعیت بوده است.

فعالیت‌های تاکتیکی و استراتژیکی که منتهی به تلاش‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی میشود؛ تابع و متأثر از شکل و عوارض زمین میباشد همانطور که وجود منابع سرشار طبیعی و شرایط اقلیمی مساعد در سرزمینی موجبات توطن اقوام و ایجاد تمدن‌ها و گسترش آنها بوده است.

### استراتژی باز دارنده

تهدید بوسیله قدرت و نیز ارائه قدرت خود عاملی است مؤثر که دشمن را از یک نوع فعالیت خاصی که مورد نظر او و بزیان طرف دیگر است باز میدارد.

مثلا در جهان امروز دو گروه شرق و غرب در برابر یکدیگر ایستاده‌اند. کارخانه‌های صنایع نظامی هم شب و روز کار میکنند و قسمت بزرگی از منابع اقتصادی و ثروت را مصرف مینمایند.



این ثروتها که میتواند در راه کمال مطلوب و رفاه بشریت و توسعه فرهنگها بکار افتد، بدبختانه بصورت افزار کشنده و گلوله های مرگ آور بگوشه انبارها انباشته میشود.

چون طرفین، یا این دو قطب نیرومند، از میزان قدرت نظامی و سرعت سلاحهای تاکتیکی و استراتژیکی یکدیگر اطلاعات دقیق و روشنی ندارند، خود بخود این عدم اطلاع، یا احتمالاً برابری در قدرت نظامی و اتکاء بمنابع طبیعی يك « وقفه در تعرض » پدید آورده که خود مبتنی بر « تعادل در وحشت » است. همچنین ترقی و توسعه قدرت نظامی و یا تقویت یکی از نیروهای سه گانه ( دریائی، هوائی، زمینی) همواره مبتنی بر اصل تعرض و تجاوز نیست، بلکه از آن میتوان بعنوان يك عامل مهم دفاعی و یا باز دارنده بهره برد.

دولتی که نیروهای خود را با این هدف تقویت میکند و کار آئی آن را افزایش میدهد، مسلم از تجاوز و دست اندازی دشمن احتمالی نسبت بمنابع و منافع ملی خویش بیمناک است. بنابراین با پوشانیدن نقاط ضعف و بالا بردن توانائی رزمی خود، دشمن را از تعرض بر حذر میدارد.

زیرا اینگونه اندیشه های تجاوز آمیز در نواحی و مناطقی که خلأ قدرت وجود دارد، بهتر، ساده تر و زودتر نفوذ میکند و تجاوز کار را دلیرتر میسازد. پس اگر خلأ قدرت از میان برود، چنان است که تجاوز دشمن احتمالی از میان رفته و یا برای زمانی دراز بتأخیر افتاده است.

هر پدیده، هر تلاش و یا هر تدبیری با هر کیفیت، که بتواند ما

را به مطلوب مورد نظر برساند و یا دشمن را از يك نوع فعالیت یا اجرای طرحی که مورد پذیرش ما نیست و یا بزبان ما می باشد ، باز دارد ، جزئی از استراتژی بازدارنده که چهره های گوناگون دارد ، بشمار می آید .

گاه استراتژی بازدارنده بطور کامل مربوط به هدفهائی است که دشمن در سرزمین مورد نظر برگزیده است . اگر بوسائلی بتوان آن را دریافت و سپس آنچه را مورد علاقه دشمن است (هدف دشمن) از میان برد ، یا از حیز ارتفاع خارج کرد ، یا آنکه خاصیت اولیه اش را که محرك دشمن بوده گرفت ، بسانی که دشمن انصراف یا شك و یا تأخیر پیدا کند ، استراتژی بازدارنده اجرا گردیده است . استراتژی بازدارنده تنها منحصر بموارد نظامی نیست و میتوان آنرا در زمینه های دیگر چه سیاسی و چه اقتصادی و همانند آن گسترش داد .

هنگامیکه خشایار شاه در سال ۴۸۰ پ . م در شهر سارد بود و مقدمات حمله بآتن را فراهم می آورد یونانیان برای کسب اطلاع رزمی و شناخت امکانات و مقدرات ارتش ایران ، سه نفر جاسوس به ایران فرستادند . هر سه نفر با هوشیاری ایرانیان در هنگام فعالیت جاسوسی دستگیر و با اعدام محکوم شدند .

شاهنشاه حکم اعدام را تصویب نکرد و آن را متوقف ساخت و در ذهن خود بیدرنگ يك طرح جنگهای روانی ریخت .

خشایار شاه در میان تعجب مشاوران خود این سه نفر یونانی را فراخواند و در نزد خودشان دستور داد تا آنان را در اردوگاه ایران

گردش دهند، و گروهان های پیاده و اسوارانها را به بینند و بهره چه میخواستند با دقت و هوشیاری نگاه کنند و خواهان هر نوع خبری که هستند بدست آورند و سپس آنها را آزاد کنند تا بکشورشان بازگردند. و بمشاوران و سرداران خود گفت: از کشته شدن سه نفر چیزی از نیروی دشمن کاسته نمیشود، ولی با بازگشت آنها به یونان و گزارش کار، سران یونان خواهند دانست که نیرو و استعداد ما چیست و پس از آگاهی بر آن، شاید از جنگ باز ایستند و در چنین حالت، ما بیهوده خود را خسته و فرسوده نخواهیم کرد.<sup>۴</sup>

در اینجا خشایار شاه بابه‌گیری از مسائل روانی بیک استراتژی بازدارنده توجه داشته و میخواست است که با نشان دادن قدرت سهمگین ارتش ایران، یونانیان را بترساند و وادار به سازش کند. همچنین بار دیگری خشایار شاه چنین شیوه‌ای بکار برده ولی باید گفت که نتیجه مورد نظر بطور کامل بدست نیامده ولی در میان دشمن، هراس و هیجان پدید آورده است.

این بار زمانی بود که شاهنشاه در آبدوس Abidos دیدگشتی - هائی پراز گندم و خواربار از پونت Ponte می‌آیند و از راه هلس پونت (داردائل) Hellesponte بیونان میروند.

در بیانوردان و مسئولان امر میخواستند این کشتی‌ها را بازداشت کنند، لیکن در این وقت شاه از کار کنان کشتی پرسید: بکجا میروید؟ آنها پاسخ دادند: «شاه! برای دشمن تو گندم می‌بریم.»

---

۴ - هرودت، ترجمه دکتر هادی هدایتی، تهران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۶، کتاب هفتم، بند ۱۴۵ به بعد.

خشایار شاه گفت : مگر ما هم بهمانجا نمیرویم ، اینها

برای ما گندم میبرند .<sup>۵</sup>

این کار می‌رساند که یا خشایار شاه به عملیات نظامی خود اطمینان کامل داشته و از این رو اجازه داده است که تا گندم را یونان حمل کنند ، تا پس از فتح یونان خود از آنها استفاده نماید ، یا منظور او بهره برداری تبلیغاتی و روانی بوده است .

وی میخواست تا کارکنان کشتی بروند و عظمت ناوگان ایران و همت بلند شاه را در آزادی عبور که بکشتی های یونانی داده است بازگو کنند و افکار عمومی مردم یونان را بسوی او جلب نمایند .

و نشان دهند که هدف ، مزاحمت مردم یونان نیست ، هدف دولت یونان است که برای آتش زدن سرد باید تنبیه شود .

\* \* \*

در بکار بردن استراتژی نظامی ضوابط و قواره هائی مورد نظر است ، تابہتر بتوان تلاشهای انسانی را با قدرت اسلحه ترکیب کرد و جنگ را اداره و رهبری نمود و بہدفع رسید .  
اینک پاره ای از این ضوابط را کہ در دورہٴ ہخامنشیان بکار میرفته و میتواند نمودار تلاش و کوشش و نبوغ سازمان دہی نظامی ایرانیان باشد بازگو میکنیم .

انضباط

انضباط چیست ؟

۵ - همان .

انضباط مجموعه ضوابط و نظامات ویژه‌ای است که مساعی افراد ارتش را متمرکز ساخته و بطرف يك مقصد و هدف معین سوق میدهد .

از نظر کیفیات معنوی انضباط مجموع عوامل روحی است که سرباز را وادار میکنند تا از روی صمیمیت و با تمام نیروی بدنی و فکری و روحی خود در راه اجرای فرمان تلاش و فداکاری کند . این کیفیات بريك رشته احساسات ، يك سلسله عقاید ، مشتی سنن و عادات و مقداری آموزش و تربیت بدنی متکی است .

انضباط برای اجتماع انسان و بویژه برای ارتش مانند نیروی محرکه است ، ارتش توده سنگین و پرحجمی را تشکیل میدهد . این توده عظیم و سنگین هنگامی خوب بهره میدهد که کارش هماهنگ بوده و از اراده واحدی پیروی نماید ، تا کلیه نیروهای انسانی و مادی در اجرای تصمیمات و طرحهای آن اراده واحد بکار افتد ، اساس انضباط بر اطاعت و فداکاری و ایمان استوار است .

در دوره هخامنشی بویژه در نیمه اول شاهنشاهی این دودمان ، سادگی و اطاعت و فرمان برداری بی چون و چرای زیر دست از بالا دست ، سرباز از فرمانده و فرماندهان کوچک از فرماندهان بزرگ و کشور از شاهنشاه بعد کمال نمودار است .

پیشه سپاهگیری ارجمند و دراوستا از پایگاه ارتشیان و ساز و برگ جنگ و افزار آمادگی ستایشها شده است :

« فروهرهای نیک توانای پاك را می ستائیم که لشکر بی شمار بیارایند ، سلاح بکمر بسته . بادرفشهای برافراشته درخشان ، آنانند

که پیشتر فرا رسیدند ، در هنگامیکه خشتاویهای دلیر بر ضد دانها می‌جنگیدند » .<sup>۶</sup>

«فروهرهای نیک توانای پاك را میستائیم که در طرف راست [همگام با] فرمانده می‌جنگند در صورتیکه او پیرو راستی باشد.»<sup>۷</sup>  
علیهذا در ایران باستان کسانی که رخت سربازی می‌پوشیدند و به ارتش می‌پیوستند، بنا بر آموزش دینی ، ایمان و اعتقاد خاصی نیز به پیشه سپاهیگری و فرماندهان خود داشتند، که فروغ این ایمان افراد هر طبقه را وادار به پیروی و فرمانبرداری صادقانه از رده بالاتر ، یعنی فرماندهان و سرانجام شاهنشاه می‌نمود .

پاسداری و بزرگداشت شاه و فرمان او نخستین فریضه دینی و ملی بود . زیرا در ایران کهن و بر پایه آئین زردشت ، دین از سیاست جدائی نداشت و بارها در کتاب دینی ایرانیان شکوه میهن و فرخدا داده ایران ستوده شده است .<sup>۸</sup>

در سرودهای زردشت قطعه‌ای است که بخوبی مظهر این اطاعت و پرستش وفادارانه میباشد :

« آذربان را می‌ستایم ، ارتشتار را می‌ستایم ، کشاورز پیشرفت دهنده را می‌ستایم ، خزانه خدای خانه را می‌ستایم ، دهبان

---

۶ - آوستا ، فروردین یشت بند ۲۷ .

۷ - همان بند ۶۳ .

۸ - فرایران را می‌ستائیم یا ، درود میفرستیم به فرمزدا داده ایران ،

(اشتاد یشت بندهای ۸ و ۹) گرد آورده ، م «اورنگ» خجسته سرودها .

ده را می‌ستایم ، شهریان شهر را می‌ستایم ، پادشاه کشور را می‌ستایم »<sup>۹</sup>.

نظم و ترتیب که نشانه و نمودار برجسته انضباط است ، در ارتش هخامنشی فراوان دیده میشود . گزنفون مینویسد :

در اردوگاهها چنان نظم و ترتیب دیده میشود که بیمانند است ، جای هر کس بخوبی روشن میباشد ، آشپزها ، نانواها ، سوارانظام ، سپاهیان سنگین اسلحه ، سپاهیان سبک اسلحه ، گردونه‌ها محل بنه و چهارپایان ، جای افسران ، با وضعی ستایش انگیز معلوم و همه در جاهای خود قرار میگیرند . در تقسیم و واگذاری این جایگاهها حتی شرایط تاکتیکی ( دستبرد و شیخون ) و نوع یکان و اسلحه مربوط مراعات میشود .

کوروش عقیده داشت که يك خانه باید مرتب باشد ، تا اگر چیزی بخواهند بردارند ، بدانند که جاست بطریق اولی باید در موقع جنگ جای هر لشکر و هر دسته و هر یکان مشخص باشد ، زیرا فتح بسته بدقایق است و بهره‌مندی نتیجه استفاده‌ای که از دقایق میشود . چادر هر يك از فرماندهان پرچمی داشت و خدمتگزاران شاه پرچم فرماندهان را می‌شناختند و در مواقع لزوم این شناسائی بسرعت کارهای افزود و این سرعت در امور نظامی ارزنده است .

سپاهیان هر يك از ملل تابعه محل مخصوصی داشتند و بآسانی ممکن بود فهمید که در کدام بخش اطاعت و انضباط هست و در کدام يك مقررات بخوبی اجرا نمیشود .

۹ - همان ، ویسپرد ، کرده ۳ ، بند ۳ .

کوروش معتقد بود که فن تاکتیک «سپاه آرائی» تنها این نیست که فرمانده صف سپاهیان را در یک جبهه طولانی یا کوتاه بیاراید. یا خط را تبدیل به ستون کند، یا آنکه شیوه رزم را بنابر آنکه دشمن از راست یا چپ و یا عقب حمله میکند، تغییر دهد، بلکه فرمانده باید بتواند، نظر باقتضای موقع و کیفیت میدان نبرد نیروی خود را تقسیم کند و یگانها را بنقاطی که دارای برتری و ارزش نظامی بیشتری است بگمارد و در اندیشه تحصیل سرعت و برتری باشد. ۱۰

در یک مسابقه اسب دوانی با شرکت کوروش بزرگ، یک جوان سکائی مقداری از میدان اسب دوانی را جلوتر از دیگران پیمود، پس از پایان مسابقه کوروش از او پرسید:

آیا اسب خود را با سلطنتی عوض میکنی؟

او پاسخ داد: با سلطنت عوض نمیکنم ولی این اسب را بجوانمرد صاحبدلی میبخشم.

کوروش گفت: در ارتش من جوانمرد بسیار است، هم اکنون بتو جایی را نشان میدهم که اگر چیزی پرتاب کنی، بصاحبدلی خواهد خورد.

سپس کوروش محلی را نشان داد و مرد سکائی کلوخی پرتاب کرد، و کلوخی به فرولاس Frolas که افسر جوانی بود خورد. چانه فرولاس زخم برداشت و از بینی اش خون میریخت. اما

---

۱۰ - کزنفون، کوروشنامه، ترجمه رضا مشایخی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۲ - کتاب ۸ فصل ۵.



همچنان در پی انجام مأموریتی که از سوی شاهنشاه به او واگذار شده بود، اسب می‌تاخت، بدون اینکه حتی بدنبال خود بنگردد.<sup>۱۱</sup> مورخین بزرگ این عمل را نشانه انضباط محکم و اطاعت و برتر دانستن انضباط و فرمان نظامی حتی بر حفظ جان، دانسته‌اند. این انضباط آهنین که بر پایه معتقدات قومی نسبت برهبر و یک‌رشته‌م‌عنویات و م‌مشتی سنت پی‌ریزی شده بود همچنان بزمانهای بعد کشید.

استحکام این انضباط و اطاعت و از سوی دیگر حس همکاری و پیوستگی و وظیفه‌شناسی سبب شد که کمبوجیه، داریوش، و خشایارشا ارتش بزرگ ایران را که در جهان آن روز بی‌مانند بود به آفریقا و اروپا هدایت کنند، بی‌آنکه در درون ارتشی به این بزرگی، نافرمانی و سرکشی روی دهد.

در ایجاد این همکاری عواملی مانند سرودهای شورانگیز مؤثر بوده است. خواندن سرود جنگی در هنگام حمله، هم اعلام فرمان حمله بوده و هم یک نوع همکاری و هماهنگی در حرکات و نیز برتری روحی و غرور سر‌بازی در ارتشیان بوجود می‌آورده است.<sup>۱۲</sup> هرودت مینویسد: پی‌تی‌یوس Pythius یکی از بزرگترین ثروتمندان لیدی، در سارد میخواست مبلغ ۱۶ میلیون تومان برای هزینه لشکرکشی به خشایارشا تقدیم کند. خشایارشا ضمن سپاسگزاری از این مرد، پول مزبور را نپذیرفت و مبلغ هفت هزار دریک طلا هم باو بخشید.

---

۱۱ - همان، فصل ۳.

۱۲ - همان کتاب ۷، فصل ۱.

وی روزی به شاه گفت : من پنج پسر دارم که همه آنها را برای جنگ احضار کرده‌اند ، چون پیرو فرسوده شده‌ام یکی از پنج پسر را از خدمت سپاهگیری معاف کنید .

خشایار شاه سخت بر آشفته ، تقاضای او را نپذیرفت و گفت : هنگامیکه تو می‌بینی که من با پسران و برادران و بستگانم بجنگ می‌روم نباید چنین درخواستی را بنمائی .<sup>۱۳</sup>

کار دیگری که میتوان آن را نشانه اجرای دقیق دستورهای نظامی دانست ، این است که خشایار شاه علیرغم همه مشکلات و سختیها ارتش ایران را به آتن برد و در این راه حتی نافرمانی و سرسختی امواج دریای اژه را نپذیرفت و ناچیز شمرد .

طوفان ترسناک دریا ، پلهائی را که مهندسان ارتش ایران بر تنگه داردانیل زده بودند تا نیروی زمینی بااروپا رهسپار شود ، ویران کرد .

خشایار شاه فرمان داد تا دریا را بر اثر این نافرمانی و ایستادگی در برابر اراده سپاه ایران تنبیه کنند و سیصد ضربه شلاق بآن بزنند و در هنگام اجرای مجازات بگویند :

« ای آب شور و تلخ ، این کیفری است که شاه بزرگ برای تو مقرر داشته ، از این جهت که تو بدی کردی ، حال آنکه بدی از هیچکس ندیده بودی ، خشایار شاه از فراز تو عبور خواهد کرد چه بخواهی و چه نخواهی . »<sup>۱۴</sup>

---

۱۳ - هرودت ، ترجمه دکتر هادی هدایتی ، کتاب ۷ بند ۳۸ .

۱۴ - این موضوع را هرودت ذکر میکنند ولی بنظر افسانه می‌آید زیرا ایرانیان آبرو احترام میکنند .

ممکن است این کار افسانه و یا بیهوده تلقی شود، اما در هر حال باید توجه کرد، در عصری که شاه یا نماینده اهورامزدا در زمین، همه جا پیروز و سر بلند گردیده و با ارتشی بزرگ و سازو برگی بیشمار که تا آن روز مردم جهان بخود ندیده بودند، اینک تصمیم به فتح اروپا گرفته است، برای بالا بردن نیروی رزمی و توانائی روانی ارتشیان و ملل تابعه که بار جنگ و پشتیبانی آن بر دوش آنان سنگینی میکند، بسیار در خور اهمیت و نمودار بهره برداری از يك طرح ذهنی و روانی سودمند میباشد.

### اطلاعات

اطلاعات و کسب خبر از دشمن، از نخستین روزهای زندگی اجتماعی، که بشر دشمنی و کینه ورزی را شناخت مورد نظر بوده است.<sup>۱۵</sup> اولین منابع اطلاعاتی، پیشگویان، کاهنان و اخترشناسان بوده اند که از طریق مکاشفه و الهام، تعبیر و تفسیر خوابها یا انجام يك رشته کارها با بخار و دود گیاهان گیج کننده در حالت گیجی بیانات دو پهلو و یا توجیحات خاصی مینموده اند و گاهی نیز باروده جانوران فال، میگرفته اند.<sup>۱۶</sup>

---

۱۵ - اطلاعات در اینجا جز آنچه عرف عمومی از آن استنباط میکنند، يك اصطلاح نظامی است و منظور از آن بدست آوردن هرگونه آگاهی از روحیه، وسائل، افزار جنگی، طرحها، ظرفیت جنگی، خصوصیات ملی مردم و فرماندهان دشمن میباشد که بنام اطلاعات رزمی و اطلاعات استراتژیکی خوانده میشود.

۱۶ - هرودت، ترجمه دکتر هادی هدایتی کتاب اول بند ۴۷ و ۴۸. باید توجه داشت یونانیان و مردم آسیای غربی دلبستگی زیاد باین کارها داشته اند. پیشگوئی های کاهن معبد، دلف و آپولون.

رفته رفته کسب اطلاعات هم مانند دیگر جنبه‌های زندگی بشر دگرگون شد و از وضع ابتدائی بیرون آمد و رنگ تحقیقی و علمی گرفت. در زمینه کسب اطلاعات بمفهوم نظامی خود به شیوه‌های علمی و تحقیقی، خاور زمین در ۵۰۰ سال پیش از میلاد پیشرفتهائی بدست آورده بود که از هر نظر درخور اهمیت است. ۱۷ کمبوجیه شاه پارس و پدر کورش بزرگ او را چنین پند می‌دهد:

سمی کن که با ارتش مرتب و منظم به لشکر بی‌نظم، با سپاهیان مسلح برسپاهیان بی‌اسلحه بتازی و نیز با افراد بیدار برافراد خواب آلود حمله کنی. سمی کن هنگامیکه خودشان را پنهان میکنند تو آنها را به بینی و اگر درموقع بدی هستند، تو موقع خوبی برگزینی. باید بدانی که از چه نظر ضعیف هستی و از کجای دشمن میتوان ضربت وارد کرده و فاتح شد. ۱۸

برای اجرای این پند، اطلاعات دقیق نظامی لازم است، زیرا انتخاب موقعیت خوب نسبت بموقعیت دشمن، دانستن نقاط ضعف خود و دشمن، و اجرای حمله به نقاط ضعیف مستلزم یک رشته تلاش و کوشش در راه تحصیل اطلاعات و آگاهی از کیفیت دشمن میباشد.

یکی از کارهایی که بخوبی میتوان آنرا با فعالیتهای زیرزمینی و براندازی کنونی هماهنگ دانست، ارتباط کورش با سازمانهای پنهانی کشور ماد و مبادله اطلاعات است. هارپاک یکی از وزیران

---

۱۷ - تورات، سلطنت شاول و ارض موعود. سن تزو Santzu (۵۰۰ پ-م) سردار چینی که مدارک جامعی از خود باقی گذاشته است. غیبکوئی و فالگیری را در کسب اطلاعات مردود شناخته و بر اصول علمی متکی نموده است.  
۱۸ - گزنفون، کورشنامه، ترجمه رضا منشیخی کتاب ۱ فصل ۶۶.

دولت ماد در همدان کنکاشی از سران این کشور بفتح کورش ترتیب داده و زمینه کودتائی را فراهم ساخته بود. هازپاك بمانند يك عامل نفوذی یا ستون پنجم در دربار ماد عمل میکرد، و همواره بافرستادن پیامهائی کورش را در جریان رخدادها میگذاشت و او را به استقلال طلبی و شورش ترغیب میکرد، و در این زمینه نیز برنامه‌ای طرح ریزی شده بود.<sup>۱۹</sup>

کورش با پادشاهان و فرمانروایان بومی و سران ارتش و نیز یاران خود مشاوره میکرد، و از این راه هم اخبار و آگاهی لازم را بدست میآورد و هم دیگران را در اداره امور کشور و یامسائل نظامی دخالت میداد. در جنگ با دولت لیدیه از شیوه اعزام گروههای شناسائی و گرفتن اسیر و تحقیق و بازپرسی از آنان بهره‌برداری کرد و اطلاعات ارزنده‌ای هم بدست آورد. از اهمیت گرفتن اسیر و دسترسی باخبار سودمند از طریق بازپرسی و ضبط اسناد و مدارك همراه اسیران با پیشرفت وسائل اکتشاف در زمان مانسبت بگذشته چیزی کاسته نشده است. شاه بزرگ افسری را بنام آراسپ Araspe مأمور گردآوری اخبار از دشمن کرد.

آراسپ با فرار ساختگی و خشم فراوان، ایران را ترك و به لیدیه رفت، همه در شگفتی بودند که چگونه افسری که مورد احترام کوروش بوده است بسوی دشمن گریخته.

کوروش به آراسپ گوشزد کرده بود، تا اخبار و اطلاعات دقیق و مفید تهیه نماید و باو سپرده بود که: اگر ارتش دشمن را

---

۱۹ - هرودت، کتاب اول بند ۱۲۳ تا ۱۳۰.

بیشتر بدانیم و کمتر بیابیم ، بهتر از آن است که وارونه آن روی دهد .

آراسپ در اجرای مأموریت خود ، خطر بزرگی را پذیرا شد و به اردوگاه دشمن رفت و با تظاهرات سنجیده و طرحریزی شده اش مورد احترام قرار گرفت و توانست اطلاعات سودمندی ، در باره : کیفیت تجمع ، شماره سپاهیان ، استعداد و روحیه ، گسترش و آرایش دشمن بدست آورد ، و بار دیگر پیروزمندانه بارتش ایران باز گردد .

در این هنگام کورش برای حفظ شرف و آبروی او و برطرف کردن بدگمانی ها اعلام کرد :

این فرار ، ساختگی و بفرمان من بود ، نه از ترس ، یا تمایل آراسپ بخیانت ، آراسپ خدمتی برجسته که با خطراتی بزرگ همراه بود ، انجام داده است .<sup>۲۰</sup>

برای آنکه به طرز فکر فرماندهان در هزاران سال پیش درباره کسب خبر از دشمن و شیوه نفوذ در سازمانهای دشمن آگاه شویم ، دستور کوروش را به آراسپ در اینجهامی آوریم :

باید این دستور را بکاربندی تا اعتماد دشمن را بسوی خود جلب کنی ، نقشه عملیات ما را در آن قسمت که موجب هراس و نگرانی آنان میشود آشکار کن . منجمله تصمیم حمله سرسختانه ما را بسر زمین آنان بازگو کن ، چون مایه ترس آنان است و از شنیدن آن بفکر دفاع از سرزمین خود خواهند افتاد . هرچه میتوانی میان آنان بیشتر بمان ، چه ما هنگامی بتو نیاز خواهیم داشت که نزدیک سپاهیان دشمن خواهیم بود . با آنان توصیه کن که نقشه جنگی خود

۲۰ - گزنفون ، کورشنامه کتاب ۶ فصل ۱ .

را سخت و یکبارہ آغاز کنند ، و گوشش کن تا از جزئیات نقشه  
حمله آنان اطلاع کامل حاصل کنی . باید نقشه اصلی را که به مرحله  
اجرا خواهند گذاشت بخوبی بدانی و وقتی آن را اجباراً برهم  
زدند گرفتار هرج و مرج و دچار شکست خواهند شد .<sup>۲۱</sup>

کوروش به کسب اخبار از يك مسیر اکتفانمی نمود و برای آنکه  
بهبتر بتواند عمل تفسیر ، تقاطع و تقویم اخبار را انجام دهد ، يك گروه  
سه نفری دیگر ، که از دربار هند به پیشگاه شاه آمده بودند به لیدیه  
فرستاد ، تا در گردآوری اخبار و اطلاعات لازم اقدام نمایند ، و  
بویژه بآنها دستور داد اخبار و اطلاعاتی جز آنچه همه میدانند بدست  
آورند و با ایجاد نفوذ در ستاد فرماندهی ارتش لیدیه و محافل دیگر  
از طرحها و عملیات و ارزش رزمی و میل جنگجویی آنان آگاه شوند  
و « فکر و خیال دشمن را دریابند » و از تصمیمات محرمانه آنان  
کسب اطلاع نمایند .<sup>۲۲</sup>

همچنین سردار پارس بنا بر اصول جنگ و مسائل تاکتیکی بطور  
قاطع از وضع بابل و ارتش دولت کلدی و مردم آن آگاهی هائی  
بدست آورده و طرح ارتش کشی های خود را بر آن پایه نهاده است .  
در غیر اینصورت انجام این فتوحات بزرگ و اجرای يك سلسله  
عملیات نظامی پیاپی در خاور و باختر ایران و تسلط بر فینیقیها و در  
اختیار گرفتن ناوگان آنها مقدور نمی شد .

کمیوجیه پسر کوروش بزرگ بوسیله يك نفر چشم پزشک مصری  
که در ایران بود ، اطلاعات لازم را در باره کشور و دربار مصر

۲۱ - گزنفون ، کوروشنامه ، کتاب ۶ فصل ۱ .

۲۲ - همان ، فصل ۲ .

بدست آورد. ۲۳ و سپس چون از محور حرکت نیرو در عربستان و صحرای سینا آگاه شد، با فرمانروایان این سرزمین مذاکره کرد و قراردادی منعقد نمود که آب شیرین مورد مصرف ارتش ایران را تهیه کنند. حکمرانان عرب در طول مسیر حرکت ارتش ایران، آب مصرفی را بامشکهایی که از پوست شتر درست کرده بودند فراهم آوردند. در نتیجه مصر بدست ایران گشوده شد و کشور لیبی نیز با فرستادن پیشکشهایی اظهار اطاعت کرد. ۲۴

کمبوجیه در صدد بود قرطاجنه (کارتاژ) و حبشه را هم تصرف کند ولی چون از کشور و دولت حبشه اطلاعات لازم را در دست نداشت، سفیری بدربار امپراطور حبشه فرستاد و دستور داد که اطلاعات لازم را جمع آوری نمایند. ۲۵

اما درباره کارتاژ باید دانست که: این سرزمین کوچ نشین بزرگ و ثروتمندی بود که مردم فینیقیه در شمال آفریقا مقابل جزیره سیسیلا Sicile بر اثر رفت و آمدهای پیاپی و حمل و نقل کالا از راه دریا تشکیل داده بودند. مردم کارتاژ در کارهای بازرگانی و دریانوردی مانند مردم فینیقیه زبردست و چابک بودند و کشتیهای بازرگانی آنان در بنادر، دریای مدیترانه رفت و آمد میکرد. چون اینها از سرزمین ما در یعنی فینیقیه جدا شده بودند در این وقت فینیقیه جزو شاهنشاهی ایران بود و حتی در حمله بمصر همراه با مردم قبرس به

---

۲۳ - هرودت، کتاب ۳، بند ۱.

۲۴ - همان کتاب ۳ بند ۴ تا ۱.

۲۵ - همان فصل ۲.



ارتش ایران کمک کرده بودند ، اشغال این ناحیه با اجرای عمل جنگی ضروری بنظر نمیرسیده است ، زیرا بطور ضمنی مردم آن تحت نفوذ ایران بوده‌اند.

همچنین مدارکی موجود است که داریوش بزرگ به کسب اطلاعات نظامی اهمیت بسیار میداده است . در آغاز پادشاهی داریوش شورشهایی در ایران روی میدهد، زیرا مرگ بردیا Bardia و ادعای گئومات Gaumata مغ ( بردیای دروغی ) و دور بودن کمبوجیه بمدت چهار سال از ایران ، زمینه شورش را فراهم آورده بود .<sup>۲۶</sup>

یکی از شورشها در بابل روی داد و مدتی طول کشید ، و بابل همچنان در محاصره ارتش ایران بود . در این محاصره يك سلسله علمیات نیرنگ و براندازی انجام یافته است که حائز اهمیت میباشد . تلاشهای نظامی حتی اجرای تاکتیک کورش «عبور از مجرای رود فرات» در اینجا مؤثر واقع نشد . برای پایان دادن بکار محاصره

---

۲۶ - بردیا پسردوم کورش بدست کمبوجیه مخفیانه کشته شد ، هنگامیکه کمبوجیه در مصر بود معنی بنام گئومات که از جریان آگاه بود از بی‌خبری مردم سود جست و خود را بردیا پس کورش معرفی نمود و ادعای سلطنت کرد و خود را هم بهیچکس نشان نمیداد . سرداران ایران یعنی رؤسای هفت خانواده بزرگ منجمله داریوش بوسیله ردیمه Rhedime زن کمبوجیه و آتس Atossa دختر کورش حقیقت را فهمیدند و او را بازداشت و کشتند . کمبوجیه نیز در مصر هنگام بازگشت بسایران خودکشی کرد و چون از خانواده کورش کسی نبود ، داریوش که شاخه دیگری از خانواده هخامنشی است در ۵۲۲ پ . م سلطنت رسید ، شاید یکی از عللی که داریوش نفوذ مغها را محدود کرد همین واقعه و بدگمانی است که گئومات ایجاد کرده بود هرودت ، کتاب ۳ بند ۶۷ تا ۷۹ .

زوپییر ( ZoPyre ) یکی از سرداران پارسی، نیرنگی بکار برد . بدین ترتیب که : خود را مضروب و مجروح کرد ، گیسوان خود را چید و با وضعی دلخراش نزد داریوش رفت و برنامه خود را چنین گزارش داد :

من با وضعی که می‌بینی از اینجا می‌گریزم و به ارگ بابل پناه می‌برم و می‌گویم که فرمان تو ، مرا باین حال انداخته‌اند و می‌خواهم از تو انتقام بگیرم، با چنین وضعی آنها مرا بشهر می‌پذیرند و من رفته رفته اطمینان‌شان را جلب می‌کنم . روز دهم هزار نفر به دروازه سمیرامیس Semiramis بفرست . هفت روز پس از آن دوهزار نفر به دروازه نینوا و پس از بیست روز چهار هزار نفر سپاهی با اسلحه سبک بدروازه کلدیه بکمار و بیست روز پس از آن فرمان حمله عمومی را صادر کن و سپاهیان پارسی را نزدیک دروازه بل برای من اعزام دار . با راهنمایی های من روزهای نخست سپاهیان ایران شکست خواهند خورد و بابلیها بمن بیشتر اعتماد میکنند ، دیگر کارها بدست من و سپاهیان پارسی خواهد بود . ۲۷

زوپییر پس از بیان طرح خود آنرا بمرحله اجرا در آورد و مانند فراریان بسوی بابل رهسپار شد . با بلیها او را دستگیر کردند و از حال او پرسیدند ، او گفت :

من بداریوش پیشنهاد کردم که دست از محاصره بابل بردارد و بیارس برگردد ، زیرا گشودن این دژ محال است . او از این پیشنهاد خشمگین شد و با من چنین کرد . اینک من بنزد شما گریخته‌ام تا بزرگترین خدمت را انجام دهم و ستمگین ترین ضربه را به داریوش بزنم . زیرا من از همه نقشه های جنگی او آگاهم و خوب میتوانم علیه او اقدام کنم .

بابلیها که یکی از سرداران بزرگ ایران را با این وضع دیدند، او را پذیرفتند . زوپیرد او طلبانه بجنگ نخستین گروه سربازان

---

۲۷ - هرودت ، کتاب ۳ بند ۱۵۰ - ۱۶۰ .

ایرانی که خود ترتیب گماردن آنها را پیشنهاد کرده بود رفت و آنان را شکست داد و توجه بابلیها را جلب کرد. بارهای دیگر نیز چنین کرد و کاملاً مورد اطمینان قرار گرفت. زیرا دیدند هر چه گفته است با کردارش یکسان است.

در روز حمله عمومی زوپیر بدروازه بل رفت و آنرا بروی سپاهیان پارسی گشود و آنها را بشهر داخل کرد.<sup>۲۸</sup>

پیش از حمله بیونان، داریوش بزرگ با آنکه ارزشی برای کشورهای این ناحیه قائل نبود و از نظر ایران این کشورها بسیار کوچک و ناچیز می نمود،<sup>۲۹</sup> یازده نفر از دانشمندان پارسی را با دموک دس Democedes، پزشک یونانی که در دربار ایران بود، بیونان و نواحی ایتالیا فرستاد تا بررسی و پژوهشهایی راجع بکرانه های یونان بکنند و اطلاعاتی از این راه دریائی گردآوری نمایند.<sup>۳۰</sup>

پارسیها از شهر صیدا با دوناو بزرگ و سریع السیر حرکت کردند، همه جا از کرانه های یونان میگذشتند و مطالب قابل ملاحظه و مورد نیاز را می نوشتند. این هیئت در سفر دریائی خود بشهر تارانت Tarant در جنوب ایتالیا نیز رفتند.<sup>۳۱</sup>

---

۲۸ - پورنیا حسن، در ایران باستان جلد یکم صفحه ۵۵۵ مینویسد، از کتیبه بیستون و اسناد بابلی و مقایسه آنها با تاریخ پارسی معلوم میشود که محاصره بابل بیش از چهار روز طول نکشیده است. اگر چنین باشد بکاربردن حمله های جنگی بشرحی که هرودت ذکر کرده نیازی نبوده است.

۲۹ - Liddellhart.Strategy . newyork . 1962 . P . 27

۳۰ - هرودت، کتاب ۳ بند ۱۲۹.

۳۱ - همان، بند ۱۳۰ تا ۱۳۸.

بنا بشرحی که گتزیاس می نویسد ، داریوش به «آریارمن» Ariaramna فرمانروای کاپادوکیه دستور داد ، تحقیقاتی در باره سکائیه و مردمان سکائی بنماید . این شخص باسی کشتی ، سفری در دریای سیاه کرد و در طی يك رزم کوتاه اسیرانی گرفت که در میان آنان مارساگت Marsagete نامی که برادر یکی از سران سکائی بود وجود داشت و این فرد اطلاعات ارزنده ای درباره آب و هوا ، طرز زندگی ، میزان ثروت ، گیاهان و منابع دیگر سرزمین سکائیه در اختیار دولت ایران گذاشت .<sup>۳۲</sup>

بر آورد و پیش بینی سخت ترین وضعیت ممکن ، و سنجش امکانات خودی و دشمن در بدترین شرایط و نامساعدترین میدانهای رزم در ارتش ایران معمول بوده است ، چنانکه در لشکرکشی خشایارشاه بیونان ، اردوان برادر داریوش بزرگ در داردانل به شاهنشاه میگوید :

ما دودشمن خطرناک داریم ، این دودشمن خشکی و دریاست .  
مرد واقعی آن است که هنگام گرفتن تصمیم محتاط باشد و تمام  
اتفاقات را در ترازوی عقل بسنجد ولی در موقع اجرا دلیر و مطمئن  
باشد .<sup>۳۳</sup>

منظور اردوان از بیان این مطلب این است که ما هرچه در دریا و خشکی پیشروی کنیم ، از مبداء خود و محور تدارکات اصلی خویش دور میشویم و حفظ ارتباط با مرکز مشکل تر خواهد بود ، هرچقدر وسائل و عوامل انسانی بیشتر باشد ، تدارک کردن آنها در

۳۲ - پیرنیا حسن ، ایران باستان ، جلد یکم صفحه ۶۱۲ .

۳۳ - هرودت ، کتاب ۷ بند ۳۹ بعد عبور ایرانیان از هلس پونت .

خطوط طولانی موصلات سخت تر و پیچیده تر خواهد بود. هر اندازه در خاک دشمن پیشروی کنیم، این دشمنان (منظور کیفیت و موقعیت دریا و خشکی) نیرومند تر بوده و بیشتر بر اراده ما و فعالیت های تاکتیکی ما حاکم خواهند بود.

بنابراین، پیرامون کار را باید پائید و با دوراندیشی و احتیاط و برآورد های درست و منطقی که مبتنی بر اطلاعات کامل باشد تصمیم گرفت و سپس این تصمیم را که بر مبنای تفکر منطقی اتخاذ شده است دلیرانه اجرا کرد.

خشایار شاه در جنگ ترموپیل هنگامیکه دریافت این تنگه بر اثر موقعیت تاکتیکی مناسب بوسیله سربازان یونانی اشغال شده و یونانیان آنجا را بعنوان موضع نبرد قطعی برگزیده اند، سواری را فرستاد تا از وضع راه و چگونگی دره و استعداد و گسترش نیروئی که تنگه را اشغال کرده است، اطلاعاتی بدست آورد. این مأمور که تنها میتواند عمل شناسائی کوتاهی انجام دهد بموضع یونانیان نزدیک شد و در بازگشت گزارش داد که:

«گروهی از سربازان مشغول ورزش بودند، بقیه موهای

سرشان را شانه میزدند»<sup>۲۴</sup>

گزارش این مأمور همان چیزی است که ما امروز آنرا «اطلاع

خام» یا «خبر» مینامیم و نیاز به تعبیر و تفسیر و تجزیه و تحلیل دارد تا پرورش یابد و معنا و مفهوم حقیقی آن روشن شود.

---

۲۴ - همان، بند ۲۰۹.

خشایار شاه که مفهوم شانه زدن موهای سر را آنهم بطور گروهی در نیافته بود ، از دمارات Demarate پادشاه فراری اسپارت که نزد او بسر میبرد و سمت مشاور را داشت و نیز با آداب و رسوم یونانیان آگاه بود مفهوم این کار را پرسید و او این امر را چنین تجزیه و تحلیل کرد: یونانیان در این تنگ باما جنگ خواهند کرد، آنها وقتی بخواهند جان بازی کنند و فداکاری را بکمال برسانند سرهای خود را آرایش میکنند. در واقع ارتش ایران و شاه بزرگ بایک دولت نیرو مند یونان و با بهترین و شجاع ترین سربازان یونان روبرو هستند<sup>۳۵</sup>.

دمارات در همه طول راه اطلاعات دقیق نظامی، راجع بوضع جغرافیائی، خصوصیات اخلاقی، استعداد و ظرفیت جنگی شهرهای یونان بشاهنشاه میداد.

تنگ ترموپیل که موقعیت خوبی از نظر موانع طبیعی داشت ، روزهای چندی نیروی ایران را متوقف کرد تا سرانجام براهنمائی یک نفر یونانی که در برابر پادشاه حاضر بخیانیت شده بود و راهها را نیز میشناخت ، هیدارن Hidaren سردار ایرانی با گروهی از سپاهیان خود شبانه حرکت و از کوره راهی که در کنار رود آسب Eusebe میگذشت روانه شدند و در زیر پوشش درختان جنگلی بامدادان بقله کوه رسیدند و از پشت سربقوای مدافع حمله کردند<sup>۳۶</sup>.

در نتیجه همین اطلاعات و راهنمائی دقیق بود که ایرانیان توانستند

---

۳۵ - همان .

۳۶ - همان ، بند ۲۱۰ و ۲۱۱ .

بازحمات فراوان و تلفات سنگین ترموپیل یعنی موضع دفاعی برجسته یونان را از چنگک یونانیان بیرون آورند .

در تمام دوره هخامنشی خبرنگاری ، و سازمانهای امنیتی و کسب خبر ، چه برای مسائل نظامی و چه از نظر اجرای عدالت رواج داشت و اطلاعات سیاسی و نظامی از راههای گوناگون به شوش یاتخت جمشید میرسید<sup>۳۷</sup> . تقویت اسپارت علیه آتن و گاه برانگیختن آتن علیه اسپارت و پاره ای اوقات انجام سیاست موازنه و نقشی را که سکه های طلای ایران در یونان انجام داده است ، همه مستلزم کسب آگاهی و داشتن اطلاعات درست و بموقع میباشد ، تا بر مبنای آن اطلاعات ، دولت مرکزی بتواند برنامه سیاسی و نظامی خود را طرح ریزی کند<sup>۳۸</sup> . نفوذ در میان رجال یونان بوسیله زنان زیبا مانند «تارگلیا»<sup>۳۹</sup> و دیگران و برقراری ارتباط محرمانه و دادن کمکهای مالی به پاره ای از سرداران یونان و حتی دانشمندان و سخنرانان آن سرزمین ،<sup>۴۰</sup> تقویت و نگاهداری دریاسالار کنن Conon بزرگترین افسر دریائی یونان و سپس واداشتن او به ایجاد نیروی دریائی برومند برای کشور ایران<sup>۴۱</sup> و همچنین احترام بسنن و عادات مردم و بزرگداشت روحانیان

۳۷ - رجوع شود به سیاست و اقتصاد در دوره هخامنشی ، نوشته مؤلف .

۳۸ - رجوع شود به آخرین گفتار در این کتاب .

۳۹ - ویل دورانت ، یونان باستان ، بخش ۲ ترجمه مجتبائی ، انتشارات فرانکلین ، ۱۳۳۹ تهران صفحه ۸۱ .

۴۰ - همان .

۴۱ - رجوع شود به کتاب سیاست و اقتصاد در دوره هخامنشی ،

در سراسر امپراطوری که خود موجب شده بود پاره‌ای اخبار از این طریق بیایتخت برسد، ضرورت و اهمیت دسترسی باطلاعات دقیق قبلی را که از طریق فرماندهان وینا مأمورین سیاسی، «اعزام سفیران» یا مأمورین ناشناس کسب شده باشد بخوبی نشان میدهد.

وا از طرفی باید توجه کرد، اداره کردن کشور بزرگی که از سند تا لیبی و از ولگا تا خلیج فارس و از دریای سیاه تا مقدونیه توسعه یافته بود، بدون داشتن يك سازمان اطلاعاتی دقیق و رسا که مأمورین آن در دور افتاده‌ترین نقطه کشور، شب و روز بتلاش و جمع‌آوری خبر و فرستادن آن بمرکز شاهنشاهی مشغول باشند مقدور نبوده است. سازمان چشم و گوش شاه نمونه‌ای است از این دستگاه دقیق اطلاعاتی و خبررسانی که جز بطور کوتاه و ناچیز هیچگونه آگاهی دیگری از آن نداریم<sup>۴۲</sup>.

با این ترتیب شرق در ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در حرفه اطلاعات پیشرفته‌تر از غرب بوده است<sup>۴۳</sup>.

---

۴۲ - همان .

۴۳ - آلن داس .

داریوش بزرگ وقتی در کنار دریای سیاه ، در آسیای کوچک سرزمین پونت **Ponte** را کشور افسری را بنام مهرداد ، بفرمانروائی آنجا گماشت ، کم‌کم حکومت در خانواده او باقی ماند . و تا زمان مهرداد ششم که رومیها او را **Mithridate** مینامیدند . این شخص حریف سرسخت دولت روم بود ، امپراطوری نیرومندی تشکیل داد و افسر اطلاعاتی برجسته‌ای شد و برعکس هانیبال **Hannibal** به بیست و دوزبان و لهجه آگاهی داشت و سخن میگفت و قبایل مختلف و آداب و رسوم آنانرا بهتر از رومیها میشناخت . این خانواده ایرانی که نخست در بخشی از ایران بزرگ حکومت میکردند در مکتبی پرورش یافته ←



## پی‌ریزی ستاد

ستاد بمنزله مغز متفکری است که فرمانده یا رئیس را در انجام ورهبری عملیات و فرماندهی یاری میکند ، وزمینۀ اتخاذ تصمیم را فراهم میآورد . ستاد سازمانی است که اداره نیروی انسانی ، تهیه و تدارك وسائل و ادوات ، اجرای آموزش و ترکیب این عناصر را بگونه شایسته‌ای برعهده دارد . کلیۀ عملیات نظامی برپایه ستاد استوار شده و ستاد است که منشأ تلاش و کوشش میشود و مایه رزم را فراهم میآورد . ستاد مانند تکیه‌گاه و چوب دستی مناسبی است که فرمانده بر آن متکی است و بکمک آن ناهموار بهار ارموار میسازد.<sup>۴۴</sup>

با پیشرفت صنایع و توسعه وسائل ، صنعت جنگ نیز تغییر کرده و هرچه شیوه و هنر جنگ تکامل پیدا کند ، ستاد نیز پرکار تر و از نظر کمی تغییر پذیرتر میشود ، امانت‌ش و عمل ستاد همیشه ، تهیه اطلاعات طرح‌ریزی ، تبدیل مسئولیت‌ها بدستور و فرمان ، ابلاغ و پخش دستورها و نظارت در اجرای آنها است . هنگامیکه از رهبری نیروها گفتگو میشود ، مسئله استراتژی و تاکتیک جلوه‌گری مینماید ؛ و این ستاد است که باید مانند مغز روشنی طرح‌های تاکتیکی را تهیه کند و قدرت فهم و ادراك را با شوق و شور جنگ‌جوئی و سلحشوری پیوند دهد .

---

→  
بودند که دارای فرهنگ عمومی و فرهنگ نظامی برجسته‌ای بوده است .  
اما چرا میگوئیم برعکس هاننیهال ، زیرا هاننیهال سردار کار تازی بود  
( ۲۶۴ - ۱۴۶ پ . م ) که در سرزمین ایتالیا بملت عدم آشنائی بزبان بومیها  
و اشتباه در تلفظ Casinum راهنماهایش او را به Casilinum بردند و در  
نتیجه بدام افتاد .  
۴۲ - واژه Staff در زبان انگلیسی ( معادل ستاد فارسی ) بمعنی چوب  
دست و عصا میباشد .

يك انسان هرچقدر از نظر نیروی بدنی و فکری و نیز از لحاظ روانی توانا باشد، باز هم نمیتواند همه جزئیات مربوط به اداره و رهبری، پشتیبانی عملیاتی، برنامه آموزشی، پیش بینی نیازمندیها و ترتیبات دیگر را به تنهایی بررسی، آماده و انجام دهد، زیرا ناگزیر از داشتن دستیاران و کمک‌هائی است که بر روی هم سازمانی را بوجود آورند و با یکدیگر همکاری نمایند. این سازمان را امروز ستاد مینامیم. بعلت پیچیدگی مسائل، فشردگی کار، مسئله سرعت و افزایش وسائل و آسیب پذیری روان آدمی، ستادها نقش بزرگی را بر عهده دارند.

در دوره هخامنشی پایه سازمان نظامی ایران، نخست بر اصولی که از دولت ماد باقیمانده بود استوار گردید. این اصول خود در طی سده‌ها بر اثر ارتباط دوستانه و گاه خصمانه بادولتهای آشور و کلدیه که در جهان آن روز شهرت فراوان داشتند و نیروی نظامی بزرگی را اداره میکردند، بدولت ماد رسید، ومادها بنا بدوق و سلیقه و نیز هنر خویش تغییراتی در آن داده بودند.

در اوج قدرت هخامنشی، شاهنشاهان ایران که خود همواره فرماندهی ارتش را در دست داشتند، پاره‌ای روشهای نورا در جنگ بوجود آوردند و بر اصل تجربه، جنگ افزارها و یا رسته‌های نوینی فراهم نمودند و دستورهای آموزشی نیز صادر کردند. وظیفه عملیاتی را خود اداره میکردند و با نظارت مستقیم در میدان رزم بنا بموقع زمان و قدرت نیروهای طرفین و رخدادهای موجود طرحهای

ذهنی میریختند و اجرای آن را فرمان میدادند. مشاوران و رهبران ملل تابعه، در حضور شاه گرد میآمدند و دربارهٔ بکاربردن نیروها، برنامهٔ محاصره و اقدام به نیرنگهای جنگی، اظهار نظر مینمودند، و نیز برای راه پیمائی و سفرهای جنگی طولانی و دوراز سرزمین مادر، برای تهیه آب و خوراک و تأمین راه بازگشت و مراکز تدارکاتی به گفتگو و مشاوره می پرداختند<sup>۴۵</sup>. این خود معرف انجام عمل ستادی میباشد.

اینها مسائل را تجزیه و تحلیل میکردند، راه حل ها را پیش بینی مینمودند و با سنجش آنها یک راه حل منطقی و نزدیک بصرغه را پیشنهاد میکردند و بتصویب پادشاه میرساندند.

در حمله ایران به یونان در زمان خشایار شاه تهیهٔ تدارکات و تجهیزات جنگی و آمادگی لازم مدت چهار سال طول کشیده است<sup>۴۶</sup> بطور یقین، تهیهٔ تدارکاتی بامقیاس وسیع در خط سیری بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر از کریتال تا آتن برای نیروئی در حدود پنج میلیون نفر<sup>۴۷</sup> مستلزم وجود ستاد، ارکان مسئول و طرحریزیهای اداری و رزمی بزرگ میباشد تا بتواند انبارهای خواربار در کرانه های تراکیه تهیه کند، مقداری از ساز و برگ و نیاز مندیها را از راه دریاحمل نماید، و براه سازی پردازد.<sup>۴۸</sup> و رویهمرفته چنان رفتار کند که

---

۴۵ - هرودت کتاب ۷، بند ۲۵ و ۲۶.

۴۶ - د د د ۲۰

۴۷ - د د د ۱۸۴ تا ۱۸۸. لیکن باید توجه داشت رقمی

که این مورخ ذکر میکند دقیق نیست و بنظر گزافه می آید.

۴۸ - هرودت کتاب ۷، بند ۱۱۰.

عملیات رزمی بعثت نقص پشتیبانی متوقف نگردد .  
این افتخار و سرافرازی از آن داریوش است که برای نخستین بار سازمانی را برای طرحریزی و نظارت در اجرای فرمان‌ها بوجود آورده است که امروز آن راستاد میخوانیم .<sup>۴۹</sup>  
داریوش بزرگ در ارتش ایران عمل طرحریزی و هماهنگی را در امر فرماندهی و هدایت عده‌ها بر شیوه‌ای استوار ساخت که ریشه دارتر و اصیل‌تر از کار آشوریها ، بابلیها و مصریها بود .  
اگر در گذشته و نزد ملل نامبرده تدارك و تهیه توشه و خوراك ارتش بر غارت و چپاول استوار بود ، داریوش برای نگاهداری اصول انضباط ، روش پشتیبانی و تغذیه ارتش و تدارك جنگ افزار و سایر نیازمندیها را بر پایه‌های اصولی و اخلاقی گذاشت ، نه بر غارت دهکده‌ها و شهرها و یا دستبرد بکاروانها و کشتزارها . داریوش بزرگ در استراتژی خود ، ارتش ایران را از طریق سواحل دریاتدارك مینمود .<sup>۵۰</sup> او مبتکر عملیات مشترك و آبخاکی ( Amphibious ) میباشد ، و این اعمال جز ببرکت نیروی اندیشه و بررسی مسائل و مناطق رزمی و تحصیل نتایج منطقی و سپس طرحریزی بر مبنای این نتایج نمی‌باشد .

از یکطرف اهمیت این طرحها و اقدامات برجسته و از سوی دیگر عظمت ارتش ایران و اجرای عملیات مشترك دریائی و زمینی ،

---

49 - J . D Hittle . The military staff, its history and development, pemsylvania . 1961 . P. 18 .

۵۰ - همان .

ضمن نمودار ساختن شکوه استراتژی ایران ، وجود يك ستاد فعال را به ثبوت میرساند که در آن ستاد نقش افسران ورزیده اطلاعات ، مهندسان زبردست راه و ساختمان و پل و کار دانان دوران پیش مسائل کار پردازی که عملشان مظهر کاریک ستاد خوب میباشد ، هویدا است و از تاریخ ایران و جهان هرگز ستردنی نیست .<sup>۵۱</sup>

دبیران ارتش که در پیرامون شاه بودند کلیه اخبار و اطلاعات و چگونگی وقایع و رخدادها را در آئین سان و هنگام رزم مینوشتند ، حتی نام سربازان و افسران دلیر و نیز لشکر یا ناو جنگی را که بآن وابسته بودند و نام فرمانده مربوطه و ملیت آنها را ثبت میکردند ، تا بموقع بدریافت پاداش و امتیازی نایل آیند . این واقعه نیز میرساند که عمل ستادی بنحو شایسته ای انجام میشده و این دبیران ، خود افسران برجسته و کار آزموده ستاد بوده اند و مسئولیت ضبط حوادث و فداکاریها و ثبت فرمانها و ابلاغ آن را بواحدهای نظامی بر عهده داشته اند .

---

۵۱ - همان ، صفحه ۱۹ .

۲

# ارش

هدف

دولت ماد و نیروی نظامی

نیروی زمینی

پرچم

نیروی دریایی

اکتشافات دریایی

تاکتیک دریایی

پایگاههای دریایی

## هدف

بکار بردن نیروی نظامی با تکیه بر منابع اقتصادی و ثروت ، و امکانات سرزمینی برای رسیدن به هدف یکی از عوامل تصمیم استراتژیکی است . برای بدست آوردن پیروزی بایستی بوحادث عمل و تمرکز قدرتهای سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی و روانی در پشتیبانی و حمایت نیروی نظامی در قلمرو دولت ، متکی بود . جنگ در سه بعد « زمین ، هوا ، دریا » که قلمرو دولت را تشکیل میدهد و محیط بر جمعیت است ، صورت میگیرد . در حالیکه بعد زمان نیز در سرنوشت جنگ مؤثر میباشد . هرگونه تغییر و تحول در سرزمین بر اثر جنگ تأثیر در مردم و زندگی آنان خواهد داشت . پس برای آنکه مردم پذیرای این تغییرات ناگهانی و دردناک باشند و پشتیبانی خود را از نیروهای مسلح دریغ ندارند ، باید از نظر روانی آماده شوند و افکار عمومی متشکل و رهبری گردد .

اما در عصری که از آن گفتمگو میکنیم ، دو بعد از ابعاد سه گانه در سیطره انسان است ، بدون اینکه از تأثیر بعد زمان بر کنار باشد ، یعنی سرعت چه در گذشته و چه در حال ، عنصر حاکمی است

که در تعیین سرنوشت پیروزی نقش اساسی دارد .  
 در عصر مورد نظر، دو بعد یا دو مکان خشکی و دریا صحنه  
 نقش گسترده‌تری‌ها است ، زیرا از بعد سوم « فضا » تنها تجسم پرواز  
 و نیروی هوایی را در بالهای گشوده فروهر<sup>۱</sup> و تندیس‌های زیبای  
 شاهین‌ها که پرچم شاهان بوده است می‌بینیم<sup>۲</sup>  
 خشکی و دریا نخست در تاکتیک برای هدایت ورهبری نیروی  
 نظامی و سپس در استراتژی یا رهبری کلیه نیروها برای رسیدن  
 به هدفهای ملی یا جهانی که ارتش جزئی از آن بشمار می‌آید ، نقش  
 اصلی را ایفاء مینموده است .

پس انسان در گذشته سازنده استراتژی خاصی بود که تنها  
 روی دو بعد و تحت تأثیر بعد زمان شکل و قالب میگرفت و برای  
 طرحریزی این استراتژی شناخت عناصر زیر ضروری بود :

- ۱ - مقاصد و ظرفیت جنگی دشمن .
- ۲ - اعتقادات و شیوه رهبری دشمن .
- ۳ - سرزمین خودی و دشمن .
- ۴ - مقایسه و ارزیابی نیروی دشمن با نیروی خودی.<sup>۳</sup>
- ۵ - هدف سیاسی ، هدف اقتصادی و هدف نظامی .

---

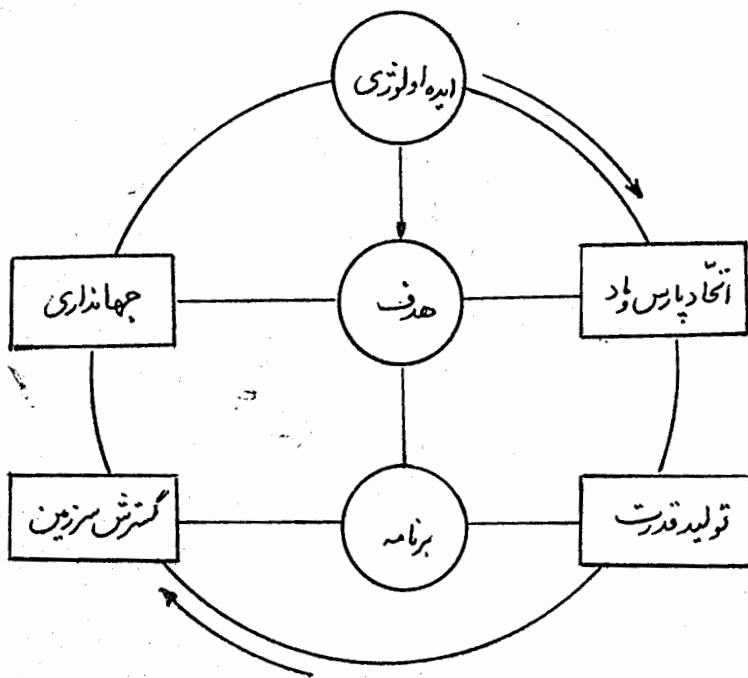
۱ - فروهر Fravahar و فروشی Fravashi یعنی بسوی پیش رهسپار  
 شدن و آرزوی پیشرفت کردن ، یعنی روح ملکوتی و ایزدی که از راه بزرگی و  
 بلندی به آسمان بستگی داده شده است ( فروهر نوشته ، م ، اورنگ ) .  
 ۲ - ر . ش به کتاب پرچم و پیکره شیر و خورشید ، تألیف نویسنده  
 ۳ - بند ۱ تا ۴ بشرحی که در بخش اطلاعات تشریح گردید معمولاً  
 انجام می‌یافت .



۶- ایجاد قدرت ملی « ترکیب نیروی نظامی ، اجتماعی و عقیدتی یا ایده اولوژی » .

۷- بهره‌برداری از قدرت .

دولت هخامنشی عوامل هفتگانه نامبرده را رفته‌رفته شناخت و سیر دگرگونی و تحول سیاسی و استراتژیکی خود را در مداری به این ترتیب پیمود .



ایده اولوژی ..... بنیاد شاهنشاهی نیرومند  
 هدف ..... اتحاد پارس و ماد و ایجاد وحدت  
 در فلات ایران

تهیه نیرو.....سازمان ارتشی

ایجاد قدرت ملی « سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی »

ترکیب قدرتهای سه گانه با قدرت نظامی

توسعه و تقویت ارتش.....عامل تعیین کننده سرنوشت

گسترش سرزمین.....تصرف آسیای باختری ،

آفریقای شمالی و نفوذ در

اروپا

ایجاد دولت جهانی<sup>۴</sup>.....هدف نهائی

جهاننداری.....نظم برتر .

در مورد هدف نخستین که اتحاد پارس و ماد یعنی دو تیره

آریائی است ، پادشاهان برجسته مادمانند فره ورتیش Farahvartish

و هوخشتر Hovakhshatar اندیشه هائی داشتند و کارهائی نیز انجام

دادند. فره ورتیش پارس را تصرف نمود و سپس در صد درصد تصرف بخشهای

دیگر ایران برآمد .

هوخشتر نیز در اندیشه توسعه قلمرو ایران از سوی باختر بود ،

دولت مقتدر آسور را منقرض کرد و مرز ماد را بکنار رود هالیس

« قزل ابرماق » رسانید و با دولت نیرومند لیدیه همسایه شد .<sup>۵</sup> و

---

۴ - بهمنش ، تاریخ یونان قدیم ، جلد اول ، ۱۳۳۸ ، دانشگاه تهران ،

مقدمه صفحه «ج» و «د» بنقل از A . J . Toynbee و نیز جلد اول تاریخ جهان

از مجموعه Encyclopedie De lapleiade .

همچنانکه کورش در بابل کرده بود ، او نیز ( ناپلئون ) آرزو داشت

از سراسر جهان يك تاج و تخت بسازد و از همه مردم كیتی يك ملت پدید آورد .

و يكتور هوگو ، سالنامه دنيا سال ۱۳۴۹ ، مقاله راجع به بنيادگذاری شاهنشاهی

ایران صفحه ۸ .

۵ - پیرنیا ، حسن ، ایران باستان ، جلد يكم صفحه ۱۸۰ - ۱۹۹ .

خود حکومت نیرومندی را در فلات ایران تشکیل داد. لیکن جانشین او نتوانست این امپراطوری را نگهداری کند و بر اثر فساد و بیداد، رجال حکومت سازمانهای پنهانی تشکیل دادند و کورش را بقیام دعوت نمودند.<sup>۶</sup>

در نتیجه افتخار بزرگ و تاریخی در این زمینه و هدفهای دور برد دیگر نصیب کورش پارسی گردید. درباره تهیه نیروی نظامی، و بموازات توسعه و تقویت ارتش کارهای دیگری مانند اقدامات عمرانی، اقتصادی و اداری، برای رفاه اجتماعی و افزایش اعتماد مردم ایران و ملل دیگر و نیز بهره برداری از افکار عمومی و شور و هیجان ملت انجام یافته است که در همین فصل و بخشهای آینده بررسی خواهد شد.

### دولت ماد و نیروی نظامی

مادها که یکی از سه تیره بزرگ آریاهای ایرانی (ماد، پارس، پارت) بودند در آغاز سده هفتم یا پایان سده هشتم پیش از میلاد، در شمال باختری ایران دولت ماد را تأسیس کردند. هرودت زمان تأسیس این سلسله را از ۷۰۱ تا ۷۰۸ پ. م دانسته و مدت حکومت این دولت را ۱۵۰ سال مینویسد. اما کتزیاس تاریخ نویس دیگر یونانی مدت سلطنت این دودمان را ۳۱۵ سال میدانند.<sup>۷</sup> سرزمین ماد یا ایران شمال باختری و غربی، بعلت داشتن مس و آهن و معادن سنگ، نفت و همچنین بواسطه

۶ - هرودت، کتاب اول بند ۱۲۳ تا ۱۳۰.

۷ - هرودت، کتاب اول بند ۹۶ تا ۱۰۸ و پیرنیا، ایران باستان جلد

یکم صفحه ۲۰۸.

جلگه‌های حاصلخیز و پرورش اسبان خوب مورد توجه پادشاهان آشور بود. زیرا در جهان قدیم، وجود این منابع خود دلائل کافی سیاسی و نظامی تجاوز آشوریه‌ها را به ایران فراهم می‌آورد.

تربیت اسب در ایران غربی زمینه ایجاد و توسعه سواره نظام را در ارتش موجب شده بود و سواران ایرانی که از دوران کودکی با اسب و اسب سواری آشنائی داشتند عناصر ورزیده و کارآمدی بودند. آشوریه‌ها که در حمله‌های پیاپی خود تنها به نیروی ضربتی خویش که از ارا به‌های جنگی تشکیل شده بود اتکاء داشتند، در پیچ و خم کوه‌های زاگرس دچار آسیب و درماندگی‌های فراوان میشدند. لیکن در تماس با مادها رسته سواره نظام را از ایرانیان اقتباس کردند و با افزودن رسته نوینی به ارتش خود نقص آن را جبران نمودند.<sup>۸</sup>

در هنگام پادشاهی هونخستر که براستی باید او را یکی از برگزیدگان سیاسی و نظامی دانست، تلاش و کوشش فراوانی در جهت توسعه نیروی نظامی و اصلاحات کشوری بعمل آمد، زیرا وی بر اثر جنگ پدرش با آشور و شکست نیروی ایران بتجربه آموخته بود که نیروی چریک‌ماد نمیتواند با ارتش مقتدر آشور برابری کند، پس ساز و برگ و سازمان ارتش ایران را برای نبرد با ارتش آشور سر و سامان داد و سپاه دائمی را بجای نیروی چریک برگزید

---

۸ - برای آگاهی بیشتر رجوع شود بکتاب ایران، از آغاز تا اسلام نوشته پرفسور گیرشمن.

و به آموزش آن کوشید.<sup>۹</sup>

وی اصلاحات پر دامنه‌ای را آغاز کرد، با استفاده از خوی دلیری و سوار کاری، نیرومندترین سوار نظام را تشکیل داد. بنگار آموزش و انضباط سخت توجه کرد و کامیابیهائی نیز بدست آورد.<sup>۱۰</sup> با این تلاش برجسته سرانجام هوخشتر با حکمران شهر بابل، نبوپالاس سار NeboPalas sar متحد شد و دولت آشور را بکلی مضمحل ساخت، بطوریکه از آن روز تا کنون فقط نامی از این دولت در برگه‌های تاریخ باقی مانده است.<sup>۱۱</sup>

اتحاد هوخشتر با فرمانروای بابل که مطیع دولت آسور بود علیه آن دولت، زیرکی، هوشیاری و دیپلماسی این پادشاه را در اضمحلال و ریشه کن نمودن دولتی که بارها بایران تعرض کرده بود، میرساند. پس از تجدید نظر هوخشتر در سازمان ارتش ماد رسته‌های گوناگون، نظامی عبارت بود از:

پیاده نظام، شامل کمانداران و نیزه داران و آتش اندازان سوار نظام.

یگانهای پشتیبانی و تدارکات.

---

۹ - هرودت، کتاب ۱ بند ۱۰۳ و ماهنامه ارتش، سال ۴۷ شماره ۱ مقاله ماد و مادها.

۱۰ - گزنفون، کورشنامه، صفحه ۵۸.

۱۱ - هرودت کتاب ۱، بند ۱۰۳ (نبوپالاس سالارحا کم شهر بابل و فرمانبردار دولت آسور بود، لیکن دعوی استقلال کرد و متحد هوخشتر پادشاه ایران شد و پس از انقراض آسور، دولت کلده را بوجود آورد و وارث تمدن بابل گردید و سرزمین آسوریان میان دو دولت تقسیم شد).

یگانهای بارکش ، شامل گاریهای بزرگ که با اسب کشیده میشد و امور حمل و نقل را بر عهده داشت . ساختن این گاریها و استفاده از اینگونه بارکشی از ابتکارات ایران مادی است .<sup>۱۲</sup>

همچنین ساز و برگ و جنگ افزار سپاهیان عبارت بود از : زره ، کلاه خود ، نیزه بلند ، شمشیر ، خنجر ، گرز ، زوبین ، تیر و کمان ، گلوله های نفت آلود ، سپر ازنی و برگستوان .<sup>۱۳</sup>

در باره آتش اندازان که میتوان گفت کار ، شعله افکن یا گلوله های آتش زای امروزی را میکردند باید دانست که تیراندازان مادی در جنگ از مواد سوزان مانند نفت استفاده می بردند . بدین ترتیب که گلوله های پارچه ای را به تیرهای خود می بستند و به نفت می آغشتند و آتش میزدند ، و سپس به منطقه دشمن پرتاب مینمودند . این رفتار در اندک زمانی اردوگاه دشمن را با آتش میکشید . از این تاکتیک نیز خشایار شاه در جنگهای آتن بهره برداری کرد . بدین ترتیب هنگامیکه ارتش ایران وارد شهر آتن شد ، گروهی از شهر گریخته بودند و گروهی در داخل قلعه شهر دفاع میکردند ، بناچار برای درهم شکستن آخرین نقطه مقاومت ، آتش اندازان ایرانی از فراز تپه ای گلوله های آتشین بدرون دژ پرتاب کردند و سرانجام آنجا را تصرف نمودند .<sup>۱۴</sup>

---

۱۲ - همان ، ضمناً باید توجه داشت که این ارابه های بارکش غیر از ارابه های آسوری است که يك وسیله تمرضی بشمار میرفت .  
 ۱۳ - زره و پوششی که تن اسب را می پوشاند .  
 ۱۴ - هرودت ، کتاب ۸ ، بند ۵۲ تا ۵۴ .

شاید پرتاب این گلوله بوسیله افزار مخصوصی که از خواص  
اهرم برخوردار بوده است انجام میشده ، هرودت گزارش میدهد که  
سربازان مادی چگونه با این گلوله‌ها تیراندازی میکردند و خود  
آنها را «آتش مادی» نامیده است . این کار مورد تقلید یونانیان نیز  
قرار گرفت و بعدها در جنگهای خود از گلوله‌های آتشین استفاده  
مینمودند .

با همه این اصلاحات و ابداعات ، چنین مقدر بود که : این  
دولت بر اثر فساد ناشی از قدرت و ثروت ، بدست کورش پارسی  
که فرمانروای یکی از استانهای این پادشاهی بود از پای در آید ،  
و بجای آنکه همه آسیا در آب غرق شود ، این قاره در زیرشاخ  
و برگهای تارك رحمت و روح آزاده کورش بیاساید .<sup>۱۵</sup>

قوم ساده و تازه نفس پارس که آلودگی فساد ناشی از  
ثروت و تجمل را نداشت ، برهبری کورش ارتش کوچک ساده  
و پاکدل و قانعی بوجود آورد . سپاهیان پارس بخوراکي اندك  
می ساختند و نوشابه ای جز آب چشمه‌های گوارای پارس نمی آشامیدند  
لباسهایشان مانند خوراکشان ساده و جنگ افزارشان از آن ساده تر  
و شامل : سپری از ترکه بید ، کلاه نم‌دین ، قمه و نیزه کوتاه بود .  
اما دل‌هائی جسور و شجاعتی بی‌مانند داشتند ، بطوریکه بعدها  
«نیزه یونانیان را از دستشان منی گرفتند و می شکستند و مردانه

---

۱۵- آستیاژ Astiages پادشاه ماد خواب دید که از شکم دخترش «ماندانا»  
ما در کورش بقدری آب جریان یافته که آسیا را غرق کرده است . باردیگر خواب  
دید که از شکم دخترش تاکی روئیده که بر قاره آسیا سایه افکنده است .  
هرودت ، کتاب اول ، بند ۱۰۷ تا ۱۳۲ .

می‌جنگیدند»<sup>۱۶</sup>، گوئی برسالت خویش و نقشی را که باید در تاریخ جهان ایفاء کنند آگاهی داشتند.

بدین ترتیب کورش وارث امپراطوری و سازمان نظامی دولت ماد که از نظر رهبری و مدیریت ناتوان شده بود، گردید و سعی کرد از شکل و قالب سازمان پیروی نماید.<sup>۱۷</sup>

کورش سربازان پارسی و مادی را چنان اداره و رهبری کرد که بصورت ارتش آهنین و شکست ناپذیری در آمد و بر «سارد» و «بابل» مسلط شد و فرمانروائی اقوام سامی را در مغرب آسیا چنان پایان داد که تا هزار سال پس از آن دیگر نتوانستند دولت و حکومتی تأسیس کنند.

تمام کشورهایی را که تحت تسلط آشور، بابل و لیدیه بود ضمیمه ایران ساخت و از مجموع آنها يك دولت شاهنشاهی بوجود آورد که بزرگترین سازمان سیاسی جهان پیش از دولت روم قدیم و یکی از خوش اقبالترین دولتهای همه دوره تاریخ بشمار میرود.<sup>۱۸</sup>

### پیروی زهینی

با سقوط دولت ماد، قرار داد صلح ماد - لیدیه که در سال ۵۸۵ پ. م منعقد شده بود بخودی خود لغو و دولت لیدیه، هم متحد

۱۶ - هرودت، کتاب ۹ بند ۶۲ نبرد پلاته.

۱۷ - نلدکه Noldeke خاورشناس آلمانی میگوید امپراطوری ماد بدست کورش منهدم نشد و فقط تغییر شکل یافت و يك تیره دیگر از مردم ایران یا تسخیر آسیا و کشورهای همسایه، نقشه‌ها و حشتر را اجرا کردند.

۱۸ - ویل دورانت - مشرق زمین گاهواره تمدن، بخش اول، ترجمه آرام، تهران اقبال، ۱۳۳۷، صفحه ۵۱۸.



بزرگ خود و هم آرامش مرزی خویش را از دست داد.<sup>۱۹</sup> و در تعرض به ایران پیشدستی کرد تا از نیرومند شدن کورش جاوگیری نماید، لیکن شکست خورد و سرزمین ثروتمند لیدی جزو امپراطوری ایران گردید.

کورش در بر خور دنخستین خود با کرزوس Cressus پادشاه لیدیه در پتروویوم Petrium بسال ۵۴۷ پ. م با آنکه به عقب نشینی ارتش لیدیه منتهی گردید، به ارزش سوار نظام و نقشی را که این رسته در ارتش آن کشور بازی میکرد آگاه شد، و دریافت که سوار نظام ایران در برابر لیدیها از نظر تحرك و استعداد بسی ناچیز است. و یقین یکی از عللی که کورش، ارتش لیدیه را پس از فراردنبال نکرد همین امر بوده است. بهر حال از این جنگ پند گرفت و به توانا گردانیدن بدنی و روانی ارتشیان همت گماشت و دگر گونیهای زیر را در ارتش بوجود آورد:

#### ۱ - پیاده نظام

در پیاده نظام و جنگ افزار پیادگان دگر گونی هائی داد و با آموزش های سخت و سنگین آنها را برای رزم تن به تن آماده نمود.

#### ۲ - سوار نظام

دریافت که سوار نظام اگر چه سنگین و پر هزینه است، لیکن

---

۱۹ - پس از انقراض آسور هوخشر بطرف لیدیه رفت و پس از جنگی بحکمیت شاهان بابل و کیلیکیه قرار داد صلحی میان ایران و لیدیه منعقد شد ورود هالیس مرز دو کشور تعیین گردید، سال ۵۸۵ پ. م هرودت کتاب اول بندهای ۷۳ و ۷۴.

از نظر تحرك بسيار ارزنده و قادر است با سرعت در نقاط مختلف میدان رزم وارد در عملیات تاکتیکی شود .

اسب‌های ایران بویژه نژادی که در نیسایه تربیت میشد ، میتوانست سرعت لازم را برای انجام حرکات و جابجائی در جنگها داشته باشد و در اندك زمانی قدرت را از يك نقطه به نقطه دیگر انتقال دهد . زیرا این رسته عامل تحرك و سرعت و انتقال قدرت بود . کورش در شورائی مرکب از افسران و فرماندهان ، با توجه به آنچه از جنگ ایران و لیدی آموخته بود ، گفت :

ما میتوانیم که دشمن را در هنگام نبرد شکست دهیم ولی پس از آن نمی‌توانیم او را دنبال کنیم و از پیروزی خود بهره‌برداری نمائیم ، این عیب را باید رفع کرد ، تا نیازمند دیگران نباشیم .<sup>۲۰</sup>

فرماندهان که خود ضرورت تاکتیکی سوار نظام و نمایش سرعت در جنگ را میدانستند ، گفته کورش را تصدیق کردند و فرمانی صادر شد تا در تهیه اسب و آموزش و پرورش سوار نظام اقدام شود . و برای آنکه ارزش سوار نظام بیش از پیش بالا برود و از نظر روانی بهره‌برداری کلی بعمل آید ، قانونی بتصویب رسید تا کسانی که از دولت اسب میگیرند باید همیشه سواره حرکت کنند اگر چه مسافت کم باشد .<sup>۲۱</sup>

دلبستگی کورش به رسته سوار نظام تا آنجا بود که در مدت یکسال سواران ایران از ۲۰۰۰ نفر به ۱۰۰۰۰ نفر افزایش یافت . این پادشاه از هیچکس هدایائی نمیگرفت ، مگر در جهت گسترش امور

---

۲۰ - گزنفون ، کوروشنامه ، کتاب ۴ ، فصل ۳ .

۲۱ - همان ،

نظامی ، بویژه سوار نظام ، تنها تحفه‌ای که این استراتژ بزرگ می‌پذیرفت ، سلاح برای پیکار و اسب برای تکمیل رسته سوار نظام بود . ۲۲

### ۳ - شتر سواران

سواران کشور لیدیه شهرت جهانی داشتند و در چابکی و تیراندازی بیمانند بودند ؛ کورش با نبوغ ذاتی خویش برای درهم شکستن انبوه سواران ورزیده لیدیه به تاکتیک ابتکاری خاصی دست زد که تا آن روز بی‌سابقه بود ، و روشنگر استعداد نظامی و سرعت انتقال فکری او می‌باشد . بطوریکه از بررسی جنگ لیدیه استنتاج میشود ، برای حمل و نقل بنه و ساز و برگ جنگ و مواد غذایی تعدادی شتر در ارتش ایران مورد استفاده قرار گرفته است .

شیوه ابتکاری به این ترتیب بود که کورش هنگامیکه برتری سوار نظام ارتش لیدیه را نسبت به سپاهیان خود دید ، بیدرنگ دستور داد که شتر سواران چابک در صفهای منظم و هم‌آهنگ ، فریادکشان و باصلابت بطرف صفوف سوار نظام ارتش لیدی حرکت کنند . در اثر اجرای این تاکتیک اسبهای ارتش لیدیه که از هیکل بلندشتران و بوی بدن آنها و هیاهوی سربازان بوحشت افتاده بودند گریختند و نظام صفهای لیدیه را بر هم زدند .

این آشفتگی رشته انضباط و فرماندهی را پاره کرد و افسانه شکست ناپذیری سوار نظام ارتش لیدی نقش بر آب گردید ، و ایرانیان در این جنگ پیروز شدند . نتیجه این تاکتیک موجبات

توسعه و بهره برداری از واحدهای رزمی شتر سوار و نیز واحدهای اداری را در ارتش جوان ایران فراهم آورد. ۲۳

#### ۴- گردونه‌های جنگی

در ارتش ماد، ارابه‌های بزرگی که با اسبهای نیرومند و زیبا کشیده میشد وجود داشت. این ارابه‌ها بزرگتر از ارابه‌های ملل همسایه بود و در هیچیک از کشورهای بابل، لیدیه و آسور مانند نداشت.

کوروش بزرگ نه تنها روش باربری و حمل تدارکات را به سنت ارتش ماد، با این گردونه‌ها پذیرفت و توسعه داد، بلکه در باره گردونه‌های جنگی تغییرات و تحولات تاکتیکی هم بوجود آورد.

بسانی که میتوان گفت، گردونه‌هایی که بفرمان کوروش بزرگ ساخته شد، از نظر بهره‌برداریهای نظامی و انجام عملیات تاکتیکی، بسیار مناسب و ابتکاری بوده است. ارابه‌های جنگی را با وسائلی که بدست می‌آورد، میساخت ولی استفاده از ارابه‌ها را به نحوی غیر از آنچه اهالی تروا (Troie) یا اهالی سیرن (Cyrene) تا آن زمان معمول داشته بودند مقرر داشت، در واقع تا این تاریخ اهالی ماد، سوریه و عربستان و سایر اقوام آسیائی از ارابه‌های جنگی بهمان نحو استفاده می‌نمودند که اهالی سیرن استفاده میکردند.

---

۲۳ - هرودت، کتاب ۱ بند ۷۸ تا ۸۰ و گزننفون، کوروشنامه کتاب ۶

فصل ۱ صفحه ۲۰۸ و نیز کتاب ۷ فصل ۱ صفحه ۲۴۴.

کورش پس از بررسی روی رزم ارابه‌ها دید که سربازان ورزیده را بر ارابه‌ها سوار می‌کنند و بدین جهت نمی‌توانند آنطور که شایسته است در پیکارهای تن به تن، یا تصرف سرزمینها شرکت کنند و بیهوده و بیکار میمانند.

علاوه بر این در يك دسته مرکب از سیصد ارابه جنگی، سیصد سپاهی ورزیده، یکهزار و دویست اسب و سیصد راننده از بهترین سربازان باید انتخاب نمود و این عده عملاً نمی‌توانند که ضربه مؤثر و خرد کننده‌ای بدشمن وارد سازند.

بدین جهت شکل و ساختمان ارابه‌ها را تغییر داد و دستور داد به نحوی ساخته شود که در جنگ مؤثرتر و سودمندتر باشند. چرخها را نیرومندتر و استوارتر ساخت، تا در میدان کارزار مقاومت بیشتری داشته باشد، طول محور را زیادتر کرد، تا دیرتر بشکند و خطر واژگونی کمتر شود.

جایگاه راننده را از چوب‌های ستبر مانند برجی ساخت تا راننده بهتر و با آزادی بیشتر اسبها را براند و گردونه را هدایت کند، ولی این برجها راننده را بالاتر از آرنج نمی‌پوشانید، و ارابه را بجز چشمه‌ایش از سر تا پا مسلح بود.

در دو انتهای محور چرخها دو داس برنده آهنین بطول دو آرنج جا داد و در زیر ارابه دو داس دیگر قرار داد، نوک آنها نیز و بطرف زمین بود تا دشمن را به آسانی و با سرعت حرکت گردونه پاره کند. ۲۴

---

۲۴ - گزنفون کورثنامه، کتاب ۶ فصل ۱، گزنفون می‌افزاید: این قسم ارابه هنوز هم در دسته‌های سپاهیان پادشاهان پارس معمول است.

این ارابه‌ها قوای ضربتی ارتش ایران را تشکیل میداد و هنگامیکه یکجا حمله می‌بردند بسیار وحشتناک بودند و عامل اصلی پیروزی بشمار میرفتند، گاه از داخل این ارابه‌ها گلوله‌های نفت آلود و سوزان بطرف صفوف دشمن پرتاب میشد و سبب پراکندگی و از هم گسیختگی دشمن را فراهم می‌آورد و در ستون‌ها شکاف ایجاد مینمود و سپاهیان پیاده یا سوار، داخل در این شکاف‌ها می‌شدند و دشمن را تجزیه میکردند. ۲۵

#### ۵- ارابه‌های بنه و نفربر

هنگامیکه با ساختن ارابه‌های داسدار و آتش‌انداز نیروی ضربتی توانائی فراهم آمد، سرعت و چالاکی در تدارک این نیروی سریع السیر و تأمین ضایعات و درمان مجروحین و جایگزینی آنها و همچنین پشتیبانی رسته‌های دیگر ارتش در لشکرکشی‌ها و عملیات تاکتیکی ضروری و مهم بود. کورش میدانست که باید در این زمینه اقدام شایسته‌ای بعمل آورد.

آبرادات Abradat افسر شوشی چون دید کورش گردونه‌های داسدار را می‌پسندد و می‌خواهد هر چه زودتر، زین و برگ اسبان تهیه شود و سواران زره پوش آماده گردند و ارتش ایران تحرك لازم را پیدا کند، کوشید تا یکصد ارابه زرهی بسازد و آنها را با اسبان و سربازان خود سازمان دهد و آماده کند. حتی خود بر ارابه زرهی که با هشت اسب کشیده میشد سوار شد و نزد

---

۲۵ - همانطوریکه گفته شد مبتکر گلوهای آتشین هووخستن بود و این شیوه از اصول نظامی ماد اقتباس شده. گزنفون در کورشنامه کتاب ۶ فصل ۱ و کتاب ۷ فصل ۱ در این باره گفتگو میکند.

کوروش رفت و آنرا به شاه بزرگ تقدیم کرد .  
هنگامیکه کوروش این ارابه را که چهار مال بند داشت دید  
بفکر افتاد که میتوان برای هر ارابه هشت مال بند ساخت و شانزده  
گاو «هشت جفت» به آنها بست و بانبروی شانزده گاو برج متحرکی  
را که هیجده پا ارتفاع داشت حمل کرد . کوروش پیش بینی کرد  
که چنین برجهایی را اگر در پشت صف سپاهیان وا دارد ، برای  
سپاهیان کمک بسیار بزرگی است و در پیشرفت کار زار و انهدام  
دشمن مؤثر خواهد بود . پس دستور داد تا در این دژهای متحرک ،  
راهروها ، کنگره‌ها و وسائل دفاعی لازم بسازند ، بطوریکه در هر  
یک از آنها بیست نفر سرباز جای بگیرد . پس از ساختن این برجها  
روشن شد که هشت جفت گاو برای کشیدن چنین برجی با وزن سپاهیان  
و ساز و برگشان کافی است .

و استفاده از این برجها اگر چه با چوبهای سنگین و پردوام  
ساخته شده است ، از ارابه‌های معمولی و کوچک که برای بنه بکار  
میرود ساده‌تر و آسان‌تر است .<sup>۲۶</sup>

چون از این شیوه حمل و نقل خشنود شد و از استحکام و ارزش  
این این ارابه‌ها در جنگ اطمینان یافت ، دستور داد ، شماره‌ای از  
آنها را در پشت سپاه برای حمل بنه ، ساز و برگ و دیگر نیازمندیها  
بکار برند ، زیرا معتقد بود که باید به دشمن برتری داشت و هر  
عاملی که در نبرد مایه پیروزی و آسایش باشد عین عدالت و پیشرفت  
است .<sup>۲۷</sup>

۲۶ - گزنون ، کوروشنامه کتاب ۶ فصل ۱ .

۲۷ - همان ، کتاب ۶ فصل ۱ .

چون این سردار در پی توسعه و گسترش نیروی نظامی بود ، از کوچکترین فرصت در بالا بردن روحیه سپاهیان بهره می برد ، و فرماندهان را به اجرای آموزش و تهیه وسائل ، تشویق می نمود . و بویژه یادآوری میکرد که سوار نظام و گروهانهای ارا به جنگی تشکیل دهند و آنها را آماده نگاه دارند ، و نیز میگفت :

هر کس از شما تعداد بیشتری ارا به ران و بهترین سوار نظام رادارا باشد برای من مافند دوستی است باوفا ، از من پاداش خواهد گرفت و پایه های استواری برای شاهنشاهی ایران خواهد بود . ۲۸

### بررسی روی این اختراع

بطور روشن میتوان ، اظهار نظر کرد که ابتکار کورش در ساختن ارا به های داسدار که نمونه نخستین زره پوشها و ارا به های امروزی جهان است ، نتیجه دقت نظر ، بصیرت و تجربه های تاکتیکی این استراتژ بر جسته میباشد .

این ارا به ها ، قدرت آتش ، سرعت ، ضربت و حفاظت را دارا بود ، و تحرك لازم را به ارتش میداد ، و چون همواره ، سرعت و غافلگیری دو اصل مهم در رهبری جنگ میباشد ، بنابراین ارتش ایران برتری قابل ملاحظه ای داشت .

کورش بر اثر تیزبینی و نبوغ خویش و بررسی روی ارا به های قدیم دریافته بود که نیروی انسانی و وسائلی که بکار میرود ، بازده کافی ندارد و نمی توان با این ارا به ها ضربت قطعی در نقطه مورد نظر بدشمن وارد کرد ، در نتیجه همیشه مقدراری نیرو و ساز و برگ

---

۲۸ - همان ، کتاب ۸ ، فصل ۶ .



بیهوده بمصرف میرسد ، یعنی در يك واحد ارا به ۳۰۰ گردهونه ، ۱۲۰۰ اسب ، ۳۰۰ راننده و ۳۰۰ تیرانداز بکار میرود ولی کار آئی و بهره رزمی آنان بسیار کم و ناچیز میباشد .<sup>۲۹</sup>

تلفات هم زیاد است ، زیرا خدمه ارا به هیچگونه حفاظ قابل ملاحظه ای ندارند ، برای رفع این عیب و اجرای تاکتیک «ضربه در زمان و مکان معین» و «اغتنام فرصت و جلوگیری از تباه کردن زمان» و نیز افزودن بر نیروی روانی و استعداد رزمی ارتش ، سه اصل : سرعت ، حفاظت ، ضربت را یعنی همان عوامل حاکمی که امروز از وسائل موتوری ارتش ، مانند : تانکها و هواپیماها انتظار داریم ، در يك وسیله جنگی گرد هم آورد .

از سوی دیگر باید دانست که قدرت آتش یا اسلحه ارا به های داسدار ، منحصر بقدرت تیراندازی و توانائی سلاح سر نشین آن نبود ، داسهای برنده و ترسناکی که در انتهای محور چرخها و در زیر ارا به بر محور چرخها ساخته شده بود ، هر يك به تنهایی کار چند تیرانداز ورزیده را انجام میداد .

سرباز دشمن حتی نمی توانست احتمالا از زاویه بی روح پیرامون زیر ارا به استفاده کند و بزمین بیفتد .

حرکت این ارا به ها با داسهای بران و درخشنده در پهلوها و بر ، و برجهای زره داری که سر نشینان ارا به را حفظ میکرد ، با لاوران مصمم و مقتدری که از زیر زره و کلاههای خود ، بانگهای

---

۲۹ - همان ، کتاب ۶ ، فصل ۱

پرنفوذ ، بی پروا به مراکز تجمع و هدفهای نظامی نزدیک میشدند ، وحشت در دل دشمن پدید می آورد و قدرت مقاومت را از او میگرفت .

این ارابه‌ها دژهای متحرکی بشمار می رفتند که نیروی انسانی ، مهمات و تدارکات را با نیروی اسبان تندرو که با زره پوشیده شده بودند بجلومی بردند . و اگر همه اسبان این دژهم کشته میشدند ، از قدرت سرنشینان ارابه تا زمانی که دارای وسائل رزم بودند و نیز تا لحظه رسیدن کمک ، چیزی کاسته نمی شد .

بویژه که گردونه‌ها بیشتر بصورت توده و یا صورت بندیهای خط‌بکار میرفتند تا بتوانند در زمان مناسب ، ضربت ناگهانی خود را به روی هدف متمرکز سازند و یکدیگر را پشتیبانی نمایند . برای استفاده از سرعت های متناسب ، مال بند ارابه‌ها یا دژهای رونده بگونه‌ای ساخته شده بود که اسبها را میتوانستند کم یا زیاد کنند . مثلا بنا بر سرعت مورد لزوم و ظرفیت دژ و وزن بارها ، دواسب ، چهار اسب ، هشت اسب یا شانزده اسب بکار میرفت .<sup>۳۰</sup>

اصل دیگری که در این ارابه‌ها برجسته و شایان دقت میباشد ، اصل صرفه جوئی است ، هم از نظر تاکتیکی و هم از نظر اقتصادی . از نظر تاکتیکی همچنان که گفته شد ، وجود برگستوان برای اسبها ، برجه‌ها و کلاه خود برای سرنشینان ، و نیز افزودن برعرض بدنه ارابه و کاستن از خطر واژگونی آن ، از تلفات و ضایعات فراوان جلوگیری مینمود .

---

۳۰ - همان ، کتاب ۶ ، فصل ۱

افزودن برستبرای چرخها و محور ارا به و افزایش عرض بدنه و کارهای دیگری که در بهبود و استحکام آن بکار رفت، هم بر ارزش تاکتیکی آن افزود و هم بردوام و استقامت ارا به ها . بدین ترتیب هم از اتلاف نیروی انسانی جلوگیری شد و هم از اتلاف نیروی اقتصادی .

این عوامل حاکم و ارزنده موجب شد که نیروی زرهی و سوار نظام را در ایران مورد توجه قرار دهند و در تکامل آن بکوشند، زیرا هسته مرکزی قدرت ارتش را این دو رسته بوجود می آوردند.

از ارتش ایران سوار نظام بهتر از رسته های دیگر است و دارای همان ساز و برگ است که کورش مقرر داشته و ارا به های داسدار بقدری سودمند هستند که شاهان ایران بکار بردن آنرا تا کنون نگاه داشته اند. ۳۱

### پرچم

بکار بردن پرچم از هزاره های پیش در میان تیره ها و ملیت های گوناگون معمول بوده است . امروز هنگامیکه علامت ویژه روی پرچم کشورها را بررسی میکنیم ، دیده میشود که پاره ای از آنها ریشه تاریخی ژرف دارد و با عقاید عرفی و مذهبی ملتها پیوسته است .  
امادرباره درفش هخامنشی باید گفت : کهن ترین و استوار ترین اسنادی که در دست داریم و در آن از سازمان سیاسی ، اداری و نظامی ایران هخامنشی ( ۵۵۰ - ۳۳۰ پ . م ) گفتگو شده ، همان مدارک و کتب تاریخ نویسان و سرداران یونان باستان مانند

---

۳۱ - همان ، کتاب ۷ ، فصل ۱

هرودت Herodote و گزنفون xenophon است که بایران آمده و یا خود در جنگهای ایران و یونان شرکت داشته‌اند .

هرودت بارها از بیرق سرداران و فرماندهان ایرانی یاد میکند ولی از چگونگی بیرق ، دم نمیزند و گزارشی نمیدهد، همانطور که سنگ نوشته‌ها در این مورد سکوت کرده‌اند. در اینکه هر یک از یکانهای نظامی دارای پرچمی بوده‌اند شکی نیست ، ولی خصوصیات و مشخصات آن در دست نمی‌باشد .

گزنفون در شرح يك آرایش جنگی هنگامیکه کورش به لیدیه می‌رود می‌گوید :

مقرر بود که سربازان هر دسته از ازابه های جنگی در حدود دسته خود باشند و پرچمی در وسط دسته در اهتزاز بود تا سربازان دسته خود را بشناسند و مراقب آن باشند ۳۲ .

نه تنها یگان‌ها دارای پرچم‌های ویژه‌ای بودند ، بلکه هر یک از فرماندهان پرچمی و نشانه‌ای داشتند که بر بالای محل اقامت خود برمی‌افراشتند و سربازان ، پرچم فرماندهان را می‌شناختند و در گز در میان انبوه سپاه به اشتباه دچار نمی‌شدند . ۳۳

اما پرچم کورش یا درفش شاهنشاهی بسیار انگیزنده و معروف روح بلند پرواز و مبتنی بر يك اصل کلی و سنت کهن مردم این سرزمین می‌باشد .

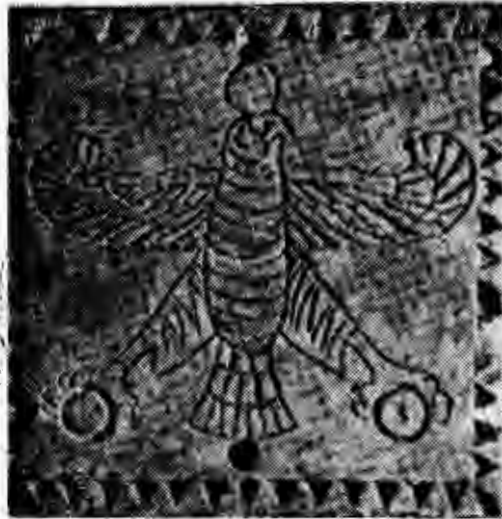
در هنگام حرکت به کشور لیدیه پرچم کورش چنین توصیف شده است :

---

۳۲ - گزنفون ، کورشنامه ، کتاب ۶ فصل ۳ ، صفحه ۲۲۳

۳۳ - همان ، کتاب ۸ فصل ۵ ، صفحه ۳۱۵

از طرف راست کورش «کری سان تاس» *kerysantas* فرمانده سوار نظام با اسواران ها حرکت میکرد و از طرف چپ «آرساماس» *Arsamas* فرمانده پیاده نظام، کورش مقرر داشت همه سپاهیان چشم به درفش شاهی که بر بالای سرش در اهتزاز بود بدوزند و با آهنک موزون قدم بردارند. درفش کورش عقابی بود از زرناب با بالهای گشوده که بر نیزه بلندی قرار داشت. امروز هم درفش شاهان پارس چنین است. ۳۴



پیکره عقاب با بالهای گشوده بر سنگ لاجورد

در جای دیگر نیز چنین توصیفی از پرچم هخامنشیان شده است. و آن زمانی است که اردشیر دوم در سال ۴۰۴ پیش از میلاد به پادشاهی رسید و با برادرش بنام کورش کوچک به پیکار برخاست. کورش کوچک در آسیای صغیر ده هزار سپاهیان مزدور یونانی را گرد کرده در کوناکسا *Cunaxa* با اردشیر به جنگ پرداخت

۳۴ - همان، کتاب ۷ فصل ۱ صفحه، ۲۳۵

( ٤٠١ پ . م ) گزنفون که خود جزو سپاهیان کورش کوچک بوده است، گزارش این نبرد را در کتاب «سفر جنگی کورش» یا «بازگشت» Anabasis می نویسد و پرچم اردشیر را چنین توصیف می نماید :

سپاه شاه فرار کرد و یونانی ها آن را تادهی که در آن تپه ای بود تعقیب کردند . روی تپه لشکر شاه جبهه را تغییر داد، اردشیر در اینجا پیاده نظام نداشت و لسی روی تپه بقدری سوار بود که یونانیها نتوانستند بدانند این جا چه میشود ، و لسی همینقدر ملتفت شدند که: بیرق شاه عقابی است از زر که بالهای خود را گشوده و بر نوک نیزه ای قرار گرفته ۳۵.

لیکن جز این دو مورد در جای دیگر از پرچم هخامنشی گفتگویی نشده است . اما در موزه لوور پاریس جامی هست که بر روی آن جنگ یک نفر سرباز یونانی با پرچمدار ایرانی تصویر شده است ، پرچمدار ایرانی به زمین افتاده ولی چگونگی پرچم بخوبی دیده می شود و چنین است :

پارچه پرچم بشکل مربع مستطیل میباشد که بوسیله دو وتر که از دوزاویه مقابل ترسیم شده بچهار مثلث مساوی تقسیم گشته است . سه گوشه ها دو بدو در نقطه رأسشان باهم تماس پیدا میکنند . رنگ دومثلث، سفید و دومثلث دیگر سیاه است این جام کتیبه ای هم دارد که نشان میدهد « دورس Doures آن را کشیده »<sup>۳۶</sup>

---

۳۵ - گزنفون ، بازگشت ده هزار یونانی ، ترجمه منوچهر امینی تهران، انتشارات نیل ، ۱۳۳۹ صفحه ۳۹ .

۳۶ - پیرنیا ، حسن، ایران باستان جلد دوم صفحه ۱۴۸۳ ، بنقل از تاریخ ایران سرررسی سایکس .

کنت کورس Quint - Gurce مورخ دیگر یونان در ضمن توصیف حرکت داریوش سوم از بابل برای جنگ با اسکندر و بیان چگونگی آرایش سپاه و زینت و تجمل لشگریان ایران می نویسد :

بعد گردونه شاهی آمد. این گردونه از طرفین بصورت های خدایان که از زر و سیم ساخته بودند مزین بود و شاه در درون ارا به، بلند و شاهانه نشسته بود. قید اسبها بسنگهای قیمتی مرصع بود و منتهی میشد بدو هیکل زرین که قد آنان بیک آرنج مورسید. یکی از هیکل ها مجسمه نینوس Ninus و دیگری مجسمه بلوس Bellus و در وسط آن دو هیکل مجسمه عقابی بود با بالهای گسترده که از زر ساخته بودند و آنرا علامت مقدس میدانستند. ۲۷

در سال ۱۸۳۱ میلادی در حفاریات پومپئی در ایتالیا یک تخته سنگ موزائیک بدست آمده که بر آن تصویری است از جنگ ایسوس در سال ۳۳۳ قبل از میلاد میان داریوش سوم هخامنشی و اسکندر مقدونی. سمت چپ این تصویر نقش اسکندر را کشیده اند که در میان جنگیان خود سواره ایستاده است.

و در طرف راست و روبروی اسکندر داریوش شاهنشاه ایران برارابه جنگی در میان سپاهیان ایرانی دیده می شود.

در پشت سر داریوش یک سوار، پرچمی در دست دارد، که متأسفانه خاتم کاری مزبور در این ناحیه آسیب دیده و شکل و رنگ پرچم را کاملاً نشان نمیدهد. لیکن قسمتی از شکل چهار گوشه پرچم و ریشه هائی که از آن آویخته است و نیزه ای که پرچم بر آن نصب شده، دیده میشود. ۲۸

۳۷ - همان صفحه ۱۲۹۶.

۳۸ - مقاله پروفیسور اسکار من، کتاب پرچم و پیکره شیر و خورشید، تهران ۱۳۴۵، سرهنک بختورتاش

باین ترتیب باید پذیرفت که پرچم ایران در عصر هخامنشی در ابتداء عقاب زرین بابالهای گشوده بوده و در پایان عصر هخامنشی برای اینکه حمل و نگهداری پرچم ساده تر و عملی تر باشد آن را بصورت صفحه‌ای در آورده‌اند که بطور قطع نقش عقاب بر آن بوده است .

زیرا سوابقی در دست است که نقش عقاب را که نزد ایرانیان مظهر شکوه و بزرگی و نمودار فر آسمانی بوده است در ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد نشان میدهد .<sup>۳۹</sup>

در ایران زمین ، عقاب مظهر پادشاهی و نمودار همت بلند و فرو شکوه آریائی بوده است و در کتاب اوستا ، فرکیانی که ویژه شاهنشاهان میباشد به چهره مرغی بنام وارغن vareghan از خانواده عقاب نشان داده شده است .<sup>۴۰</sup>

### فیروی دریائی

دریا از روزگاران پیش در زندگانی انسان نقش بزرگی داشته است . روستاهای دیرین و شهرهای کهن در کنار دریاها و رودها بوجود آمده و بدینوسیله انسان ، ناتوانی خود را در ستیز با طبیعت ، با اتکاء بمنابع طبیعی در دسترس تلافی نموده است . کتابهای

---

۳۹ - جام زرین ، از تیه حسنلو ، رضائیه بتاریخ مرداد ۱۳۳۷ ،

۴۰ - اوستا ، بهرام یشت ، کرده ۷ و نیز کرده ۱۵ بند ۴۱ ، بنام مرغ

س ، ا ، نا SA-E-NA یا شاهین .

برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب فروهر ، نوشته م . اورنگ

تهران ، ۱۳۴۴



دینی از نخستین اسنادی مییابد که ارزش دریا ، رودها و منابع طبیعی موجود را به بشر گوشزد کرده و بهره برداری از آنها را دستور داده است ۴۱ .

تا آنجا که آگاهی داریم دولت ماد ، ارزشی برای نیروی دریائی و یا باربری و بازرگانی از راه دریا نشناخته و با آنکه بدریای مازندران و نیز رودهایی در شمال ایران دسترسی داشته چندان گرایشی به اکتشاف و بهره برداری از دریا ورود نداشته است ، و یا اگر کارهایی کرده و مقدمات بهره برداری از این منابع طبیعی را فراهم آورده ، ناچیز و بیمقدار بوده و آگاهی درستی بمان نرسیده است .

از طرفی میتوان پنداشت چون این دولت دسترسی بدریای مدیترانه و سیاه نداشته ، و دریای مازندران هم از مراکز بازرگانی و داد و ستد دور بوده است ، ارزش دریا و اهمیت راههای دریائی را چنانکه باید در نیافته بوده است .

اما تیره های دیگر ایرانی که در کرانه های دریای مکران و خلیج فارس و دریاچه سیستان که شاید در گذشته های دور بادریاچه

---

۴۱ - قرآن سوره نحل : و هو الذی سخر البحر لنا کلوامنه لحما طریا و تستخرجو منه حلیة تلبسونها وترى الفلك مواجز فیه ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون .

او است کسی که دریا را رام ساخت ، تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورها بیرون آورید ، که خود را زینت بدهید و کشتی ها را می بینید که آب دریا را می شکافند تا از نعمت های آن بهره بجویند ، باشد که شما سپاسگزار باشید .

قم مربوط بوده است، بهنر دریانوردی و ارتباط از راه دریا آگاهی داشته‌اند. دولت هخامنشی بر اثر توسعه نظامی و در تماس سیاسی و بازرگانی خود در جنوب و در دریای مدیترانه و دریای سیاه بلزوم و ضرورت نیروی دریائی آگاه شد و در صدد اکتشافات دریائی و تهیه ناوگان بازرگانی برآمد، و از زمان داریوش بزرگ پی‌ریزی آن آغاز گردید.

از زمان کورش بزرگ با مطیع کردن یونانیان آسیای کوچک، ناوگان آنان در اختیار دولت ایران قرار گرفت و شاهنشاهی هخامنشی بر تنگه‌های داردانل و بسفر حاکم شد.

پس از آنکه دولت کلدیه مغلوب گشت و بابل ضمیمه سرزمین ایران گردید، کشور فینیقیه که مردمی متمدن، ثروتمند، دریانورد و بازرگان داشت جزو ایران گشت.<sup>۴۲</sup> انضمام فینیقیه بدولت ایران و وفاداری مردم آن تا پایان دوره هخامنشی بحکومت ایران،<sup>۴۳</sup> نخست ناوگان، این کشور را با همه دریانوردان ورزیده و زبردست که حتی دریانوردان یونانی با آنها برابری نمی‌کردند در اختیار دولت هخامنشی قرار داد<sup>۴۴</sup> و از طرف دیگر نفوذ سیاسی ایران را تا قرطاجنه «کارتاژ» که يك کوچ نشین فینیقی بود گسترده.

در این زمان فینیقی‌ها و کارتازیها حاکم بردریای مدیترانه

---

۴۲ - تورات، کتاب حزقیال باب ۲۷ از فروع این سرزمین گفتگو کرده.

۴۳ - فقط در زمان اردشیر سوم بر اثر بدرفتاری فرمانروای ایرانی مردم شهر صیدا شورش کرد.

۴۴ - ویل دورانت، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام،

شرکت اقبال، تهران ۱۳۳۷، صفحه ۵۲۸.

بودند و در زمان کمبوجیه که آفریقای شمالی شامل : مصر ،  
لیبیا ، سیرن و برقه<sup>۴۵</sup> جزو شاهنشاهی ایران گردید ، آنان بعلت  
ارتباط معنوی و مراودات دریانوردی و بازرگانی که با سرزمین  
ما در یعنی فینیقیه داشتند و در کنار خود ارتش ایران را میدیدند ،  
از دربار هخامنشی فرمانبرداری کردند .

هنگامیکه داریوش بزرگ روی کار آمد ، از آنجا که آغاز  
حکومتش با شورشهای پیاپی روبرو بود<sup>۴۶</sup> این اندیشه در دماغ او  
گذاشت که این کشور بزرگ را باید با سازمان اداری و سیاسی منطقی  
و شایسته ای اداره کرد همانطوریکه این سرزمین پهناور با ارتش  
بزرگ و منظمی نیاز دارد .

در سال ۵۱۷ پ . م که داریوش ، شورش مصر را سرکوب  
کرد ، برای توسعه بازرگانی و سهولت امور استراتژیکی و تاکتیکی  
درصد دوصل کردن دریای مدیترانه با دریای سرخ از راه نیل برآمد و  
مطالعاتی در این زمینه انجام داد . همچنین دستورهای بدانشمندان  
مصری درباره تحقیقات دریائی صادر کرد . این موضوع از سنگنوشته  
ارزنده ای که در هنگام کندن ترعه سوئز کنونی در تاریخ ۱۸۶۹ میلادی  
بدست مهندس فرانسوی فردیناند دولسپس<sup>۴۷</sup> Ferdinand de Lesseps  
کشف شده است روشن میگردد .

---

۴۵ - بن غازی کنونی .

۴۶ - کتیبه بیستون ، ستون چهارم ، بند دوم ، تمداد ۱۹ شورش را که  
سرکوبی شده است داریوش نام می برد .

۴۷ - نامبرده در سال ۱۸۵۴ کنسول فرانسه در مصر بود ، پس از  
مطالعاتی برای ایجاد ارتباط میان دریای مدیترانه و دریای سرخ ، امتیاز حفر  
کانال را برای ۹۹ سال از محمد سمید پاشا خدیو مصر دریافت کرد .

این کتیبه، گرانبهاثرین سندی است از طرف تفکر شاهنشاه  
ایران و استراتژی جهانی ایران .

این سنگنوشته به سه زبان آسیائی : پارسی قدیم ، عیلامی ،  
آشوری و نیز زبان مصری تهیه شده و در کرانه ترعه‌ای که ایرانیان  
کنده‌اند نصب گردیده ولی بمرور ایام در طی سده‌های دیرپای ، هم  
آب راه « کانال » انباشته شده و هم سنگنوشته در زیر خاک پنهان  
گردیده است .

مصریان در این سنگنوشته از نظر بزرگداشت داریوش ، عناوین  
والقباب فراغنه خود را به او داده‌اند و همان تشریفات دربار خود را  
در تصاویر داریوش حجاری نموده‌اند .

مصریان داریوش را زاده الهه نیت Nut که مادر خدایان  
مصر است میدانند و او را هم‌طراز الهه خورشید دانسته و می‌نویسند :  
... شاه مصر بالا و پائین آن تریوش که جاودانه و پاینده  
باد ، شاهنشاه بزرگ پسر و یشناسب هخامنشی توانا و جهانگیر  
است .

بخش آخر سنگنوشته خراب شده و جسته و گریخته کلماتی  
خوانده میشود و چنین استنباط میگردد که داریوش ، دانشمندان کشور  
مصر را فراخوانده و از آنان پرسشهایی میکند، و گفتگو از کشتی‌هایی  
است که میخواهند برای تحقیق و پژوهش بدریا گسیل دارند<sup>۴۸</sup> .

گرچه در سده هفتم پیش از میلاد یکی از فراغنه مصر شروع

---

۴۸ - برای آگاهی بیشتر به ایران باستان جلد یکم ، پیرنیا، صفحه  
۵۷۰ مراجعه شود .

بکندن آب راهی میان نیل و دریای سرخ کرده است ولی بتصور اینکه سطح دریای سرخ بالاتر از سطح نیل است و در صورت کندن آبراه مصر در آب فرو خواهد رفت، از اینکار باز ایستاده است .



داریوش بزرگ «بیستون» از کتاب هنر ایران «گیرشمن»  
لیکن داریوش پس از بررسیهای فراوان و اطمینان از اینکه  
کندن ترعه آسیبی بسرزمین مصر نمیرساند بدلائل استراتژیکی و اقتصادی  
ترعه را کند و بر اقتدار شاهنشاهی ایران که با طبیعت هم به نبرد میخواست

افزود. پهنای این کانال بقدری بود که دو کشتی بزرگ (تری رم Trireme) می‌توانستند از کنار هم بگذرند. یک روی سنگ نوشته که بخط میخی می‌باشد چنین است :

داریوش شاه گوید : خدای بزرگی است اهورامزدا ، که آن آسمان را آفریده که این زمین را آفریده ، که بشر را آفریده که خوشی را به بشر داده که داریوش را شاه کرده ، داریوش را بیادشاهی کشوری رسانیده که بزرگ است و اسبها و مردان خوب دارد .

.... منم داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورهای که از نژادهای بسیار مسکون است ، شاه این زمین بزرگ تا آن دورها ، پسر و یشتاسب هخامنشی .

.... من یک پارسی‌ام از پارس ، مصر را گشودم ، فرمان دادم تا این آبرام را بکنند ، از بی رو نیل ، که در مصر روان است تا دریائی که از پارس بدان روند .  
این ترعه کنده شد ، چنانکه امر کردم و کشتی هاروانه شدند ، چنانکه اراده من بود ... ۴۹

### اکتشافات دریائی

داریوش برای شناسائی دریاها و گشودن راههای دریائی بروی ناوگانهای نظامی و بازرگانی ، دو گروه اکتشافی از دو خط سیر مختلف از خاور به باختر فرستاد .  
درسال «۵۱۲ پ. م» ارتش ایران بسوی هندوستان حرکت کرد و هند غربی را تا کرانه رود سند ضمیمه ایران نمود .

---

۴۹ - متن کتیبه از ایران باستان جلد یکم ، صفحه ۵۲۱ .

قسمت بزرگ آسیا بوسیله داریوش کشف شده و این در زمانی بود که او میخواست بداند ، رود سند کجا بدریا می‌ریزد . در میان اشخاصی که داریوش از آنها انتظار اطلاعات صحیح داشت و برای کشف این امر فرستاد اسکیلاکس Scyllax یونانی بود . ۵۰ این هیئت از شهر کاسپاتیرا Kaspatira حرکت کرد و بطرف خاور و دریارفت ، بعد فرستادگانی بسوی مغرب رفته و در ماه سیام بجائی رسیدند که پادشاه مصر فینیقی ها را مأمور کرده بود . پس از آنکه هیئت ، لیبیا را دور زدند . داریوش هندیها را باطاعت در آورد و از آن زمان ، از این دریا استفاده میکنند. ۵۱

از این نوشته درمی یابیم که هیئت اعزامی داریوش بزرگ از رود سند حرکت کرده اند و کرانه های بلوچستان و مکران را پیموده و بسواحل شبه جزیره عربستان رفته اند ، و از آنجا از راه خلیج عدن و باب المندب بدریای سرخ داخل شده و از ترعه ای که بفرمان داریوش در سال ۵۱۷ پ . م کنده شده است بکشور مصر و دریای مدیترانه راه یافته اند و آنگاه پژوهش و تحقیق در کرانه های آفریقا پرداخته اند<sup>۵۲</sup>

سپس هیئت دیگری بسر پرستی دموک دس DeMocedes از کرانه های دریای اژه بیونان و ایتالیا رفته و به شناسائی پرداخته اند .

---

۵۰ - از اشاره ای که ارسطو در (سیاست) کتاب ۷ ، فصل ۱۳ بند ۲ باین شرح یاد میکنند ( ما فرقی را که بگفته اسکیلاکس در هندوستان شاه را از مردم ممتاز میکنند در هیچ جا نمی یابیم ) چنین استنباط میشود که وی شرح مسافرت خود را نوشته و ارسطو خواننده است .

۵۱ - هرودت ، کتاب چهارم بند ۴۴ ،

۵۲ - منتسکیو در روح القوانین صفحه ۴۷۵ می نویسد : این سفر در سال

طول کشید .

این هیئت نخست از شهر صیدا Sidon با دو کشتی تری رم Trireme و یک کشتی بارکش با خواربار و آذوقه کافی رهسپار سواحل یونان شدند. در کرانه‌های یونان ایرانیان آنچه را که قابل ملاحظه بود مینوشتند. بعد بشهر تارانت Tarente در جنوب ایتالیا رفتند.

در اینجا سرپرست هیئت گریخت و ایرانیان بزدان افتادند. ایتالیائی‌ها که نگران حمله ارتش ایران بودند، زندانیان را آزاد کردند و بسوی آسیا حرکت دادند.

این بار کشتی ایرانیان دچار طوفان شد و ناچار در محلی بنام پاپی گیوس ایرانیان بخشکی آمدند و بار دیگر بزدان افتادند، اما این بار هم بر اثر آوازه بلند دولت هخامنشی نجات یافتند و بایران بازگشتند. این‌ها نخستین ایرانیانی بودند که از آسیا بیونان و ایتالیا رفتند و بشناسائی سرزمینها پرداختند<sup>۵۳</sup>.

اقدامات دیگری هم در زمان خشایار شاه برای ایجاد راههای دریائی و کندن ترعه بعمل آمده است.

در لشگرکشی ایران بیونان، بفرماندهی مردونیه در سال ۴۹۲ پ. م چون نیروی دریائی ایران از دامنه‌های کوه آتس Athos در کرانه‌های شرقی یونان در دریای اژه عبور میکرد، بر اثر طوفان شدید کشتی‌های ایران بادماغه کوه برخورد کرد و خرد شد بطوریکه

---

۵۳ - برای آگاهی بیشتر، ر، ش تاریخ هرودت، کتاب ۳، بند ۱۲۹ تا ۱۳۸. ( علت فرار دموک دس این بود که چون در دربار داریوش بود، اجازه مسافرت نداشت ولی با وساطت ملکه آتوسا اجازه اکتشاف دریائی باو داده شد ولی او گریخت تا دیگر بایران باز نکرده، )



سیصد کشتی شکست و بیست هزار نفر غرق شدند<sup>۵۴</sup>. خشایارشا برای جلوگیری از تلفات و ضایعات مجدد و تأمین ناوگان ایرانی دستور داد، در محل مناسبی که از منطقه طوفانی دور باشد و هم بنزدیک شدن راه دریائی کمک نماید کانالی بکنند.

کندن این ترعه که ملتهای گوناگون در آن شرکت داشتند و همگی مورد تشویق و ستایش شاه بزرگ قرار گرفتند سه سال طول کشید.<sup>۵۵</sup>

دومهندس ایرانی بنام بوبارس Bubares و ارتاخه Artachee در تمام مدت عملیات حفاری را زیر نظر داشتند، درازای ترعه ۲۲۰۰ متر، پهنای آن ۹۰ متر و ژرفای آن ۸ متر بود<sup>۵۶</sup>. از آنجا که ایرانیان بیدار و آگاه از کوچکترین رویدادها بهره برداری علمی، سیاسی و یا استراتژیکی میکردند، در یکی از کیفرهائی که برای گناهکاری از خانواده هخامنشی بنام ستاسپ «ساتاس پس Sataspes» پیشنهاد و بتصویب خشایارشا رسیده است، حقیقت آشکار و بزرگی را می بینیم. مجازات اینطور

---

۵۴ - هرودت، کتاب ۶ - بند ۴۳ تا ۴۵.

۵۵ - این کانال در تاریخ بنام کانال آتسریا کانال خشایارشا معروف است. لوئی دو بومورخ فرانسوی در کتاب خود بنام تاریخ ایران می نویسد که تا قرن نوزدهم آثار ترعه خشایارشا باقی و بعضی قسمتهای آن روی سطح دریا نمودار بوده و با چندین ماه کار ممکن بود این ترعه دوباره قابل کشتیرانی بشود. در لشکر مقتدر، تاریخ نظامی ایران، چاپ سوم سال ۱۳۲۱، ص ۲۰.

۵۶ - هرودت، کتاب ۷ بند ۲۰.

مقرر شده بود که گناهار باید دور ایبیا بگردد<sup>۵۷</sup> و وارد خلیج عرب شود<sup>۵۸</sup>، یعنی از دریای مدیترانه، قاره آفریقا را دور بزند و بدریای سرخ وارد شود و نتیجه تحقیقات خود را جمع آوری و گزارش دهد<sup>۵۹</sup>. اکنون ما کاری نداریم که گناهار در عوض معافیت از تنبیه تا چه حد در دریا پیشرفت و چه کرد، اما این امر میرساند که ایرانیان در زمان هخامنشی به ارزش دریا آگاه شده بودند و اهمیت فراوانی بدریانوردی و اکتشافات دریائی میداده اند. دیده میشود که ۱۴۰۰ سال پیش از طارق سردار عرب، يك ایرانی از تنگه میان اروپا و آفریقا گذشته و بخشی از کرانه های باختری آفریقا را شناسائی کرده است.

### تاکتیک دریائی

داریوش مبتکر تاکتیک خاصی در بکار بردن نیروها، بویژه در نیروی دریائی میباشد، این تاکتیک یا شیوه رزمی عبارت است از:

- بکار بردن نیروها بشکل توده.
- انجام عملیات مشترک آبخاکی «دریائی و زمینی» ،

. Amphibious

داریوش را بحق و از روی انصاف باید پدید آورنده عملیات آبخاکی دانست.<sup>۶۰</sup>

۵۷ - هرودت در کتاب خود آفریقا را بنام کشور شمالی آن لیبیا نامیده است.

۵۸ - دریای سرخ.

۵۹ - هرودت، کتاب ۴، بند ۴۳.

۶۰ - مرکز آموزش دریائی آمریکا باین امر اعتراف دارد (مصاحبه با افسران دریائی ایران که دوره های منظم تخصصی را در آمریکا طی کرده اند).

این عملیات در جنگهای امروزیبا توسعه نیروی دریائی و اتکاء آنان به پشتیبانی از راه هوا و زمین بسی ارزشمند و درخور توجه است . ترکیب و اجرای عملیات زمینی و دریائی یا عملیات آبخاکی و تدارك و پشتیبانی متقابل برای یگانهای « زمینی یا دریائی » که از سرزمین اصلی دور هستند ، نه تنها از راه خشکی بلکه از مسیر دریائی روی هدف استراتژیکی بسیار سودمند میباشد .<sup>۶۱</sup> زیرا با ترکیب قدرت زمینی و دریائی و اتکاء هر یک از این نیروها به نیروی دیگر ، دشمن در معرض سخت ترین و غافلگیرانه ترین و خرد کننده ترین ضربت تاکتیکی قرار میگیرد .

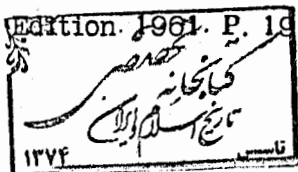
سردار نامی ایران در ۲۵ قرن پیش ، به ارزش عملیات همزمان روی آب و روی خاک آگاه بود و رسته پیادگان دریائی یا تفنگداران دریائی ( Marine ) را تشکیل داد و در دریای مدیترانه در ناحیه اژه ، بکار برد و مورد آزمایش قرار داد .<sup>۶۲</sup>

داریوش قسمتی از پیاده نظام ایران را برای جنگهای روی آب و نبرد در کرانه های دریا و با طلاقها آماده کرد و آنها را با ناوهای بلند و بزرگ و تندرو ، مانند کمانداران و آتش اندازان

---

۶۱ - چنانچه اهمیت این کار را امروز بخواهیم دریابیم باید اثر نیروی هوائی را نیز دخالت دهیم وجود نیروی هوائی نه تنها چیزی از اهمیت این شیوه نکاسته است بلکه ارزش عملیات مشترك را بیشتر نمودار ساخته و نیروها را به حمایت یکدیگر نیازمندتر ساخته است .

62 - J. D. Hittle . Brigadir General . The military Staff, its history and development. Pennsylvania , 3d



دریائی بکار برد. کشتی‌های ویژه‌ای، حمل و نقل باروبنه، اسبها و سپاهیان را برعهده داشت و نیروهای نظامی را در کرانه‌ها پیاده می‌نمود و تدارک نبردهائیکه در نزدیکی سواحل دریا صورت میگرفت بهمین شیوه فراهم میشد. در جنگ اول ایران و یونان «زمان داریوش» ایرانیان در کیلیکیه Cilicie آماده شدند تا از راه جزیره سامس Samos یونان بروند. در کرانه دریا سپاهیان و اسبها را بکشتی نشانند و با ۶۰۰ کشتی تری رم Trireme عازم آن سرزمین شدند و از جزیره‌ای به جزیره‌ای رفتند.<sup>۶۳</sup>

هرودت بطور مختلف تعداد ناوهای نیروی دریائی ایران را از ۶۰۰ «حمله داریوش به سکائیه اروپائی یا حمله ایران بیونان»<sup>۶۴</sup> تا ۱۲۰۰ دستگاه<sup>۶۵</sup> «حمله خشایار شاه بیونان» نوشته است:

مخصوصاً در لشکر کشتی خشایار شاه بیونان از نیروی نظامی پنجاه ملت و مردمان گوناگونی نام میبرد که وطنشان از رودسیحون تا حبشه و از کرانه اقیانوس هند تا یونان گسترده شده و رزم ناوها و کشتی‌های باری آنان بر روی هم به ۳۰۰۰ دستگاه میرسد.<sup>۶۶</sup>

گرچه از زمان فتح شهرها و جزایر یونانی نشین آسیای صغیر ناوگان آنها در اختیار دولت ایران درآمد، لیکن نه ناوگان این شهرها و نه نیروی دریائی مصر پس از فتح آن کشور هیچیک مورد

---

۶۳ - هرودت، کتاب ۶، بند ۱۴ تا ۱۰۱.

۶۴ - همان کتاب ۴ بند ۸۷ و کتاب ۶ بند ۹۴ ببعد.

۶۵ - همان کتاب ۷ بند ۶ ببعد شرح نیروها، نیروی دریائی و ملتها.

۶۶ - همان.

اطمینان ایرانیان نبودند ، از این رو فرماندهی ناوگان به افسران ایرانی سپرده میشد . اتکاء ایران بیشتر بناوگان فینیقی بود که بدولت شاهنشاهی وفادار بودند، ناخدایان فینیقی ناوهای بزرگ و مناسب تری از ناوهای یونانی را اداره میکردند و یادانش دریانوردی بردریاهامسلط بودند . بعدها نیز که ارزش نیروی دریائی برای ارتش ایران بنالا رفت ، دولت ایران دستور ساختن ناوهای را در کارخانه های فینیقیه ، کاریه « سوریه امروز » و کرانه های سفر و داردانل صادر کرد .

بطور کلی آنچه از نوشته های مورخان بویژه هرودت بدست میآید ناوگان هخامنشی بر سه نوع بود : <sup>۶۷</sup>

۱ - رزم ناو : کشتی هائی بود با سه ردیف پاروزن Trireme که در سه طبقه جامیگرفتند .

پاروزنها از سی تا پنجاه نفر بودند ، و چون شماره پاروزنان زیاد بود این ناواز قوه محرکه قابل ملاحظه ای که بستگی بورزیدگی بدنی و تمرین کارکنان ناو داشت برخوردار بود و با داشتن سرعت مناسب یک نوع اسلحه ضربتی ، غافلگیر کننده و عامل قدرت بشمار میرفت .

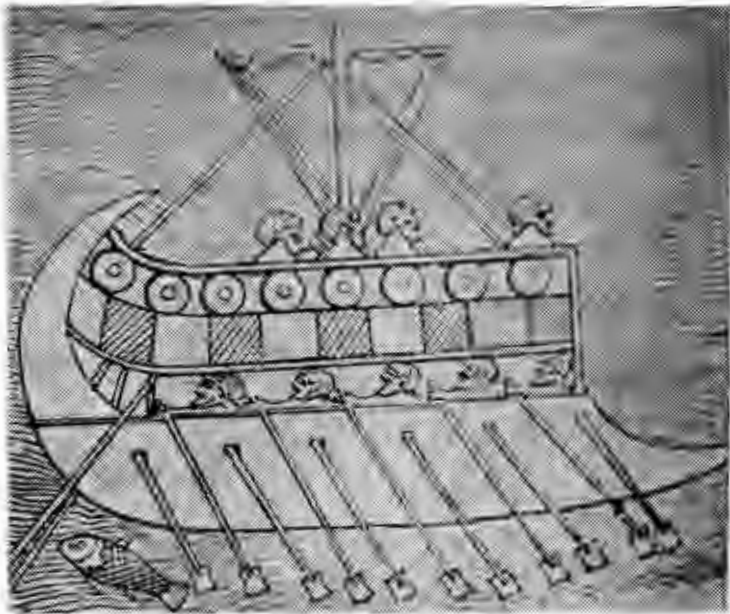
۲ - ناو نیروبر : کشتیهای درازی بود که قبرسیها میساختند و یونانیان آنرا سرکور Serqure مینامیدند و برای حمل و نقل اسبها و سواره نظام بکار میرفت . <sup>۶۸</sup>

---

۶۷ - همان .

۶۸ - برای آگاهی بیشتر رجوع شود بکتاب هفتم هرودت و ایران باستان جلد یکم، صفحه ۷۴۲ .

۳ - نوبارکش : ناوهای مختلفی بود که برای جابجا کردن ساز و برگ ، مواد غذایی و تدارکات و ملزومات دیگر مورد استفاده قرار میگرفت .



نمونه‌ای از ناوهای هخامنشی

ناویان و کارکنان کشتی‌ها از مللی بودند که ناوها را ساخته یا در اختیار داشتند اما فرماندهان ناوها از مردم پارس ، ماد یا سکائی انتخاب میشدند .  
 گنجایش کشتی به ۸۰ تا ۲۰۰ نفر سرباز با ساز و برگ میرسید، کشتی‌ها معمولا برای حفاظت از خطر طوفان و جهت‌یابی از نزدیک کرانه‌ها حرکت میکردند .  
 در سینه و پاشنه « پیش و پشت » ناوها برجهایی ساخته شده

بود که از درون آن گلوله های آتشزا یا مواد دیگر به دژها و ناوهای دشمن پرتاب می نمودند .

کشتی ها افزون بر چنگکهای آهنین که بکشتی های دشمن پیوند می خورد و آنها را بدام می انداخت ، در پیش آنها ، تیغه های بلند و برنده پولاد بکار رفته بود که در بدنه کشتی دشمن فرومیرفت و آنرا میشکافت<sup>۶۹</sup> .

### قاعدۀ حقوق دریائی

چون حرکت ناوهای جنگی در آبهای نزدیک يك سرزمین ، « آبهای ساحلی و منطقه نظارت » نوعی تجاوز بحاکمیت دول ساحلی تلقی میشد ، این امر گاه سبب تیره گی روابط و یا نگرانی ملتھائی بود که در جزایر و کرانه ها سکونت داشتند و از نیروی دریائی نیرومند برخوردار نبودند ، از این روی یونانیان باشاهنشاهان ایران پیمان بسته بودند که کشتی های ایرانی باید همواره باندازه يك میدان اسب<sup>۷۰</sup> از سواحل یونان دور باشند<sup>۷۱</sup> .

---

۶۹ - سرهنگ ستاد کوثر ، بدیع اله ، سنگنوشته ها سخن میگویند ، روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران ، صفحه ۳۵ .

۷۰ - شبیه نظریه دریای ساحلی در قرن ۱۸ میباشد ، حقوقدانان هلندی در آن زمان عرض آبهای ساحلی دول کرانه دریا را باندازه يك برد گلوله توپ میدانستند تقریباً ۶ کیلومتر اما با پیشرفت صنعت ، برد توپها زیاد شد و این نظریه ارزش خود را از دست داد ، بموجب قرار دادهای کنفرانس ژنو سالهای ۱۹۳۰ ، ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ هر يك از دول عرض آبهای ساحلی و منطقه نظارت خود را تعیین واعلام نموده اند ولی تاکنون عرض ثابت و معینی مورد توافق قرار نگرفته است .

۷۱ - منتسکیو ، روح القوانین ، توجمه مهتدی ، تهران ، چاپ دوم ۱۳۲۴

صفحه ۵۱۰ .

### نتیجه

بطور کلی آنچه از بررسیهای عمیق روی لشکرکشی - های کوروش ، کمبوجیه ، داریوش و خشایارشا برمیآید ، این است که يك روش نظامی ابتدائی و ساده که از مصر آغاز گشته و در آسیای صغیر میان دولت‌های لیدی و آشور بصورت ثقل امور نظامی درآمده بود ، در این عصر راه تکامل پیمود ، و از نظر رزمی و پشتیبانی بر اصول وقواعد دانش اولیه نظامی استقرار پیدا کرد ، و درمسائل استراتژی رابطه علت و معلول و نقش سیاست مورد توجه قرار گرفت . همچنین جنگ از نظر وسعت منطقه عملیات ، اصل شناسائی منطقه و مردم ، بطرز شگفت آوری گسترش پیدا کرد و استراتژی تحرك یافت .

در این هنگام ما « سیستم » نرم و قابل انعطاف مصرها را می‌بینیم که دارای امکاناتی انسدکی بیش از دستبرد بوده است تا برسد به « سیستم » عظیم داریوش که وسیله این « سیستم » او توانست پیکارهایی از سرزمین هند گرفته تا استپ‌های روسیه انجام دهد و حتی اصولی از عملیات مرکب را نیز بکار برد . ۷۲

### پایگاه‌های دریائی

نیروی دریائی ایران مانند نیروی زمینی اش رفته رفته بزرگ و نیرومند میشد ، تا برتری دریائی را در دریاهائی که سرزمین شاهنشاهی را در بر گرفته بود فراهم آورد . این نیرو از نظر استراتژیکی و تاکتیکی درسه منطقه دریائی استقرار یافته بود :

---

72 - J. B. Hittle The Military Staff . Pennsylvania .  
1961 . P 16 .



- ۱ - پایگاه یکم دریائی - در کرانه‌های آسیای صغیر و مرکز آن هالیکارناس Halicarnasse بود .
- ۲ - پایگاه دوم دریائی - بندر آبادو پر جمعیت صور Tyre بود که حفاظت و نگهداری کرانه‌های فنیقیه و مصر را برعهده داشت .
- ۳ - پایگاه سوم دریائی - در دهانه خلیج فارس و اپاتان Opatan ، «آبادان امروزی» قرار داشت .

# آموزش و پرورش نظامی

تربیت بدنی  
آموزش روانی  
آموزش تاکتیکی  
بل سازی از نظر نظامی  
آمادگی و آراستگی سپاه  
بیک و منخبره با آتش  
سپاهیان مزدور

در ایران باستان توجه‌شایانی به کارآموزش و پرورش چه از نظر فرهنگی و چه از نظر نظامی مبذول میگردید. از بررسی روی نوشته‌های تاریخ نویسان یونانی که برنامه و مواد آموزشی را بطور پراکنده در کتابهای خود آورده‌اند، میتوان آموزش نظامی را چنین برشمرد:

تربیت بدنی.

آموزش روانی.

آموزش تاکتیکی.

#### تربیت بدنی

تربیت بدنی و آموزشهای قهرمانی و زیبایی اندام که بمنزله مقدمه آموزشهای روانی و تاکتیکی است در سرلوحه برنامه دولت بوده و بسی پرارزش بشمار میآمده است.

جوانان پارسی باید صبح پیش از برآمدن آفتاب برخیزند

---

۱- در ایران رشادت و تناسب اعضا از محسنات جوانان محسوب میشود و سعی دارند بوسیله ورزش بر زیبایی خود بیفزایند. پلو تارک، کتاب اسکندر، صفحه ۲۳.

و صدای بوغی که از مفرغ بود آنها را از خواب بیدار میکرد .  
چندی بعد همه در میدان بزرگی گرد میآمدند و گروههای پسنجاه  
نفری تشکیل میدادند .<sup>۲</sup>

سپس رهبران این گروهها جوانان را تا ۶ کیلومتر میدواندند .  
فریاد زدن در هوای آزاد و بلند پاسخ دادن را تمرین میکردند تا  
ریه آنها ورزیده شود و صدای آنان رسا و نیرومند گردد . در برابر  
عوامل طبیعت مانند گرما ، سرما ، طوفان و سیلابها مقاومت نو-  
جوانان را بالا میبردند . بویژه آنها را مأمور میکردند تا در پیرامون  
ساختمانهای دولتی نگهبانی دهند ، تا هم به بیداری شبانه عادت  
کنند و هم آئین نگهبانی و حفاظت را بیاموزند .

درخت کاشتن ، تهیه اسلحه ، شرکت در شکار ، اجرای  
تمرینهای جنگی ، راه پیمائی ، اسب دوانی ، ارابه رانی ، تیراندازی ،  
پرتاب نیزه ، وانجام جنگهای تن به تن با شمشیر ، از مواد برنامه  
آموزشهای بدنی بشمار میرفت . این ورزشها بصورت مسابقه انجام  
میشد و شاه در پاره ای از آنها حضور می یافت و به نفرات اول پنج  
مسابقه رسمی جایزه میداد .<sup>۳</sup>

چون در ایران باستان شکار بهترین مکتب و آموزگار جنگ  
بشمار میرفت و جوانان میتوانند در شکار گاهها هنرهای جنگی را  
که آموخته بودند ، بکار برند و تجربه و ورزیدگی کامل بدست

---

۲ - گزنفون ، کورشناه ، صفحه ۵ ، این محل آموزش را ال-وتر  
Eleuthera نامیده است .

۳ - استرابون ، کتاب ۱۵ ، فصل سوم - بند ۱۷ تا ۲۴ .

آوردند ، شاه در هرماه چندبار باگروهی از جوانان بشکار میرفت ، پاره‌ای دیگر از جوانان نیز همراه با فرماندهان بشکار میپرداختند . در شکارگاهها آرایش جنگی بکار میبردند و رسم بر این بود که خوراک ناچیزی با خود بردارند تا بسختی و گرسنگی و قناعت و ناکامیهای میدان جنگ عادت کنند و قدرت اراده و خویشتن داری را تقویت نمایند .<sup>۴</sup> در این موردگاهی میان جوانان کار بر قناعت میکشید .

برخی اوقات رقابتها بصورت مسابقه در ملا عام انجام میشد و جوایزی هم توزیع میگردد ، قبیله‌ای که در بین افراد خود بیشتر از همه ، جوانان ممتاز در علم ، چابکی و رشادت و اطاعت داشت مورد ستایش و تمجید قرار میگرفت و آموزگاران آنان نیز تقدیر میشدند .<sup>۵</sup> حتی برای آنکه شکار کردن و انجام تمرین‌های جنگی در همه فصلهای سال امکان پذیر باشد و در تمرین‌های بدنی درنگی حاصل نشود ، زمینهای بزرگ و پهناوری را با کاشتن درخت که خود جزو یکی از ورزشها و سنتها بود ، بصورت جنگلهای مصنوعی در میآوردند و آن را پردیس «Paradis» میگفتند و در این باغها همه گونه جانوران را رها میکردند تا به تولید نسل پردازند ، و زمینه اجرای تمرینهای بدنی را فراهم آورند .<sup>۶</sup>

---

۴ - گزنفون ، کورشنامه ، کتاب ۱ فصل ۲ ، صفحه ۷ .

۵ - همان ، صفحه ۸ .

۶ - پردیس همان لفظ است که امروز فردوس گفته میشود و از ایران

به زبانهای اروپائی رفته و Paradis شده است .

بزرگترین ارزش دستگاه تربیتی يك ملت آن است که دارای هدف باشد و برپایه هدف وظائف و مسئولیت سازمانهای تربیتی معلوم و روشن گردد. ایرانیان در نتیجه ایجاد شاهنشاهی پهناور و نیرومند، منافع ملی خود و منافع ملل دیگر را در این دیدند که هم نیروهای گوناگون ایرانی را بیکدیگر پیوند دهند و هم ملل زیر فرمان خویش را بهم نزدیک کنند، و فلسفه تربیتی و اجتماعی خود را پی ریزی نمایند. روش تعلیم و تربیت ایران عملی بود و منظور از آن بار آوردن و پروراندن جوانان برای شرکت در زندگی و پذیرفتن مسئولیت در جامعه بوده است.

قدیمی‌ترین تربیت و پرورش ملی و اجتماعی ایرانیان، تربیت راد مردی و پهلوانی است. ایرانیان ملتی قهرمان پرست و قهرمان پرور بوده‌اند. وجود واژه‌های فراوان در زبان فارسی برای قهرمان و مسائل قهرمانی نمونه برجسته این خوی ایرانی میباشد.<sup>۷</sup>

خانواده در ایران ارزش داشت و هر خانواده برای نگاهداری شرف و بزرگی خود در تربیت روحی و جسمی جوانان میکوشید. برنامه آموزشی گروهی در میدانها مکمل برنامه خانواده بود. یکی از هدفهای تربیت ایرانی این بود که فرد را اجتماعی بار آورد و برای جامعه انسانی تربیت کند. آیه‌ای از اوستا گواه این مدعا است.

---

۷ - برخی از این واژه‌ها چنین است: پهلوان، قهرمان، راد، گو

دلیر، گیو، نیو، گرد، جوانمرد،

ای اهورا مزدا فرزندی بمن ارزانی فرما که با تربیت و دانا باشد و درهیئت اجتماعی داخل شده و بسوظیفه خود رفتار نماید . فرزند دلیری که نیازد دیگران را برآورد . فرزندی که بتواند درترقی و سمدت خانواده ، شهر و کشور خود بکوشد . ۸

برای تربیت کودکان ، دبستانهایی دوراز مراکز کسب و کار و غوغای بازار وجود داشت . مدارس عمومی بود ، وزیر نظر آموزگاران برگزیده اداره میشد . کلیه ایرانیان میتوانستند کودکان خود را به دبستان بفرستند ، باید دانست که فرستادن کودکان بدبستان برای کسانی بود که نیاز بکمک آنان در امر معیشت خود نداشتند ، کسانی که چنین قدرتی دارا نبودند کودکانشان را بدبستان نمی فرستادند . ۹

آثار این تربیت که همانا قناعت درزندگانی و توجه مخصوص به تمرین ها و دوری از تن پروری است ، هنوز در آنان دیده میشود . حتی امروز بین پارسیان آب دهان بزمین انداختن عیب بزرگی است .... و بدیهی است چنانچه تن به قناعت کامل نمی دادند و یا بکمک تمرینهای بدنی تن خود را آماده و مهیا نمی ساختند ، اجرای این آداب عملی نمی شد . ۱۰

## آموزش روانی

هدف از آموزش و پرورش روانی این بود که جوانان را آزاد ، متکی بنفس ، با اراده ، بردبار ، و نسبت بجامعه و قوانین مطیع بار آورند و نیروی روانی و بدنی آنان را در خدمت کشور و جامعه قرار دهند . این آموزشها نخست در خانواده که هسته مرکزی جامعه ایرانی

۸ - اوستا ، آتش نیایش ۶۲ - ۵ .

۹ - گزنفون کورشنامه ، کتاب ۱ فصل ۲ صفحه ۹ و ۱۰ .

۱۰ - همان ، صفحه ۱۰

را سازمان میداد بعمل میآمد و سپس در دبستان و در میدان‌های ورزشی تکامل مییافت. تربیت روانی که با تربیت جسمانی مکمل یکدیگر بشمار می‌آیند عبارت بود از: حق شناسی، راستگویی، فرمانبرداری، قناعت و سادگی، شجاعت روحی، احترام به سنن و عادات، گرایش به دادگری و راستی و درستکاری.

شعارهای بزرگی مانند: راه درجهان یکی است و آن راه راستی است<sup>۱۱</sup> و یا اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک. معرف و نماینده جامعه منزله و پاکیزه‌ای است که در آن جامعه هر کس بحقوق و حدود و تکالیف و مسئولیتهای خویش آگاهی دارد و تجاوز و خودخواهی و خویشتن پرستی راناپسند می‌شمارد و به نبرد جاودانی نیکی با بدی و پیروزی روشنائی بر تاریکی اعتقاد و ایمان دارد. در چنین جامعه‌ای مردم حتی از گرفتن وام دوری می‌جویند زیرا معتقدند که وام گرفتن، غرور و شهادت روحی و اخلاقی رامی‌شکند و گاه انسان بر اثر نداشتن غرور و شهادت بدروغ گفتن و بداندیشیدن می‌گراید.

و بر این اصل و نیز بر پایه احترام به حیثیت و شرافت فردی پرهیز از وام گرفتن و دروغ گفتن را جزو دستورهای اخلاقی، آموزش میدهد و نظارت مینماید.<sup>۱۲</sup>

آداب ایرانی در عصری که بیشتر کشورها بخیر و مصلحت عامه توجهی نداشتند، بیشتر معطوف به خیر عامه و مصالح کشور بود. در کشورها اگر کسی از قوانین سرپیچی میکرد او را تنبیه میکردند

۱۱ - سرودهای زرتشت، بخش ۲۷، بند ۱.

۱۲ - هرودت، کتاب ۱، بند ۱۳۳ تا ۱۴۰.



ولی ذرقوانین و آداب و سنن ایرانی پیش بینی های لازم صورت می گرفت  
که حتی المقدور رذائل اخلاقی انجام نگیرد و مردم بطوری بار  
آیند که مرتکب اعمال زشت و ننگ آور نشوند و محتاج به  
تنبیه و مؤاخذة نگردند ۱۳ .

جوانان را بکار کردن و نیز خوردن غذای کم و حتی میوه های  
جنگلی عادت میدادند . تا هم تندرست باشند و هم با سختی و رنج  
خو گرفته . ۱۴ همچنین آنان را به اعتدال و میانه روی و میداشتند و  
بدادگاهها میبردند تا از آغاز کودکی باداد و حق و انصاف آشنائی  
پیدا کنند . ۱۵

اطفال را به اعتدال مزاج خو میدادند . علت توجه کودکان  
به این خصلت آن بود که بزرگتران را بدین خصائل متصف  
میدیدند و قهراً باین صفت خو میکردند . همچنین اطفال را ترغیب  
میکردند که نسبت بر رؤسای خود مطیع و وظیفه شناس باشند و آنچه  
آنان را به ایسن کار تشویق میکرد این بود که اطاعت و وظیفه  
شناسی منحصر باطفال نبود ، بلکه بزرگتران نیز موظف بودند که  
حرمت مهتران خود را نگهدارند و آنرا امری واجب شمارند ۱۶  
و قمت شناسی ، احترام به سنتها و ارزشهای اجتماعی ،  
سادگی در خوراك ، در پوشاك و صراحت در گفتار را به نوباوگان  
میاموختند . اطاعت از قانون ، بزرگداشت آموزگار و استاد ، پدر  
و مادر ، رهبران جامعه و دیگر مردم و نیز شرکت در کارهای همگانی  
و سودمند ، برپا داشتن جشن و سرور بویژه در زادروز خود ، ۱۷ يك

---

۱۳ - گزن نفون ، کورشنامه ، کتاب اول فصل ۲ صفحه ۵ .

۱۴ - استرابون ، کتاب ۱۵ ، فصل سوم - بند ۱۷ تا ۲۳ .

۱۵ - گزن نفون ، کورشنامه ، کتاب ۱ فصل ۲ .

۱۶ - همان صفحه ۶ .

۱۷ - هرودت ، کتاب ۱ ، بند ۱۳۳ تا ۱۴۰ .

ضرورت و فريضه اجتماعى بشمار ميرفت و چون محيط از هر لحاظ  
آمادگى لازم را داشت و خود يك آموزشگاه كامل بشمار ميرفت ،  
اثرات اين آموزش همبستگى و يکپارچگى را فراهم ميآورد ، و هر  
کس منافع خود را در منافع جامعه جستجو ميکرد .

درباره روشنى و صراحت گفتار ، سادگى و پساكى اندیشه و  
همبستگى درونى ميان اندیشه و گفتار ، سنگنوشته‌هاى باز مانده  
مدارك برجسته‌اى بشمار ميروند ، زيرا از متن کتبه‌ها ، صفا ، سادگى ،  
شجاعت اخلاقى و عظمت روحى نمودار است و خواننده در مى يابد  
که ميان مغز و زبان گوينده همبستگى وجود دارد ، هر چه مغز انديشيده  
زبان همان را بازگو کرده است .

هنگامى که بنيادگذار شاهنشاهى ايران ميگويد : من کورش  
شاهنشاه هخامنشى هشتم<sup>۱۸</sup> « ادم کوروش خشيه تبه هخمنشيا »  
سادگى ، مهر ، بزرگ منشى و عظمت روحى او را در گفتارش  
مى يابيم .

و آنگاه که داريوش با سرفرازي ميگويد :

من داريوش ، شاه بزرگ ، شاه کشورها ، شاه سرزمينهاى  
پهناور ، پسر و پشتاسب ، هخامنشى ، پارسي ، پسر پارسي ،  
آريائى چهر از نژاد آريائى<sup>۱۹</sup> .

بزترى و شکوه مادى و معنوى و جلال و عظمت روحى او را  
که انگيزنده نيروى روانى نسلهاى ديگر است مشاهده مى کنيم .

---

۱۸ - على سامى ، پاسارگاد ، کتابفروشى معرفت شيراز ، ۱۳۳۰ .

آرامگاه کوروش

۱۹ - از کتبه داريوش در شوش .

## آموزش تاکتیکی

آنچه تا اینجا گفته شد بیشتر جنبه همگانی داشت و برنامه‌ای بود که همه نوجوانان پارسی از آن پیروی میکردند ، و آموزگاران اجرای آن را نظارت مینمودند .

انجام درست و کامل برنامه تربیت بدنی ، همراه با تقویت روانی ، زمینه آمادگی آموزشهای تاکتیکی و نظامی را بخوبی امکان پذیر مینمود . در واقع پس از آماده ساختن تن با ورزشهای مناسب و ایجاد تندرستی و نیرومند ساختن روان ، افراد اجتماع از سلامتی عقل و جسم برخوردار میشدند و اجتماعی پدید میآوردند که مورد ستایش مورخان و فلاسفه بزرگ بوده است .<sup>۲۰</sup>

روشن است که حفظ این جامعه نیاز فراوان بقدرت نظامی دارد و ایجاد قدرت نظامی کار آمد ، بستگی با شیوه تربیت نظامی و تاکتیکی سنجیده‌ای خواهد داشت .

در تاریخ دوران گذشته میهن ما ، آموزش نظامی شایسته‌ای دیده میشود ، و این آموزش تا آنجا که توانسته است نقش خویش را با سرافرازی بازی کرده و از هنگامیکه به آلودگی و سستی و ظاهر سازی گرائیده ، دوره خواری و فرومایگی برای ارتش و کشور فراهم آورده است .

گفته‌های گزنفون و هرودت بطور کلی در باره سادگی و

---

۲۰ - گزنفون ، کتاب ۸ فصل ۸ و هرودت کتاب ۱ و استرابون کتاب

۱۵ فصل سوم .

تربیت بدنی و آموزش سپاهیگری ایرانیان دوره نخستین هخامنشی و نیز دلیری و صراحت و پاکدامنی آریائی‌ان یکسان و هماهنگ است. لیکن در پایان دوره هخامنشی بعلت تنعم و تن پروری و چاپلوسی، بیکبار ایرانیان تغییر حالت دادند و ناتوانی و سستی بر آنان چیره گردید و این وضع آنقدر ادامه یافت تا آنچه را که با تلاش و کوشش و در سایه خرد و بینش بدست آورده بودند، آسان از دست دادند.<sup>۲۱</sup>

پیش از آنکه به آموزش تاکتیکی بپردازیم باید توجه کنیم که:

تا زمان داریوش، مرکز ثقل و توسعه نظامی در آسیای کوچک بود و بطور یقین در طول این مدت زمان، یک رشته تکامل و پیشرفت در ارتشها بوقوع پیوسته است. مثلا ارا به هائی که وسیله مصریها ساخته و بکار برده میشد، از طرف آشوریها بیشتر تکمیل گردید. سیستم نظامی آشوریها از نظر سازمان، یک نمونه کلی از سازمان نظامی مادها (آریانه‌های قدیم ۶۰۰ پ. م) بوده و کوروش ارتش ایران را بر پایه و اصول مادها بنیاد گذاری کرده است.<sup>۲۲</sup>

کوروش بزرگ همواره فرمانهائی بنام فرماندهان صادر میکرد و در آنها دستورهای عملیاتی و آموزشی بسیار ساده و روشنی را یادآوری مینمود و به نکات و دقایقی در آموزش نظامی توجه داشت که امروزه نیز در نبردهای نوین و در عصری که دانش و صنعت با

---

۲۱ - تجربه ثابت کرد که تجملات و زنان و خواجه سرایان جز بازگران چیزی نیستند و چون این چیزها داخل سپاه اسکندر گردد، باعث شکست او خواهد شد، چنانکه فقدان همین چیزها موجب غلبه او گردید. از نطق داریوش سوم، ایران باستان جلد ۲ صفحه ۱۳۹۵.

22 - J. D. Hittle. Brigadier General. The Military Staff. Pennsylvania. 1961. P. 19

پیشرفت‌های خود بر قدرت ویرانگری‌های جنگ‌افزوده است بکار  
میرود .

باید همه افراد مهر سکوت بر لب گذارند ، شب هنگام  
هشیار باشید ، چه شب هنگام که چشمان سرباز قدرت دید ندارد  
باید گوش او مراقب باشد مبادا هنگام شب نظم خود را بر هم بزنید ،  
زیرا مرتب کردن صفوف ، در شب بمراقب ، شکستراست از روز ،  
و بدین لحاظ بهتر است آرایش جنگی خود را شب نیز کم و بیش  
حفظ کنید و سکوت بر همه جا حکمفرما باشد . نگهبانان و پاسداران  
در شب باید متمدن و هوشیار باشند ، پاسداران باید آهسته حرکت کنند ،  
تا خواب سربازان بی‌جهت پریشان نشود «بتوانند کاملاً» استراحت  
کنند . چون صبح فرارسد ، و شیپور آماده باش از هر سوطین انداز  
شود ، هر سرباز بمحض اینکه آهنگ شیپور را شنید باید با ساز  
و برگ بیدارنگ ، آماده حرکت شود .

هدف ما ای سربازان دلیر بابل است ، همگی بان سو  
متوجه باشید و بکوشید تا پرچم پیروزی را برافرازید ۲۳

در اینجا دیده میشود که سردار پارسی راجع به بهره برداری  
از تاریکی شب و استراحت کامل سربازان ، مشکل حفاظت ،  
شیوه نگهبانی و پاسداری ، کم کردن فاصله و مسافت گروهانها  
و آرایش‌های نظامی ، بیداری ، حرکت و سمت حرکت دستورهائی  
میدهد که با آموزشهای نوین هیچگونه تفاوتی ندارد .

اسب سواری ۲۴ ، تیراندازی ، پرتاب نیزه ، جنگهای تن‌به‌تن  
ارابه رانی ، از مواد آموزش تاکتیکی بشمار میرفت ۲۵ . اجرای

۲۳ - گزنفون ، کورشنامه ، کتاب پنجم ، فصل سوم ، صفحه ۱۷۷ .

۲۴ - هرودت ، کتاب ۱ ، بند ۱۳۴ .

۲۵ - گزنفون ، کتاب ۸ - فصل ۸

دقیق این برنامه آموزشی همراه با اطاعت و انضباط شدیدی که میان فرمانده و فرمانبر بود، نیروی نظامی سخت و آهنینی را بوجود آورده بود که پیروزیهای درخشان دولت هخامنشی مدیون آن میباشد.



سرباز نیزه دار پارسی

کوروش جوشنی بمردان و اسبان داد و سپاهیان را بازوبینی  
مجهز ساخت و آنان را برای جنگهای تن بتن و رزمهای نزدیک  
آماده کرد. این آموزش در ایران چنان رونق گرفت که در هنگام لشکر



سرباز نیزه دار شوشی

کشی خشایار شاه بیونان در نبرد پلاته «Platae» ۴۷۹ پ . م « هرودت  
می نویسد :

پارسیها نیزه یونانی‌ها را از دست آنان می‌گرفتند و می‌شکستند .  
در این روز پارسیها نه از حیث زورمندی کمتر از یونانیان بودند  
و نه از حیث شجاعت ، ولی چون سبک اسلحه بودند و چابکی و  
احتیاط دشمن خود را نداشتند ، تک تک یا در گروه‌های ده نفری  
به اسپهارتیها حمله می‌کردند و همه کشته میشدند . ۲۶

گرچه این نویسنده میگوید ایرانیان دو نقص بزرگ داشتند ،  
یکی لباس بلند که مناسب برای رزم نبود و دیگر اسلحه سبک آنان  
در برابر سپاهیان یونانی که سنگین اسلحه بودند . ۲۷ اما دلیری و  
شجاعت و اطاعت و ایمان سربازان ایرانی را در اجرای دستور  
ورسیدن به هدف منکر نشده است .

مسائل مهم دیگری مانند : بهداشت نظامی ، انتخاب محل  
اردوگاهها بویژه از نظر بهداشتی ، انجام یک رشته مسابقات نظامی ،  
آموزش شکار برای افزودن به چالاکی و آمادگی سپاهیان مورد  
توجه بوده است . ۲۸ زیرا هدف آموزش این بود که سربازان بیکاره  
وناتوان نباشند ، بلکه تنی سالم ، بازوانی نیرومند و روحی پر توان  
داشته باشند تا بتوانند پشتیبان سیاست کلی کشور گردند .

آمادگی و کار آئی رزمی سپاهیان بیش از هر چیز تحت نظارت

---

۲۶ - هرودت ، کتاب ۹ ، بند ۶۲ .

۲۷ - همان ، بند ۶۳ ،

۲۸ - گزنفون ، کورشنامه ، کتاب اول ، فصل ۶ گفتگوی کورش با

پدرش .



و مراقبت بود و فرماندهان به شیوه‌های گوناگون در افزایش توانائی و آمادگی رزمی کوشش مینمودند .

کورس میگوید : بنظر من تهیه مسابقات و تمرینهای متعدد جنگی و دادن پاداش، کمک شایانی به چستی و چالاکی سربازان خواهد نمود<sup>۲۹</sup> .

راه پیمائی‌های پیاده نظام و سواره نظام ، همکاری رسته‌های مختلف ارتش در اردوگاهها و نیز تمرین‌های نظامی ، برای بالا بردن نیروی رزمی یگانها و حفظ روحیه سلحشوری سپاهیان اجرا میگردید . در این تمرین‌ها ، دسته‌ارابه جنگی ، کمانداران ، سواران نظام ، پیادگان سبک اسلحه و سنگین اسلحه ، گروهان‌های مهندس : پل ساز و راهساز ، و ناوگان‌ها شرکت میکردند و عملیات مشترک انجام میدادند .

شیوه‌های رزمی « تاکتیک » که در نبردها بکار برده میشد ، نمونه برجسته‌ای از روش بکار بردن نیروها در میدان رزم با توجه بخواص فنی سلاح آنان ، ماهیت رسته‌ها و کیفیت زمین « منطقه عملیات » بوده است که بیرون از حدود بررسی این کتاب میباشد و بایستی در مسائل تاکتیکی مورد پژوهش و تحقیق قرار بگیرد .

### پل سازی از نظر نظامی

در ارتش ایران از زمان دولت ماد و نیز پس از آن ، ساختن

سد و موانع و بهره‌برداری از زمین در مسائل دفاع نظامی، بصورت هنر پیشرفته‌ای در آمده بود. کندن خندق، زدن نقب، بکار بردن نردبان، برگردانیدن مسیر رودها، ساختن برج در نقاط مناسب، تهیه دیوار در گذرگاههای منحصر بفرد و اتصال این دیوارها بموانع طبیعی مانند کوهستانها، تپه‌ها، مردابها، رودها و همچنین زدن پل، مرسوم بود و مهندسان نظامی و کارشناسان ورزیده و بصیر، کارهای مربوط باین گونه فعالیت‌های دفاعی را با نظر فرماندهان انجام میدادند.

بر گردانیدن آب رود فرات در محاصره بابل و ورود ارتش کورش از راه رود بداخل شهر بزرگ بابل که با دیوارهای بلند و وستر محصور بود در نوع خود باتوجه به زمان تاكتيك بی‌مانندی بشمار می‌آید.

اردشیر دوم هخامنشی در جنگ با کورش کوچک دستور داد تا در جلگه بین‌النهرین خندقی کنند که پهنای آن ده آرنج، ژرفای آن نیز ده آرنج، و درازای آن صد استاد یا ۲۱ کیلو متر بود. ۳۰ این خندق عامل دفاعی مناسبی را برای ارتش ایران و موانع باز دارنده‌ای را برای نیروی سرکش کورش کوچک فراهم مینمود.

ساختن پل بر روی تینگه بسفر و اتصال خاک آسیا با اروپا و عبور ارتش ایران از فراز آن در زمان داریوش بزرگ ابتکار برجسته‌ای است

---

۳۰ - گزنفون، سفر جنگی کورش، کتاب ۱ - فصل ۷. گزنفون خود جزو ده هزار نفر یونانی در این نبرد شرکت داشته است.

که شیوه‌های مهندسی نظامی آن روز را معرفی مینماید . در جائیکه پل را ساخته بودند عرض بسفر ۲۲۲۰۰ متر است .<sup>۳۱</sup>

داریوش هنگامیکه زیبایی و استحکام پل را دید و دانست که از نظر نظامی باسانی میتواند سپاهیان خود را به اروپا وارد کند ، خرسند گردید و به مهندس سازنده آن پاداش داد و او را گرامی شمرد<sup>۳۲</sup>

توجه به کار راه سازی و پل سازی ضرورت داشت ، زیرا برای کشوری که هدف آن گسترش نفوذ خود و یکپارچه کردن جهان شناخته شده آن روز بود ، این امر برای هرگونه نقل و انتقال نظامی و اقتصادی و امنیتی لازم بنظر میرسید .

راه و پل دو عامل مهمی بود که تحرك استراتژیکی و تاکتیکی ناشی از توسعه سوار نظام و ارباب جنگی را که نیروی محرکه ارتش های دوره پیشین بشمار می رفت ، بالا میبرد و این تحرك را در سطح وسیعی اعمال میکرد .

این تحرك استراتژیکی ، بعلت گسترش مرزهای ایران و وسعت جغرافیائی کشور و موقع خاص آن در ذهن داریوش نقش بسته بود و ارزش نظامی این مسئله او را چنان شیفته کرده بود که میگوید :

---

۳۱ - هرودت، کتاب ۴ - بند ۸۳ تا ۱۲۴ . این عرض را ۱۲۰۰ ستاد نوشته و هر ستاد ۱۸۵ متر است .

۳۲ - همان ، مهندس سازنده پل Mandrocle نام داشت و از اهل جزیره سامس و تبعه دولت ایران بود .

من در نظر دارم پلی از يك قاره به قاره ديگر بسازم و به کشور  
سکاهها لشکر بکشم ۳۳ .

پل بزرگ و تاریخی دیگری که در زمان ارتش کشی خشایار شاه  
بیونان ساخته شد و مورد بهره برداری قرار گرفت ، پلی است به درازای  
۱۱۵۰ متر که بفرمان او بر تنگه داردانل بستند .

در آغاز مصریها و فینیقیها مأمور شدند که از محل آیدوس  
Abidos در کرانه شرقی داردانل دوپل بسازند و آسیا را به اروپا  
مربوط کنند . این پلها ساخته شد اما در برابر طوفان دوام نیاورد  
و ویران گردید . خشایار شاه که مصمم بود به یونان برود ، دستور  
داد از نو پلی استوار بسازند .

مهندسی که مسئولیت ساختن پل جدید را بر عهده گرفت ،  
از کشتی های پنجاه پاروئی و « تری رم » برای بستن پل استفاده  
کرد . در سمت دریای سیاه ، ۳۶۰ کشتی و در سمت دریای اژه ۳۱۴  
کشتی لنگر انداختند و آنها را با ریسمانهای کتانی و کلفت  
بیکدیگر بستند و از کرانه با چرخهای منجنیق ریسمانها را کشیدند ،  
تا این دیوار بزرگ و لرزان بر روی دریا ، در برابر تندبادهای دریائی  
مقاومت داشته باشد .<sup>۴۴</sup> برای آنکه رفت و آمد میان دریای اژه و  
دریای سیاه و دیگر جاها قطع نگردد ، واصل ارتباط رعایت شود ،  
در طول این پل در سه جای گذرگاههایی باز گذاردند تا ناوهای  
کوچک بتوانند با آمد و رفت خود نیازهای روزانه نظامی و اقتصادی

---

۳۳ - پیرنیا ، ایران باستان صفحه ۵۶۱ بنقل از هرودت .

۳۴ - هرودت ، کتاب ۷ ، بند ۲۶ به بعد ،

را برآورند . سپس پل را با تیرهای چوبی مهار کردند و روی آنرا تخته کوبیدند و روی تخته‌ها خاك ریختند و در دو طرف پل در سراسر درازای آن نرده گذاردند تا از افتادن جانوران بارکش و اسبها بدربیا ونیز از وحشت و پریشانی و فرار آنها جلوگیری نمایند<sup>۳۵</sup> .

این شیوه بسی ستایش انگیز و در نوع خود بی مانند است . هنوز هم در ارتشهای جهان ، از اینگونه پلها و با همین روش استفاده میکنند و وسائل و جنگ افزارها را از روی آن عبور میدهند .

پس از آماده شدن پل ، بفرمان خشایار شاه يك تمرین دریائی بوسیله نیروی دریائی ایران انجام و دریانوردان فینیقی در این تمرین و ما نور دریائی موجبات خرسندی شاهنشاه را که از فراز تپه‌ای عملیات دریائی را تماشا میکرد فراهم آوردند ، بعد از پایان کار ناوگان ، عبور سپاهیان از پل آغاز گردید :

در آن روز پارسی‌ها به تدارك عبور از هلس پونت مشغول بودند ، روز دیگر در انتظار طلوع آفتاب زوی پلها عطریات بسوختند و راه را با شاخه های مورت گستر دند ، در طلیمه خورشید خشایار شاه مقداری شراب در ظرفی از زربدر یا ریخت و آفتاب را نیایش کرد و از آن خواستار شد سانه‌ای پیش نیاید که مانع از جهانگیری او در اروپا گردد . پس از آن خشایار شاه يك جام و يك صراحی زرین و يك قبضه شمشیر پارسی به هلس پونت انداخت ، بعد از این مراسم پارسی‌ها شروع به عبور کردند .

از یکی از پلها پیاده نظام و سوار نظام میکشدت ، و از دیگری که بطرف دریای اژه بود چار پایان باری و خدمه عبور مینمودند . . . . . در مدت هفت شبانه روز لشکر پارسی از ترس ضربت

شلاقها بارو با میکذشت ۳۶ .

### اطمینان از آمادگی و آراستگی سپاه

برای حصول اطمینان از آمادگی و قدرت کارائی و همچنین آراستگی سازو برگ و جنگ افزار یگانهای نظامی، همه ساله و گاه بنا به نیاز و پیش آمد حوادث، آئین برگزاری باز دید و سان انجام میگرفت .

یگانهای نظامی متمرکز در پایتخت یا در جای اقامت موقتی شاهنشاه بوسیله شخص پادشاه که وظیفه عملیاتی و فرماندهی رزم را نیز بعهده داشت و خود در رزم شرکت میجست، بعمل میآمد، و برای پادگانهای دور افتاده، افسران ورزیده گسیل میشد تا آئین سان را

۳۶ - هرودت کتاب ۷، بند ۵۴ - ۵۶ .

هرودت در اینجا خواسته است بفهماند که سربازان ایرانی با فشار تازیانه و از روی ترس و پویشانی اطاعت نظامی داشته اند، در حالیکه درست بنظر نمی رسد زیرا، دیگر مورخان در این مورد چیزی ننوشته اند و از طرف دیگر باید توجه نمود که بر این سنت موجود و آئین زردشت پادشاه نماینده خدا و مورد احترام بود و این بزرگداشت بر پایه های معنوی و روحانی استوار بوده است نه بر اساس ترس. و نیز باید دانست در سال ۴۰۱ پ. م هنگامیکه کوروش کوچک بر برادر خود اردشیر دوم شاهنشاه ایران شورید و به شوش رهسپار شد، در شهر تارس Tarse سربازان متوجه شدند که کوروش میخواهد پادشاه بجنکد، ناگهان نافرمانی کردند و گفتند ما برای اینکار استخدام نشده ایم و به فرمانده یونانی خود کل آرخ Clearque سنگ پرتاب کردند. (کن نفون، سفر جنگی، کتاب ۱ فصل ۳۲) در حالیکه اگر مسئله ترس و شلاق در میان بود کوروش کوچک هم شلاق داشت، بنا بر این عامل دیگری جز تازیانه مطرح است و آن اطاعت و احترام پادشاه و ایمان به پیشه سپاهیگری است .

انجام دهند و از میزان آمادگی رزمی و چگونگی تدارك و سازوبرگ آنان آگاه شوند و حقایق را گزارش نمایند. خشایارشا در این مورد دقت بسیار داشت و از او اخبار زیادی به ما رسیده است. چنانچه این پادشاه در لشکرکشی بیونان در کرانه‌های داردانل نیروی زمینی و نیروی دریایی را جداگانه سان دید.

خشایارشا سوار گردونه جنگی شده از پیش لشکرها گذشت، اسم هر کدام از ملل را پرسید و دبیران جوابهای آنها را ثبت کردند.

سپس شاه سوار کشتی صیدائی گردید، زیر چتر زرین قرار گرفت و خواست کشتی‌ها را سان ببیند. فرماندهان نیروی دریائی بکشتی‌ها فرمان دادند که بقدر چهارصد پا از کرانه دور شوند و لنگر اندازند و بخط مستقیم صف بندند، ناوگان‌ها چنین کردند و پیشانی کشتی‌ها بطرف ساحل بود. در این موقع تمام سپاهیان دریائی کاملا مسلح بودند. خشایارشا در کشتی صیدائی از پیش کشتی‌ها گذشت و آنها را سان دید. ۳۷

از این روی با بازرسیهای پیاپی، فرماندهان ناچار بودند همواره در بهداشت و تندرستی سپاهیان، آمادگی جنگ افزایش دهد، حرکات صف جمع یگانها و آموزش تاکتیکی آنان کوشا باشند. زیرا هدف این بود که سپاهیان ایران توانائی اجرای مأموریت های نظامی را دور از سرزمین کشور، و نیز فرماندهان قدرت اداره ورهبری نیروهای گوناگونی را که دارای آداب و رسوم و زبان و آئین مختلف بودند دارا باشند.

سازمان دادن ورهبری چنین نیروهائی که نسبت بزبان و آئین و سنت یکدیگر بیگانه بوده‌اند، خود مسئله‌ای را تشکیل میدهد که تنها

---

۳۷ - هرودت، کتابت ۷ بند ۱۰۰ و بندهای بعد.

نبوغ فرماندهان ورزیده با تکیه ایمان و اعتقادشان به بزرگی ایران و اجرای فرمان شاه بزرگ و به پشتیبانی نیروی اراده و همت گشوده میگردد.

باید پذیرفت که توانائی ارتش آنها بر پایه تعداد جنگ افزارها و شماره سربازان نیست، بلکه قدرت ارتش مجموعه ای است از قدرت مادی و قدرت اخلاق، روحیه و ایمان بفرماندهی و رهبری برجسته و انضباط عالی.

عنصر اولیه در رزم انسان است. و این انسان بیش از آنچه پنداشته شود آسیب پذیر است. فقط یک نیروی امیدبخش او را از هراس جنگ باز میدارد، و این نیرو ترکیب یافته است از اعتقاد، ایمان، آموزش و روحیه.

در نهاد انسان نیروهای بسیاری نهفته است که با شیوه ای مثبت و سازنده بایستی آن نیروها را شناخت و بکار گرفت.

ارزش و اهمیت رهبری و مدیریت در این است که ما چگونه این نیروها را می شناسیم و چه سان بکار می بریم.

ما قبول داریم که شاه پارس اهمیت فوق العاده بسپاه میدهد، بدین معنی که بوالی هر ایالت یا مردمی که باج میدهند، امر کرده چقدر سوار و تیر انداز و فلاخن دار و سپردار نگاه دارند، و تا چه اندازه تهیه این قوا برای اداره کردن ممالک تا بهمه و دفاع آن در موقع حمله دشمن لازم است. بجز قوای مزبور شاه پادگان هائی هم در دژها دارد. والی این قوه پادگان را نگاه میدارد و شاه این نیرو و سپاهیان اجیر را که باید کاملاً مسلح باشند همه ساله سان می بیند. در موقع سان، غیر از پادگان فلاخ سایر سپاهیان را در جائی که معین شده، جمع میکنند. آنهائی را که نزدیک مقر او هستند شخصاً سان می بیند و افسردی که دورند،



از سان اشخاص مطمئن ، یعنی فرستادگان شاه میگذرد . از ولات و سرکرده ها آنهائیکه عده سپاهیان کامل و اسلحه و اسبهایشان خوب است ، ارتقاء رتبه مییابند ، یا بآنان هدایائی گرانبها داده میشود و کسانی که نسبت به پادگان ها به مسامحه و بی‌قیدی قائل شده یا از جهت جلب منافع بی‌وجدانی کرده‌اند ، عقوبتی سخت یافته از ریاست منفصل میشوند و کسی دیگر بجای آنها معین میگردد ۲۸ .

### پیک و مخابره با آتش

برقرار کردن چاپاروپیک «پست» و نیز مخابره با آتش و افزای های نورانی از ابتکار دولت هخامنشی است . در سرزمین پهناور هخامنشی ارتباط در طول شاهراه‌ها با ساختن چاپارخانه و نگاه‌داشتن اسبان تندرو و مأموران ورزیده برقرار میگردد . در هر یک از پاسگاهها پیک با اسب تندرو آماده بود تا به محض دریافت نامه و یا خبر از پیک پیشین ، بیدرنگ آن را به پیک دیگر برساند و آن دیگر نیز چنین میکرد و اینکار تا مقصد ادامه میافت ، بدین ترتیب در سراسر سرزمین ایران روز و شب ، در سرما و گرما ، پیک‌ها ، نامه‌ها و پیام‌ها را از یک سوی به مرکز می‌بردند و از پایتخت فرمان‌ها و دستورها را به استانها میرساندند ۲۹ .

---

۲۸ - پیرنیا ، ایران باستان ، جلد دوم ، صفحه ۱۴۸۳ و پیکولو اسکایا (دیگران) ایران باستان تا سده هیجده ، صفحه ۳۰ ، هردو اثر بنقل از گزنفون ، کتاب Economice ، «منسوب بسقراط» .

۲۹ - شاردن سیاحتنامه ، ترجمه محمد لوی عباسی ، تهران ، جلد دوم ، ۱۳۳۵ ، صفحه ۳۱۶ می‌نویسد که چاپارهای تندرو در ایران اخبار و نامه و فرمانها را به سراسر کشور می‌برند .

در میان موجودات فانی ، موجودی نیست که زودتر از  
چاپار پاریسی بمقصد برسد . زیرا پارسیها ترتیب این کار را بسیار  
ماهرانه داده‌اند . گویند راه هر قدر دراز باشد در آن ، آنقدر  
آدمی و اسب نگاه میدارند که هر يك روز راه ۴ تا ۵ فرسنگ  
يك چاپار و يك اسب داشته باشد .

نه برف و باران ممکن است مانع از حرکت سریع چاپار  
گردد و نه شب و گرما . ۴۰

چاپار نخستین موضوع مأموریت خود را به دومی میدهد و  
دومی به سومی والی آخر . چنین چاپار را که با اسب بمقصد میرسد  
پارسیها انکارین «Angareion» مینامند ۴۱ .

افزون بر چاپارها ، در راههای مهم و نقاط استراتژیکی که  
داری ارزش حیاتی بود ، بمنظور مخابره و ارسال پیامها و اخبار ،  
برجهای آتش ساخته بودند .

کار این برجها به این ترتیب بود که از فراز آنها مأموران ،  
اخبار و گزارشها ، و یا دستور و فرمانها را با آتش و یا علائم نورانی  
به نگهبانان برج دیگر مخابره میکردند و اینکار تا مقصد ادامه میافت .  
همچنانکه وقتی «مردونیه» آتن را گرفت ، با آتش از راه جزایر سیکلاد  
خشایار شاه را که در سارد بود آگاه کرد ۴۲ .

---

۴۰ - بیاد بود این پیشینه کهن و این ابتکار ایرانی ، بر سر در ساختمان  
اداره پست نیویورک نوشته است « با دوباران و روز و شب نباید در گردش این  
دستگاه درنگی پدید آورد » .

۴۱ - هرودت ، کتاب ۸ ، بند ۹۷ و ۹۸ - گزنفون اداره چاپار را به  
کوروش بزرگ نسبت میدهد . کوروشنامه فصل ۷ .

۴۲ - هرودت ، کتاب ۸ .

از همدان و شوش تا آخرین مرز ایران بفاصله های منظم و معین برجها ساخته بودند و نگهبانان در آن بودند و با آتش علائم مشخص و معلومی را مخابره میکردند . برجهای بعدی اخبار را می گرفتند و هم چنین ارسال میداشتند . در سال ۴۷۹ پیش از میلاد هنگامیکه سپهبد ایران ، آتن را اشغال کرد در شب همان روز خبر به سارد پایتخت لیدیه که شاهنشاه در آنجا بود رسید ۴۳

### سپاهیان مزدور در ارتش هخامنشی

هسته مرکزی ارتش ایران را سپاهیان پارس و سپاهیان مادو ایلام تشکیل میدادند ، « ارتش ثابت و فعال منحصرآ از افراد پارسی و مادی تشکیل میشد که بصورت دسته های ثابت ، در مراکز مهم سوق الجیشی کشور مستقر میشدند تا مایه آسایش خاطر مردم و برقراری امنیت باشند . ۴۴»

در میان سپاهیان پارسی ، لشکر ده هزار نفری جاویدان یا بیمرگان بود که سربازان آن در نبرد پیشتاز بودند ۴۵ و نیزه پارسی را

۴۳ - فیثا غورس ، سیاحتنامه پاورقی صفحه ۳۳ و ۳۴ .

\* جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران ، هم جشن تفاهم بین المللی و دوستی است ، هم بزرگداشت پیشینه پست و ارتباط و مخابرات .

۴۴ - ویل دورانت ، مشرق زمین گاهواره تمدن صفحه ۵۳۱ .

۴۵ - این لشکر را از آن جهت جاویدان یا بیمرگان می گفتند که هیچگاه شماره آنان کم نمیشد و اگر سربازی کشته میشد بیدرنگ سرباز دیگری جای او را پر میکرد ، اینها اسلحه و لباس ویژه ای داشتند ، آموزش آنان بسیار خوب و یکی از وظایف آنان پاسداری از شاهنشاه بود . نمونه این سربازان بالباسهای بلند و نیزه های دراز که انتهای آن بکوی زرین ختم میشود در کاشیکاریهای شوش بدست آورده است .

بدور دست‌های افق میبردند ، ۴۶ و هم پاسداران شاهنشاه بشمار می‌آمدند، انضباط، ورزیدگی، آموزش و روحیه این سپاه بسیار خوب و برجسته و شهرت جهانی داشت ۴۷ .

تا آن زمان که ارتش ایران از ملل آسیائی ، یعنی ملیتهای امپراطوری آسیائی هخامنشی تشکیل شده بود ، نیرومند و توانا بود، سرکشی در آن راه نداشت و با شکست و ناکامی کمتر روبرو میگشت . تلفات سنگین روحیه این ارتش را ناتوان نمی‌کرد، زیرا افراد آن مؤمن و معتقد به اصولی مانند سادگی، بردباری، استقامت بودند و خوب تدارك میشدند و احساس سروری میکردند .

این ارتش بزرگ که از ایرانیان و از مردم کشورهای دیگر شاهنشاهی ایران بوجود آمده بود شصت سپاه را تشکیل میداد : هرسپاه به لشکرهای ده هزار نفری ، هنگهای هزار نفری، گروهان‌های صد نفری و گروههای ده نفری تقسیم میشد ۴۸ .

همینکه از زمان داریوش دوم دیپلماسی زرجایگزین استراتژی نظامی گردید و دولت ایران در صدد برآمد از جزایر و کشورهای یونانی سپاهیان مزدور فراهم آورد و باخرج دريگ‌های زربه گرد

---

۴۶ - اشاره به کتیبه داریوش در نقش رستم فارس ، اگر اندیشه کنی چند بود کشورهایی که داریوش شاه داشت بر این بیکر ها بیکر که تخت را می‌برند ، آنگاه خواهی دانست ، آنگاه بتو آشکار میشود که نیزه مرد پارسی دور رفته و آنگاه بتو آشکار میشود که مرد پارسی بسی دور از پارس جنگیده است .  
۴۷ - هرودت ، کتاب ۷ ، بند ۴۱ و اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۳۲۲ .

۴۸ - هرودت کتاب ۷ ، بند ۸۱ و ۸۲ و اومستد کتاب پیشین صفحه ۳۲۴ .

آوری مزدوران پرداخت، ارتش ایران توانائی پیشین خود را رفته رفته از دست داد.

اجرای طرح سپاهیگری مزدوری در ارتش هخامنشی، ارزش رزمی ایران را کاست و نیروهای مسلح کشور را آلوده و تباه کرد. سپاهیان مزدور که برای خوراک و دریافت هزینه زندگی به استخدام درآمده بودند از اصول ایمان و وفاداری به ایران پیروی نمی‌کردند. انگیزه درونی برای ترغیب آنان بفداکاری و جانبازی وجود نداشت هر چند گاه یکبار سبب بی‌نظمی می‌شدند و تقاضای افزایش جیره می‌کردند. این رفتار خرابکارانه و بدآموز سربازان مزدور از یک طرف و تجمل پرستی و آرامش طلبی و سستی ناشی از رفاه فراوان از سوی دیگر، حس فداکاری و گذشت و قدرت اراده و شجاعت را در ارتش ایران ناتوان کرد.

یونان از نظر طبیعی و در اثر جنگهای ممتد داخلی بصورت کشور فقیری درآمده بود، بسیاری از یونانیان در اندیشه مهاجرت بودند تا لقمه نانی بدست آورند، جنگجویان یونانی از نظر ورزیدگی و آشنائی بمیدان کارزار بدیگران برتری داشتند. شاهنشاهی هخامنشی نیز امکانات و مقدرات وسیعی برای بهره برداری از هنر آنان بصورت سربازان اجیر فراهم داشت.

جنگجویان یونانی آماده بودند تا در رکاب هر کسی که زندگی بهتری برای آنها فراهم می‌کرد شمشیر بزنند. از این رو گاهی بسود شاهنشاه و گاهی بسود شورشیان علیه شاه بچنگ می‌پرداختند، حتی ارکشیدن اسلحه بروی هم میهنان یونانی خویش شرم نداشتند. یونان مردان جنگی خود را از دست میداد و روز بروز ناتوان تر میشد ۴۹.

---

۴۹ - آ، ایمازو (دیگران) تاریخ تمدن ایران، ترجمه جواد محیی

کوتنبرگ ۱۳۴۷ صفحه ۹۰ و ۹۱،

و ایران هم نمی توانست همواره به مزدورانی که معتقد و پایداری-  
بند با اصول میهن پرستی و رهبر دوستی نبودند و فقط فروش هنر جنگجویی  
برای سیر کردن شکم راهنماییشان بود اعتماد کامل داشته باشد.\*  
عقب نشینی ده هزار نفر سپاهیان یونانی که بیاری کورش کوچک  
در نبرد با برادرش اردشیر دوم به مرکز ایران آمده بودند ، بگمان  
یونانیان معرف ضعف حکومت مرکزی ایران میباشد .

این سپاه پس از آنکه کورش کوچک و دیگر سرداران خود  
را از دست داد ، میتوان گفت که از وسط کاخ او در اردشیر ، رهایی  
یافته ، با تجربیات خود بتمام یونان نشان داد که عظمت پارسیها  
و شاه آنان فقط از حیث طلا ، تن آسائی و زنان آنان است و باقی  
همه ظاهر سازی است . بنابراین بقدری که یونان بقوای خود  
مطمئن شد ، بهمان اندازه با نظر حقارت به نیروی بیگانه  
نگریست . ۵۰ .

ضمن آنکه نمیتوان این نظر را کاملاً پذیرفت ، لیکن تا حدودی  
منطقی هم بنظر میرسد ، زیرا در این عقب نشینی یونانیان پنج سردار  
بزرگ خود را از دست دادند و در اندیشه بدبختی و گرسنگی فرورفته  
بودند و از بیم حمله ارتش ایران شب و روز آرام و قرار نداشتند<sup>۵۱</sup> . در این  
حال ، دادن این همه آزادی عمل بدون خلع سلاح آنان ، یا بیرون

---

\* آنچه از تاریخ ایران باستایش باید ذکر شود ، این است که بندرت  
اتفاق می افتاد که فرد ایرانی برای جنگ با ایرانیان بمزدوری گرفته شود .  
در صورتیکه هر کس نمیتوانست یونانیان را برای جنگ با خودشان اجیر کند .  
ویل دورانت مشرق زمین گاهواره تمدن - صفحه ۵۵۰ .

۵۰ - پلوتارک ، زندگانی اردشیر ، بند ۳۲ .

۵۱ - گزنقون : بازگشت ، صفحه ۸۹ .

راندن آنها بایک رشته عملیات منظم نظامی دوران حزم و احتیاط و بیرون از محدوده شهامت و جسارت سربازی است. مگر اینکه فرض کنیم دیپلماسی خاصی که منافع دولت ایران در آن بوده این امر را ایجاب میکرده است.

مثلا دولت ایران از نظر سیاسی و یا اقتصادی تعقیب آنان را جایز ندانسته و اطمینان داشته است که همان بیم و هراس از حمله ایران کافی است تا آنها را از مرزهای کشور بیرون کند. در هر صورت چه نظر یونانیان و چه نظر ما هر کدام درست باشد، نفس عمل اثرات بدی هم در پی داشت. زیرا یونانیان ثروت سرشار و بار آوری سرزمین بین النهرین را دیدند و سپس در یونان شایع کردند که شاهنشاهی ایران با انواع آب و هوای گوناگون که موجبات نعمت و برکت را فراهم آورده است، دارای ارتشی است که عملا ارزش نظامی آن ناچیز است. همین امر موجبات سرکشی را از این پس فراهم آورد و زمینه تاخت و تاز آژیلاس Agesilas سردار اسپارت را در ایران فراهم کرد<sup>۵۲</sup>.

---

۵۲ - در گفتار دیپلماسی زر در همین کتاب شرح داده شده است

# سیاست نظامی

تقسیم سرزمین شاهنشاهی از نظر نظامی

حال جنگ ایران و یونان

ارزش استراتژیکی شمال افریقا

تحریرات یونانیان

طرح استراتژی داریوش

حمله خشایارشا به یونان



### تقسیم سرزمین شاهنشاهی از نظر نظامی

پس از آنکه داریوش بزرگ شورشها را در گوشه و کنار شاهنشاهی سرکوب کرد، بیش از پیش به لزوم توانا ساختن ارتش آگاه گردید. بنابراین بیدرنگ به تقویت ارتش، تجدید سازمان و استحکام اصول اداری و نظامی همت گماشت. از نظر سازو برگ و همچنین نیروی انسانی ارتش را پشتیبانی کرد و برای آنکه این ارتش در لحظه حساس بتواند در سراسر سرزمین پهناور شاهنشاهی ایران آماده بکار باشد و از سرکشی‌ها و ناایمنی‌ها جلوگیری کند، آن را در چهار منطقه جداگانه متمرکز ساخت.

بعدها نیز سپاهیان اجیر یونانی در جزایر دریای مدیترانه و کرانه‌های داردانل و بسفر مستقر شدند و پنج منطقه نظامی بوجود آمد. کلیه نیروهای مسلح شاهنشاهی، پادشاهان و فرمانروایان بومی و شهرهای یونانی‌نشین و شاهان قبرس در حوزه جغرافیائی مناطق پنجگانه نظامی بودند.

این مناطق نظامی چنین بود :

۱ - ارتش یکم در ایران مرکزی :

- ۲ - ارتش دوم در بین النهرین .
- ۳ - ارتش سوم در آسیای کوچک .
- ۴ - ارتش چهارم در مصر .
- ۵ - ارتش پنجم شامل سپاهیان مزدور و سپاهیان بومی شهرها و جزایر یونانی .

### هال جنگ ایران و یونان

سرزمین آسیا و کشور ایران بارها از سوی سکاها که در جنوب اروپا از روسیه تا یوگسلاوی و بلغارستان، و اطراف رودهای سیحون و جیحون میزیستند، مورد تهاجم و دستبرد واقع شده بود .

داریوش که مانند دیگر شاهنشاهان هخامنشی آسیا را منطقه نفوذ خود میدانست و وظیفه حمایت و امنیت مردم ملل تابعه ایران را داشت، با لشکر کشی خود در سال ۵۱۴ پ. م آنها را سرکوب کرد و تراکیه و مقدونیه را گشود و به سرزمینهای شاهنشاهی افزود، و برای جلوگیری از نفوذ یونانیان در آسیای باختری نقطه اتکاء و حاشیه امنیتی بدست آورد .

در بسیاری از برکهای تاریخ هر دوت می بینیم که ایرانیان آسیا را از ان خود مبدانستند و پشتیبانی سیاسی و نظامی از ملل قاره آسیا را از وظایف اساسی خود مینداشتند . و این اندیشه در مغز همه رجال دوره هخامنشی وجود داشت . چنانکه در حمله اسکندر مقدونی به ایران « سال ۳۳۴ پ. م » هنگامیکه شورای جنگی تشکیل شد ،

ممنون «Memnon» فرمانده سپاهیان یونانی که در خدمت ارتش ایران بود میگفت :

اگر ما نتوانیم جنگ را بدون اروپا بکشیم ، بایستی عقب نشینی کنیم و شهرها و روستاهائی را که در مسیر لشکرکشی مقدونیه است آتش زنییم تا سپاه مهاجم دچار تنگنائی گردد<sup>۱</sup>.

گرچه شیوه و تاکتیک سرداران ایران، بر دن جنگ بسر زمین دشمن بود، تا هرگونه ویرانی در سرزمین متعرض انجام گیرد و دشمن را دچار آشوب داخلی و نابسامانیهای اجتماعی و اقتصادی بنماید، اما بخش دوم رأی سردار یونانی را نپذیرفتند و گفتند: در این صورت ما باید مردمانی را که نگاهداری آنان بر عهده ما است ، بخودشان واگذاریم و این برخلاف روح سپاهگیری است و خیانتی است که پاسخ آن را در پیشگاه شاهنشاه نمیتوانیم داد<sup>۲</sup>.

این ضابطه ای است که میرساند ایرانیان باستان خود را قدرت مطلق آسیا میشناختند و حمایت آسیائیان را وظیفه خود میدانستند.

چنین نتیجه میشود که در پادشاهی هخامنشی توجه شایسته ای بکار میرفته تا مرزهای قلمرو شاهنشاهی بعوارض و عوامل طبیعت متکی باشد، تا قابلیت دفاع بیشتری را با هزینه کمتر و امید افزونتر به پیروزی فراهم آورد.

و همچنین از نظر امنیتی و اقتصادی وسایر جهات ، تسهیلات

۱ - پیرنیا ، ایران باستان جلد دوم ، صفحه ۱۲۴۸ .

۲ - دیودور ، کتاب ۱۷ - بند ۱۸ - و آریان ، کتاب ۱ فصل ۴ ، بند ۲

بیشتری را برای زیست همگانی در درون مرزها امکان پذیر سازد. میتوان گفت که از جنبه مسائل ژئوپلیتیکی ارزش مرزها و موقع حساس آن بخوبی درک شده بود، حتی میتوان پنداشت که: چرا کوروش هنگامیکه آسیای صغیر و فینیقیه و جزایر یونانی ساحل دریای اژه را تسخیر کرد، بمصر نرفت و درباره آن کشور اقدامی ننمود؟ البته يك نظر اینست که زمان کافی در اختیار نداشت. این نظر چندان مورد پذیرش نیست. زیرا ممکن بود فتح مصر را نیز یکی از سرداران ایرانی بسپارد، همچنانکه ادامه فتوحات جزایر آسیای کوچک را به افسران سپرد.

نظر دیگر این است که دولت جوان کوروش هنوز نیروی دریایی کافی و روش تدارکاتی مناسبی که بتواند در بیابانهای سوزان اردن و سینا پاسخگوی نیاز ارتش ایران باشد، نداشته است. این نظر هم قابل تردید است زیرا:

فینیقیها زمانی که فرمانبردار دولت هخامنشی شدند مزایایی برای دولت نامبرده داشتند. اینان ملتی متمدن و دریانورد و دلیر بودند که میان دریای مدیترانه و کوهستان لبنان میزیستند. این ملت ناوگان خود را با اختیار دولت هخامنشی گذاشت و برعکس یونانیان جزایر تا پایان دوره هخامنشیان نسبت به ایران وفادار ماند<sup>۳</sup>. و چون کارتاژ کوچ نشینی بود از دریانوردان فینیقیه در شمال آفریقا، رفته رفته نفوذ ایران را در دریای مدیترانه افزودند و دامنه آن را به کارتاژ (قرطاجنه)

---

۳ - فقط در زمان اردشیر سوم به ملت بدرفتاری حکمران ایرانی سر بشورش

برداشتند.

نیز رساندند<sup>۴</sup>. و این فرمانبرداری مردم فینیقی از آن جهت بود که:  
«امیران بازرگان فینیقی ارزش عضویت در يك شاهنشاهی  
جهانی را میدانستند و از روی میل نمایندگان خود را به جشن بزرگ  
سالیانه میفرستادند»<sup>۵</sup>. و اصولاً ناوگان فینیقی با سیصد کشتی سهردیفی  
هسته نیروی دریائی ایران را تشکیل میداد و امکان حمل و نقل نیروی  
نظامی و تدارک آن موجود بود.

نظر سوم این است که او، حدود ایران را از سوی باختر بدریای  
مدیترانه و از سوی خاور بسند و از شمال بدریای سیاه و کوههای  
قفقاز و از جنوب بخلیج فارس و دریای مکران، حدود طبیعی میدانست<sup>۶</sup>  
و در واقع همین گونه هم هست. زیرا از چهار سوی این سرزمین پهناور  
بموانع طبیعی استواری متکی بود که هم در درون خود تسهیلات ارزنده ای  
داشت و هم عمل دفاع را آسان تر مینمود.

سیاست کوروش، سیاست يك رجل بزرگ سیاسی بود و  
وی فتوحات دیگری را در نظر داشت و بدین سبب حفظ صلح با  
کاهنان و نمایندگان قشرهای عالی مردم بابل برای وی واجد اهمیت  
خاص بود. چنانکه در عهد سلطنت «اماسیس» تسخیر مصر را وجهه  
همت قرار میداد خطر ناک میبود، زیرا سازمان مرتب مصر و نیروی  
آن مانع از تحقق منظور وی بود.

ولی اینکه کوروش با فلسطین مناسبات دوستانه برقرار  
کرد و شهرهای فینیقی را مورد عنایت قرار داد تصادف محض نبود.  
اینان میبایست در جنگ آینده علیه مصر متحد و نزدیکترین  
تکیه گاه وی باشند<sup>۷</sup>.

---

۴ - مشیرالدوله، ایران باستان جلد دوم فصل ۱ باب ۲.

۵ - اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۳۲۹.

۶ - مشیرالدوله، پیرنیا، ایران باستان جلد اول صفحه ۴۸۴.

۷ - تاریخ ایران از باستان تا پایان سده هیجدهم، نوشته پنج محقق روسی  
ترجمه کریم کشاورز، تهران سال ۱۳۴۹ صفحه ۲۱.

نظریه نویسندگان کشور اتحاد جماهیر شوروی را که در بالا گفتیم نمیتوان یکجا پذیرفت ، زیرا :

- مصدر در آن عصر نیرومندتر از دولت کلدی و تواناتر و ثروتمندتر از دولت لودییه نبود، و چنانکه در پیش دیدیم دولت کلدی میخواست با مصر پیمان اتحادی به بندد که کوروش مجال نداد و مصر نیز تن در نمیداد .

- با فتوحاتی که کوروش انجام داد ، و دولتهای بزرگ را یکی پس از دیگری مقهور کرد، از طرفی نیروی رزمی و قدرت روحی سربازان ایرانی بالارفت و از طرف دیگر موجبات هراس دولتهای دیگر فراهم آمد .

و این يك اصل مسلم و غیر قابل تردید نظامی است که نیروی جوان و تازه نفس دارای تحرك و جنبش بیشتری است و بهمین دلیل موجبات ضعف روحی کشورهای دیگر را که احتمالا دچار فساد هم شده باشند فراهم میآورد .

پس اگر کوروش در آن زمان تلاشی برای تصرف مصر نکرد از آن جهت نبود که : «خطرناك میبود» و «سازمان مرتب مصر و نیروی آن مانع از تحقق» این عمل می بود، بلکه بر این اساس استوار بود که احتمالا او تکیه به مرزهای طبیعی را از نظر نظامی و تاکتیکی مفیدتر میدانست، و گرنه چگونه چند سال بعد آن کشور « مصر » با «سازمان مرتب و نیروی» خود بدست کمبوجیه فرزند کوروش فتح شد؟

در مورد یهودیها نیز بسانی که در کتاب دیگری بررسی شده،<sup>۸</sup> کوروش آنان را از بردگی و بندگی رهائی بخشید، چون بگفته کتاب دینی قوم یهود، او مسیح بود و از نظر فلسفه سیاسی اندیشه جهانی داشت.

یهودیان از بندرسته که آزادی خود را در تاریخ جهان مدیون کورش هستند تا زمان اردشیر دوم زیر سرپرستی و نظارت دولت ایران بودند.

کوروش یهودیان را از آن جهت مورد حمایت و عنایت قرار داد که نخست یکتا پرست بودند و آئینشان باکیش مزدپرستی همآهنگی داشت و دیگر آنکه با بردگی و فساد مخالف بود و با آن مبارزه میکرد، و اصولاً از سیاست مذهبی خاصی پیروی نمی نمود. فینیقی ها هم که مردمانی دریانورد و بازرگان بودند، هسته مرکزی نیروی دریائی ایران را تشکیل میدادند و از نظر بازرگانی و توسعه اقتصادی و بردن نفوذ ایران به سایر نقاط آنسوی دریا مفید بودند و این خود مورد نظر کوروش بود، و از سوی دیگر سرزمین اسرائیل و فینیقیه کرانه های خاوری دریای مدیترانه را تشکیل میداد و در واقع مرز را به مانع طبیعی بزرگی مربوط میساخت.

درست است که ضرورت استراتژیک حکم میکند، در مسیر و در حوالی هدف نظامی، نیروی مهاجم باید پایگاههایی داشته باشد چنانکه کمبوجیه از این پایگاهها و پایگاههای دیگر برای حمله بمصر

---

۸ - کتاب سیاست و اقتصاد در شاهنشاهی هخامنشی، زیر چاپ  
و نیز فرهنگ ایران در شاهنشاهی هخامنشی، تألیف نگارنده.

بهره برداری کرد ، اما عقیده کورش دایر بر تکیه بمرزهای طبیعی استوارتر و معقول‌تر بنظر میرسد .

### ارزش استراتژیکی شمال افریقا

کمیوجیه برخلاف نظر کورش سیاست توسعه ارضی درپیش گرفت و بحدود طبیعی موجود اکتفا نکرد ، قبرس را گشود و با در دست داشتن پایگاه سرزمین فلسطین و فینیقیه با امیران عرب وارد مذاکره شد و یاری آنها را جلب کرد و تازیان راموظف نمود هنگام عبور ارتش ایران از صحرای سینا ، آب و بخشی از تدارکات مورد نیاز را فراهم آورند . آنگاه رهسپار مصر گردید و این کشور باستانی را که تمدنی کهن داشت در سال ۵۲۴ پ . م گشود و تا برقه ، سیرن «سیرنائیک» ولیبی رفت .

سپس برای شناسائی سرزمین حبشه و آگاهی از چگونگی جغرافیائی و نیز مردم آن سامان نمایندگانی به امپراطوری مزبور فرستاد و قصدش شناخت آن کشور و تصرف آنجا بود<sup>۹</sup> .

با همه این گفتگوها باید پذیرفت ، جنگ بسا یونان را که جنگی بزرگ پارسی شهرت یافته ، آتنی‌ها باعث شدند . زیرا اینها بودند که نخست به شهر سارد تاختند و آنجا را آتش زدند .

از آنجا که امکان هرگونه سازشی را یونانیان از میان برده بودند ، برخورد نظامی ایران و یونان کاری اجتناب ناپذیر بود .

۹ - هرودوت ، کتاب سوم .



دولت ایران با تسلط بر جزایر دریای اژه و تراکیه ، با یونان که دروازه جهان اروپائی بود روبرو شد .  
سیاست نظامی ایران خواهان تسلط بر یونان بود تا از تحریکات و خرابکاریهای یونانیان آسوده خاطر باشد .  
یونانیان که هوشیار و آزاده ولی فقیر بودند ، میخواستند از ثروت آسیا بویژه کشورلیدی بهره مند شوند .  
از طرف دیگر تعصب خاصی داشتند تا تمدن هلنی را در برابر تمدن آریائی نگهداری کنند . زیرا بر خورد ایران و یونان تنها یک برخورد نظامی بشمار نمیرفت ، بلکه مقابله و برخورد دو تمدن و دو فرهنگ هم بود و نفوذ نظامی راه نفوذ فرهنگی را هموار میساخت .

بر خورد دوطرز تفکر متضاد ، خواهی نخواهی آتش جنگ را بدنبال داشت . و اینکار بیشتر ناشی از گناه تحریک و تجاوزی بود که یونانیان مرتکب میشدند .

خشیار شاه این حقیقت روشن را چنین بازگو میکند :

یا یونان باید فرمانبردار ما گردد ، یا ما فرمانبردار «آنان» باشیم ، در این کار راه میانه ای نیست و عدالت اقتضا میکند ، کارهائی را که نسبت به ما کرده اند تلافی کنیم.<sup>۱۰</sup>

برای حفظ امنیت سرزمینی بود که داریوش از تنگه بسفور به اروپا رفت و از رود دانوب گذشت و در جنوب روسیه تا رود ولگا پیش راند و سکاها را که همواره در پیرامون سرزمین شاهنشاهی تاخت

---

۱۰ - هردوت ، کتاب ۷ بند ۸ بعبد .

وتاز میگردند در سال ۵۱۴ پ. م سرکوبی کرد<sup>۱۱</sup> .  
داریوش از گستاخی یونانیان نسبت به شهر سارد و آتش زدن  
پرستشگاه آن رنج میبرد و دستور داده بود، هر روز یکی از خدمتگزاران  
یادآوری کند که: شاهها آتنیها را فراموش نکن<sup>۱۲</sup> .  
برای حمله داریوش به یونان باید در جستجوی دلیل دیگری  
هم باشیم .

بهتر آن است که چنان باور داشته باشیم که شاهنشاه ایران  
نکران بود که ممکن است از بستر کشورهای یونان و مستعمرات آن،  
یک امپراطوری بوجود آید ، یامیان آنها پیمانی بسته شود و تسلط  
ایران را بر باختر آسیا در خطر اندازد<sup>۱۳</sup> .

بر اثر نافرمانی فرمانروای مصر و شکایتی که مصریان از شیوه  
رفتار و بیدادهای او کرده بودند ، داریوش بآن کشور رفت و کار  
آنجا را سامان داد و از شورش جلوگیری کرد .  
داریوش یک رشته اصلاحات اجتماعی مانند تهیه خطوط  
مواصلات ، توسعه آبادانی از طریق کندن قنات و کاریز را در مصر  
آغاز کرد . دیپلماسی داریوش باندازه ای خردمندانه و دلسوزانه بود  
که مصریها او را «فرعون» و «قانونگذار» خود خوانده اند<sup>۱۴</sup> .

---

۱۱ - هردوت، کتاب ۴ شامل اطلاعاتی راجع به سکاها است .

۱۲ - هردوت ، کتاب ۵ - بند ۱۰۵ .

۱۳ - ویل دورانت ، تاریخ تمدن ، مشرق زمین گاهواره تمدن ، ترجمه

آرام ، چاپ اقبال تهران ۱۳۳۷ - صفحه ۵۲۳ .

۱۴ - کتیبه ای از داریوش که در نزدیکی کانال سوئز یافته اند و به سغزیان

نوشته شده است .

از آنجا که مصر در کرانه مدیترانه قرار داشت و بر سر راههای بازرگانی خشکی و دریائی بود ، يك پایگاه بزرگ بشمار میرفت و اهمیت نظامی داشت ، از این روی امنیت آنجا برای دولت هخامنشی دارای ارزش فراوان بود .

این کشور پایگاهی بود در جنوب دریای مدیترانه که با تسلط بر دریا ، اجرای استراتژی نظامی ایران را از دوسوی برونان آسان میکرد . در واقع ارتش ایران از طریق تنگه های بسفور و داردانل و از راه فینیقیه و قبرس و همچنین از طریق مصر و کوچ نشین کارتائز در آن سوی لیبی میتوانست سرزمین یونان را محاصره و مقاومت آن را درهم بشکند .

علیهذا بدلائل نظامی و امنیتی ، داریوش سرزمین مصر را به چهار منطقه نظامی تقسیم کرد و در هر يك از بخش ها پادگانی گماشت .

۱ - منطقه یکم - منفیس پایتخت مصر .

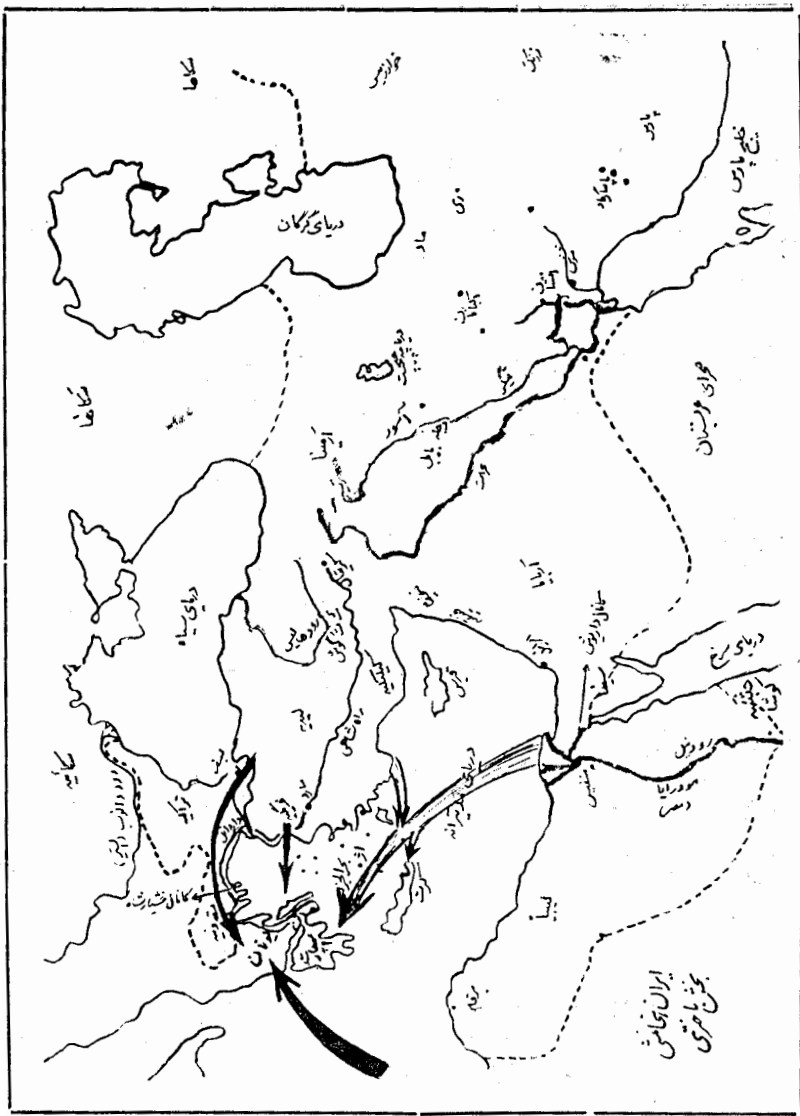
۲ - منطقه دوم - دافنه ( Daphne ) برای نگهداری بخش شمال خاوری مصب نیل .

۳ - منطقه سوم - مارآ ( Marea ) برای حفاظت بخش شمال باختری مصر و سرزمین لیبی .

۴ - منطقه چهارم - جزیره الفان تین ( Elephantine ) برای حفظ کشور از حمله احتمالی دولت حبشه<sup>۱۵</sup> .

---

۱۵ - هردوت کتاب ۲ بند ۳۰ .



بخش باختری ایران هخامنشی . مرز ایران با نقطه چین نشان داده شده است

## تحریرکات یونانیان - طرح ایران

یونانیان بویژه تا نیمه دوره هخامنشی ، دریم و نگرانی بودند و از نام سرباز ایرانی دچار وحشت میشدند<sup>۱۶</sup> و برای حفظ خود هر گاه که فرصتی می یافتند دست بتحریرکات تجزیه طلبانه ، برای ناتوان ساختن شاهنشاهی پهناور ایران میزدند .

گاهی تلاشهای تحریک آمیز و تبلیغاتی ضد هخامنشی را در مصر آغاز میکردند ، زیرا در همه دوره هخامنشی یونانیان بمصر ، بعلت وضع خاص استراتژیکی اش توجه داشتند و میخواستند نفوذ ایران را درهم بشکنند .

برضد شاه بزرگ باید آماده شد و نگذاشت که او مصر را بگیرد ، زیرا داریوش و خشایار شاه بر یونان تاخت نبردند تا آنکه مصر را گرفتند ، پس اگر شاه بزرگ مصر را بگیرد ، او به یونان نیز تاخت خواهد برد ۱۷ .

یونانیان دست از تحریک در جزیره قبرس و دیگر جزایر مطیع ایران نمی کشیدند ، میان خود نیز اختلاف داشتند ، پاره ای خراجگذار ایران بودند ، گروهی بدربار ایران پناهنده شدند . گروه ناراضی دیگری هم در «سارد» میزیستند و برای پیشرفت نفوذ ایران و کامیابی خود دست بهر کاری میزدند .

هیپ پیاس «Hippias» یونانی ، ارتافرن «Artafern» ، فرمانروای

۱۶ - هردوت ، کتاب ۶ بند ۱۱۲ ،

۱۷ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ، صفحه ۵۹۶ (منسوب به ارسطو)

لیدیه را بجنگ با آتن ترغیب میکرد و پیمان می سپرد که اگر بحکومت آتن برسد ، مطیع شاه بزرگ خواهد بود<sup>۱۸</sup> .

دمارات ، پادشاه پیشین اسپارت که به ایران پناهنده شده بود در شوش نخست داریوش و پس از آن خشایار شاه را راهنمائی و ترغیب می کرد .

گروه دیگری هواخواه وستون پنجم دولت ایران بشمار میرفتند ، و ایرانیان می پنداشتند که با اهتزاز پرچمشان ، طرفداران هیپ پیاس وستون پنجم ایران و نیز دوگانگی و اختلاف احزاب دموکرات و محافظه کار در آتن حکومت آن شهر را واژگون خواهد ساخت<sup>۱۹</sup> . دولت آتن نیز روز بروز میکوشید تا بر نیروی نظامی خود بیفزاید و ناوگان خویش را افزایش دهد . داریوش که متوجه این کارها بود ، با شکیبائی شورش شهرهای یونانی ایران را فرونشاند و با اصلاحات اجتماعی پرداخت .

در اندک زمانی اصلاحاتی در دادگستری و شیوه داوری پدید آورد ، مالیاتها را تعدیل ساخت ، حکومت فردی را لغو و به شهرها حکومت ملی اعطاء کرد .

با اصلاحاتی که انجام شد آتش شورش فرونشست ، ولی تحریکات دولتهای اریتره Erethrie و آتن پایان نیافت .

---

۱۸ - پیرنیا ، ایران باستان صفحه ۶۳۹ .

۱۹ - در این موقع در آتن میان طرفداران حکومت ملی و اشرافی اختلاف بوده و استاندار لیدیه به سفیر آتن توصیه میکرد که هیپ پیاس را باریکتر بحکومت بپذیرند . هردوت ، کتاب ۵ ، بند ۶۹ .

داریوش که میدانست ناگزیر از جنگ با یونان است کم کم مقدمات کار را فراهم میآورد و برای آنکه اطمینان پیدا کند، یونانیها تسلیم میشوند یا ایستادگی میکنند، نمایندگان به یونان اروپائی فرستاد و از حکومت‌ها، بنشانه اطاعت و فرمانبرداری «آب و خاک» خواست.<sup>۲۰</sup>

در همین هنگام اقداماتی برای تقویت ناوگان دریائی بعمل آورد<sup>۲۱</sup> و دستور داد تا در کرانه‌های دریای اژه کشتی‌های بزرگ برای امور لجستیکی و حمل و نقل تدارکات و دواب بسازند. برخلاف اصول حقوق بین‌الملل عمومی و مسئله مصونیت سفراء که از قدیم هم شناخته شده بود، یونانیان نمایندگان ایران را کشتند. آتنی‌ها سفیر داریوش را به گودال بزرگ و اسپارته‌ها بجای انداختند و گفتند در آنجا برای شاه بزرگ هم خاک و هم آب خواهید یافت.

با نقض مسلم‌ترین اصول حقوقی و اهانتی که در پیش وارد آورده بودند، داریوش تصمیم به گوشمالی محرکین آتنی گرفت. طبیعی‌ترین نقطه شروع برای بررسی و پژوهش در جنگ‌های بزرگ اروپا، نبرد بزرگ ایرانیان میباشد. با اینکه ما نمی‌توانیم انتظار راهنمایی و تدابیر استراتژیکی برجسته‌ای را در عصری که استراتژی هنوز دوران نخستین خود را میگذرانید، از این نبردها داشته

---

۲۰ - هرودوت، کتاب ۶، بندهای ۴۸ تا ۵۰. تسلیم آب و خاک در قدیم نشانه اطاعت بوده است.

۲۱ - برای آگاهی بیشتر به بخش نیروی دریائی مراجعه شود.

باشیم، ولی نباید فراموش کرد که کلمه مارا تن «Marathon» آنچنان  
ژرف در مغز و افکار همه علاقمندان تاریخ نقش بسته است که نمی توان  
آن را نادیده گرفت .

از سوی دیگر این جنگ بیش از همه در یونانیان تأثیر گذاشته  
است و از این جا است که درباره این جنگ بیش از همه ، وسیله آنان  
و از طریق ایشان مبالغه و گزافه گوئی شده است .

از طرفی با آنکه گروهی از اهمیت این نبرد می کاهند ، لیکن  
اهمیت استراتژیکی این جنگ قابل تردید نیست . حمله ایرانیان در  
سال ۴۹۰ پیش از میلاد، در حقیقت يك نیروی اکتشافی کوچکی بیش  
نبود<sup>۲۲</sup> . و هدف این بود که بکشورهای ارتیره و آتن که از نظر ایران  
و شاه بزرگ کشورهای کوچکی بود، درس عبرتی داده شود، تا بجای  
تحریک و تشویق دیگران بشورش ، بدنبال کار خود باشند .

ارتیره در اندک زمانی تسخیر شد و مردم آن به کرانه های خلیج  
فارس کوچ داده شدند . سپس نوبت آتن رسید، کشوری که طرفداران  
دموکراسی «حزب دموکرات» در برابر «حزب محافظه کار» که قدرت  
را در دست داشت در انتظار کمک نظامی و مداخله سیاسی ایران بودند.<sup>۲۳</sup>  
ارتش ایران بسوی آتن حرکت کرد ، هیپ پیاس که بعد از  
انقلاب داخلی آتن گریخته و به ایران پناهنده شده بود و اینک با ارتش  
ایران همراهی میکرد ، ایرانیان را بدشت مارا تن در ۲۴ میلی شمال

---

22 - B.H. Liddell Hart. Strategy . New York 1962  
P . 27 .

۲۳ - همان صفحه : ۲۷ .



خاوری آتن که برای حرکات و عملیات سوار نظام ایران مناسب بود هدایت کرد<sup>۲۴</sup> .

### طرح استراتژی داریوش

طرح استراتژی ایران در ماراتن شامل دو مرحله بود :

۱ - جذب و جلب ارتش آتن به خارج از حصارهای شهر .  
در واقع ایرانیان بجای پیشروی مستقیم بطرف هدف نظامی «آتن» به ماراتن رفتند، نظر این بود که نیروهای آتنی را بخود جذب کنند و از شهر بیرون بیاورند، تا هواخواهان دولت ایران و گروههای مخالف حکومت آتن بتوانند با آسانی قدرت را در دست بگیرند و حکومت آتن را سرنگون سازند .

در صورتیکه اگر حمله مستقیم بشهر آتن صورت میگرفت به تصور فرماندهی ارتش ایران چنین قیامی مشکل بود . ارتش یونان شهر را تخلیه و برای روبروشدن با ارتش ایران بسوی ماراتن حرکت کرد . سپاهیان آتنی با حالت دو و شتاب فراوان که مورد شگفتی ایرانیان شده بود حمله کردند<sup>۲۵</sup> و این همان چیزی بود که فرماندهی ارتش ایران میخواست ؛ بدین ترتیب اجرای مرحله یکم طرح ایرانیان با موفقیت همراه گردید .

۲ - انجام يك حمله دورانی و پیااده شدن در کرانه‌های نزدیک آتن .

۲۴ - هردوت ، کتاب ۶ بند ۱۰۲ .

۲۵ - هردوت ، کتاب ۶ بند ۱۱۲ .

فرماندهی ارتش ایران اجرای مرحله دوم طرح را آغاز نمود و زیر حمایت يك نیروی پوششی ، باقیمانده نیرو را باکشتی از راه دریایوبایک حرکت دورانی، منطقه سونیوم (Sunium) را دور زده در فالروم «Phalerum» پیاده کرد تا از آنجا خود را به آتن بی دفاع برساند .

ریزه کاریهای این طرح استراتژی بسیار برجسته و در خور تمجید است .<sup>۲۶</sup> و گو اینکه بعلت عوامل گوناگون اجرای آن انجام نیافت، لیکن بعنوان نخستین استراتژی بزرگ جهان شناخته شد و داریوش پدر استراتژی لقب گرفت .  
در نبرد ماراتن سپاهیان ایرانی مرکز ارتش یونان را شکافتند ولی پهلوهای ارتش ایران مغلوب شد و پارسها عقب نشستند و هفت کشتی بچنگک یونانیان افتاد .

یکی از جنگجویان یونانی با سرعت زیاد مسافت میان آتن و ماراتن را دوان دوان پیمود و نیروهای آتنی را از طرح استراتژی ایران آگاه کرد . آتنی ها با حالت دو خود را بشهر رسانیدند و پیش از آنکه حزب مخالف بتواند کاری انجام دهد در مقام دفاع از شهر برآمدند<sup>۲۷</sup> .

فرماندهی ارتش ایران که تلاش را در اجرای مرحله دوم طرح

---

26 - B.H Liddell Hart. Strategy New York 1962

P. 28

۲۷ - در مسابقات دو المپیک يك مسابقه بنام ماراتن خوانده میشود ، چون سابقه ورزشها بصورت فعلی از یونان باستان است با احتمال قوی این مسابقه دو پیاد بود تلاش سربازان قدیم آتن در ماراتن میباشد .

بی نتیجه دید و دریافت که هواخواهان و حزب مخالف حکومت آتن نتوانسته است کاری انجام دهد ، ادامه محاصره را که به طولانی شدن نبرد می انجامید و بصلاح و صرفه کشور نبود ، جایز ندانست و از طرفی چون دریافت که تنبیه یونانیان نیز ارزش این هزینه گزاف را ندارد ، تصمیم گرفت نیروی پوششی ایران را بسلامت به آسیا بازگرداند<sup>۲۸</sup> . پخش خبر ناکامی ایرانیان ، مصریها را بشورش وا داشت و بار دیگر داریوش دستور داد تا در تهیه تدارک جنگی و آمادگی رزمی برای حمله دیگری به یونان باشند تا خود فرماندهی و رهبری آن را بدست گیرد .

«این آمادگی و تدارک به تندی پیش میرفت ، زیرا از نظر داریوش ماراتن تنها یک شکست موقت در یک سیاست کامیاب پیش راندن پیوسته مرزها بود .»<sup>۲۹</sup>

فعالیت های داریوش نه تنها از این نظر ، بلکه از نظر دیگر نیز دارای اهمیت فراوان میباشد .

با آغاز عملیات نظامی در یونان ( ۴۹۰ پ . م ) برای نخستین بار بطور کامل جناح دنیای غرب در برابر توسعه نظامی از شرق بطور برجسته ای مکشوف میگردد .

تا این تاریخ شمله های پیشرفت در امور نظامی همه از خاور مدیترانه برخاسته بود و پیوسته از آغاز پیدایش تاریخ ، این گسترش نظامی همچنان ادامه داشت تا به مرحله عظمت و کمال خود در دوران امپراطوری ایرانیان در زمان داریوش رسید .

---

۲۸ - هر دوت تلفات ایران را ۶۰۰۰ نفر و تلفات یونان را ۱۹۲ نفر نوشته است ، این امر بنظر گزافه گوئی است . برای آگاهی بیشتر بتاریخ ایران باستان جلد یکم صفحه ۶۷۵ مراجعه کنید .

۲۹ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ، ترجمه محمد مقدم ، ابن سینا تهران ۱۳۴۰ ص ۳۰۶ .

تا هنگامیکه داریوش احساس کرد که بایستی مرزهای کشور را بسوی باختر توسعه دهد، یونانیها هرگز ب فکر ارتش به مقیاس ارتشهای آشوری و ایرانی نیفتاده بودند.<sup>۳۰</sup>

این احساس از وقتی در آنها بیدار شد و نضج گرفت که دیدند اولین سپری هستند که امواج و ضربه‌های نظامی خاور را احساس میکنند.

با آنکه حکومت شهرهای یونان جنگهای پی در پی داشتند ولی سهم بزرگی در استراتژی نظامی دارا نبودند، زیرا نبردهای آنها اغلب جنبه دفاعی داشت و در مناطقی محدود صورت میگرفت و به پیکارهای وسیع و پر دامنه نمی‌انداختند. و چون پشتیبانیهای لجستیکی نیز در عملیات آنها در نزدیکی مناطق مربوط امکان پذیر بود، یونانیها هرگز در باره طرح‌های لجستیکی وسیع الزام و اجباری نداشتند.

روی این اصل ما در سازمان نظامی یونان بعوامل و دوایر پشتیبانی لجستیکی برخورد نمیکنیم، در صورتیکه این موضوع در ارتش ایران با دقت و بطور مشروح و جامع طرح ریزی میشد.<sup>۳۱</sup> از طرح استراتژی داریوش در حمله به یونان نتایجی بدست می‌آید:

۱- واگذاری حکمرانی داخلی شهرهای یونانی بخودشان برای جلب توجه آنان.

---

30 - J. D. Hittle. The Military staff, Its History and development, Pennsylvania, 1961. P 20

۳۱ - همان. P. 21

- ۲ - تعرض غير مستقيم بهدف نظامی .
- ۳ - بهره برداری از اختلافات احزاب موجود در آتن .
- ۴ - داشتن هواخواهانی در آتن و بهره برداری از جنبه های روانی .
- ۵ - کشاندن نیروهای یونانی بدشت ماراتن ، و تخلیه آتن از قوای نظامی .
- ۶ - اجرای حرکت دورانی و پیاده شدن در فالروم برای حمله به آتن .
- ۷ - درك نقص ساز و برگ و جنگ افزار سربازان ایران «یونانیان زره و نیزه های بلند داشتند» .
- همچنین با بررسی عملیات ارتش نتایج زیر گرفته میشود :
- ۱ - سرعت عمل و تحرك پیاده نظام آتن و خشی کردن عمل غافلگیری ایرانیان .
- ۲ - هم بستگی آتنی ها و نفوذ وطن پرستی در میان آنان .
- ۳ - احساس مسئولیت مشترك و ملی بر اثر خبری که جنگجوی یونانی از حمله دورانی ایران داده بود .
- ۴ - داشتن ساز و برگ و سلاح مناسب .

### حمله خشایارشا به یونان

بعد از آتش زدن سارد، نبرد ماراتن که خود در تاریخ استراتژی اهمیت بسزائی دارد، تأثیرناهنجاری در اذهان ایرانیان بجای گذارد. جنبش استقلال طلبی در مصر و روی کار آمدن «پسام تیک» در آن

کشور و مرگ داریوش ، رویهمرفته موجباتی را فراهم کرد که دولت ایران ، میان سالهای ۴۸۹ تا ۴۸۴ پیش از میلاد ، مشکل یونان را نادیده گرفت و سکوت کرد .

یونانیها نیز در بهره‌برداری از فرصت از اعلام خطری که شده بود ، سستی کردند و تقریباً از سال ۴۸۷ پیش از میلاد شروع بتوسعه نیروی دریائی خود نمودند ، زیرا خوب میدانستند که تنها نیروی دریائی است که میتواند با برتری نیروی زمینی ایران برابری کند . با کمال صداقت میتوان گفت که یونان و اروپا بر اثر نهضت آزادیخواهی مصر ، رهائی یافتند<sup>۲۲</sup> . زیرا شورش مصر در فاصله سالهای ۴۸۶ تا ۴۸۴ پ . م توجه دولت ایران را سخت بخود معطوف داشته بود . ده سال از اعلام خطر ماراتن گذشت تا تلاش بزرگتر و هراس‌انگیزتر ایرانیان بار دیگر آغاز گردید و خشایارشا بدلائل زیر تصمیم به تعرض گرفت :

۱ - اقدام تحریک آمیز یونانیان پناهنده به ایران ، مانند دمارات پادشاه پیشین اسپارت و آله آد Aleade و پی‌زیسترات pyzistrat برای رسیدن مجدد بحکومت<sup>۲۳</sup> .

۲ - تمایل خشایارشا به جهانگیری و توسعه ارضی .

۳ - جبران آتش زدن شهر سارد بوسیله یونانیها .

۴ - جلوگیری از تحریک یونانیان در شهرهای آسیای کوچک .

---

32 - B . H . Liddell Hart . Strategy . New York .  
1962 P . 28 .

۲۳ - هرودت . کتاب ۷ ، بند ۷ .

۵ - تنبیه یونانیان بعلت تحریکات در مضر:

۶ - تسلط کامل بر بغازها و دریای سیاه و اژه و قطع نفوذ یونان که ممکن بود در آینده خطراتی ایجاد نماید .

خشیارشا برای آنکه ملت ایران بویژه خانواده هفت گانه پارسى که فشار و سنگینی بار جنگ را باید پذیرند در جریان کار بگذارد و به نیروی ملی نیز تکیه کند ، مجلس مشورتی تشکیل داد ، تابوتر بتواند آرمان نظامی خود را مشروع جلوه دهد .

وی ضمن سخنرانی هدف از لشکرکشی را بیان کرد و گفت باید اهانتی را که بماشده است جبران نمود .

آتنی‌ها در تاخت و تاز به قاره آسیا پیشدستی کرده و حرمت نظامات ما را رعایت نکرده‌اند ، ما بر بسفر پل میسازیم و از آن جا به اروپا رهسپار می‌شویم .

اگر ما آتن و همسایه‌های این شهر را فرمانبردار خود کنیم ، پارس دیگر حدی جز آسمان نخواهد داشت و آفتاب بکشوری خارج از مرز کشورهای ما دیگر نخواهد تابید . من با شما از سراسر اروپا عبور میکنم و هر چه هست یکپارچه می‌سازم .

اگر همه این کشورها و مردمان را فرمانبردار کنیم ، چنانکه گویند دیگر شهر یا مردمی باقی نخواهند ماند که با ما ستیزه کنند .<sup>۳۴</sup>

در این انجمن سرداران ایران ، که بزرگترین آنها «مردونیه» بود طرفدار جنگ با یونان بودند و اردوان عموی شاه مخالف جنگ بود .

---

۳۴ - هرودت . کتاب ۷ ، بند ۸ .

## اردوان میگفت :

یونانیان مردمی دلیرند و آگاهی ما نسبت بسرزمین اروپا کم است . اینها در دریا برتری دارند و در نبردهای دریائی نیز ورزیده هستند . اگر در جنگهای دریائی بر ناوگان ما پیروز شوند و پلهای بسفر را ویران کنند ، دیگر ارتش ما با مرکز خود هیچگونه ارتباطی نخواهد داشت و نیروی زمینی هم بر اثر کمبود آگاهی و تدارکات دچار شکست خواهد شد .

خشیارشاه نخست سکوت کرد ولی بعد به اندیشه‌های خود کیفیتی روانی و الهامی بخشید و نظر اردوان را نیز جلب کرد ، و سپس دستور داد تا بسیج همگانی آغاز شود .<sup>۳۵</sup>

مدت چهار سال از ۴۸۴ تا ۴۸۱ پ . م همه نیروهای اقتصادی و سیاسی ایران در راه تهیه تدارکات و بسیج صرف گردید .  
ترعه‌ای در دامنه کوه آتس کنده شد<sup>۳۶</sup> و فینیقیها در چمنی که در اطراف این ترعه بود بازاری برای فروش کالاهای خود درست کردند .<sup>۳۷</sup>

چون نیروی زمینی نیاز به راهی داشت که گنجایش و قدرت پذیرش کافی داشته باشد ، یک راه مناسب که سرتاسر امپراطوری را بهمیماید و آسیار را به یونان مربوط سازد از کریتال «Critale» بطول ۲۰۰۰ کیلومتر تهیه شد که مسیر حرکت نیروی زمینی را مشخص میکرد .

---

۳۵ - هرودت . کتاب ۷ بند ۱۲ - ۱۹ .

۳۶ - به بخش ارتش صفحه ۷۸ مراجعه شود ،

۳۷ - هرودت . کتاب ۷ ، بند ۲۰ - ۲۶ .



در هلس پونت دوپل برای عبور پیاده نظام و واحدهای آرابه و سواره نظام بستند و دستور داده شد تا نیروی زمینی بتدریج در جلگه کریتال، و نیروی دریائی در بندرهای ، سیم «Cyme» و فوسه «PHocee» در کرانه‌های ایونی گرد آیند .

دولت ایران برای پشتیبانیهای لجستیکی به مأموران مصری و فینیقی دستور داد تا در جاهای مناسب برای رفع نیاز ارتش، انبارهای توشه و مهمات بسازند .

در اجرای این فرمان گندم و جو و سایر مواد خوراکی و مورد نیاز سپاهیان و جانوران را در نقاط : پرنه ، دوریسک «Dorisque»، کرانه رود ستریمون «Strymon» و مقدونیه انبار کردند<sup>۳۸</sup> .

و چون بنظر میرسید منابع محلی کشور کم حاصل یونان نتواند نیازها را برآورد ، ایران همراه با فرمانده ارتش متعرض از نظر لجستیکی و پشتیبانیهای دیگر از راه دریا ، بر نیروی دریائی شاهنشاهی که انواع کشتی‌های بارکش را آماده کرده و در خدمت داشت متکی بود .

از نظر سیاسی بی طرفی مردم کرت «Crete» و آرگوس «Argos» که هر دو (جزیره و شهر) موقعیت استراتژیکی خوبی داشتند جلب شد ، تا از کمک به سایر یونانیان خودداری کنند .  
و همچنین از جهت روانی کهنه معبد دلف قول مساعد دادند

---

۳۸ - همان مدرک و همان بندها .

و با پیشگوئیهای خود و انتشار آنها مبنی بر شکست یونان<sup>۳۹</sup> و ویران شدن آتن، افکار عمومی را متزلزل ساختند و روحیه مردم را ضعیف کردند، بطوریکه آتنی‌ها بیشتر از همه نگران بودند و گروهی قصد مهاجرت به ایتالیا را داشتند.

این مسئله می‌رساند، عقاید کهنه و پوسیده چند خدائی در یونان دیگر خریدار نداشت و کهنه بیدار و آگاه آپولن و دلف که شکست آئین خویش را میدیدند به سوی یکتا پرستی و مزدائیسیم گرایش داشتند

پس از این اقدام خشیارشا خود فرماندهی نیروها را بعهده گرفت و در سال ۴۸۱ پ. م بسوی یونان رهسپار شد.

هردوت مجموع ارتش ایران را مرکب از پنجاه ملیت، از آنسوی جیحون گرفته تا حبشه و تراکیه و مقدونیه و بیش از سه میلیون نفر نوشته است.<sup>۴۰</sup>

این رقم درست نیست، زیرا بسیج، تدارک و رهبری چنین نیروئی که فقط در عصر ما و عصر جنگهای الکترونیک سابقه دارد، در آن روزگاران با نبودن وسائل ارتباطی بسی مشکل و تدارک آنان سخت و برکنار از شورش‌های احتمالی قوای ملیت‌های پنجاهگانه نبوده است، و البته چنین نابسامانی و نافرمانی را در ارتش ایران سراغ نداریم.

و اگر به‌پنداریم که از راه غارت و تاراج یگانها تدارکات

---

۳۹ - همان مدرک، بند ۱۴۰ - ۱۴۵ شرح پیشگوئیها.

۴۰ - همان مدرک، بند ۶۱ تا ۹۹.

خود را فراهم می آورده اند . پس تهیه انبارهای خواربار در نقاط مناسب تدارکاتی برای چه بوده است ؟

و از طرفی باید توجه کرد که از زمان کورش تهیه تدارکات و پشتیبانی از طریق غارت در ارتش ایران ریشه کن گردید و از زمان داریوش طرح ریزیهای تدارکاتی و سیستم سازمانی برای پشتیبانیهای لجستیکی بوجود آمد ، که نظیر آن در ارتشهای آن زمان حتی واحدهای یونانی سابقه ندارد .<sup>۴۱</sup>

اما بهر حال ، ارتشی که شاه بزرگ به نبرد رهبری میکرد يك آرایش لشکری هراسناك و سهمگین بود ،<sup>۴۲</sup> و چهار ماه طول کشید تا این نیروی هراس انگیز بیونان رسید .

این بار عوامل جدا کننده ای که ملل یونان را مانند گذشته از هم جدا سازد ، وجود نداشت ، و همه در برابر خطر ، متحد شده بودند .

دول یونانی با مشورت یکدیگر از وضع طبیعی و کوهستانی سرزمین خود که بعملیات نظامی شان استحکام بیشتری میداد بهره برداری کردند و تنگه ترموپیل (Termopille) را که واجد شرایط موضع دفاع بود برگزیدند تا در پناه عوامل طبیعی آن بمقاومت در برابر نیروی ایران پردازند .

این ناحیه تنگه ای است میان کوهی بلند و سخت از سوی

---

41 - J . D . Hittle . The Military Strff. its history and development P . 21

۴۲ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ، ترجمه دکتر مقدم ، تهران

۱۳۴۰ صفحه ۳۳۵ .

باختر ، و دریا و باتلاق از جانب خاور ، دهانه تنگه فقط برای عبور يك اراهه مساعد بود . چشمه‌های این ناحیه دارای آب گرم و از نظر شرایط زیست کافی نبود . و بطور کلی این تنگه باکوه‌های سرکوب گنجایش و استعداد حرکت و تلاش انبوه نیروی مهاجم را نداشت .

اما باز هم نیروی ایران متوقف نشد . مقاومت موجود این موضع طبیعی را درهم شکست و فاتحانه بسوی آتن راند و آنجا را گشود و ارگ آن را آتش زد<sup>۴۳</sup> و سپس در خاور تنگهٔ سالامیس گسترش یافت .

و در همین جا بود که بر اثر بکار بردن نیرنگ سیاسی و نظامی از سوی یونانیان ، که خود یکی از برجسته‌ترین راه رسیدن غیر مستقیم به هدف است ، شاه بزرگ و نیروی زمینی ایران بدون اینکه بتوانند کمکی به نیروی دریائی برسانند ، بخود می‌پیچیدند و در کرانه ، از فراز پشته‌های کوه اگال « Aegalee » برابر سالامیس ناظر درهم شکستن ناوگان ایرانی بودند .

نیرنگ با پیام تمیستوکل « Temistocle » دریا سالار آتنی که بعدها نیز به ایران پناهنده شد ، آغاز گردید . یونانیان ناوهای خود را بخلیج سالامیس راندند و تصمیم گرفتند ناوگان بزرگ ایران را به منطقه باریک دریائی و تنگه‌های محصور که میان جزایر خلیج سالامیس در جنوب آتن واقع است بکشند ، تا سطح خلیج در بریدگیهای میان

---

۴۳ - شرح عبور ارتش به یونان و نیز شرح نبردها جزو درس تاریخ ، تاریخ نظامی و تاکتیک است .

جزایر گنجایش ما نور دریائی ایران را نداشته باشد و در نتیجه برتری  
عددی ناوها ، امتیازی برای ایرانیان بشمار نیاید<sup>۴۴</sup> .  
تمیستوکل مردی را بسوی ناوگان ایران روانه کرد تا پارسیان  
بگوید :

مرا فرمانده آتنی‌ها فرستاده است تا بشما بگویم که او  
طرفدار شاه است و پیروزی شما را بیش از پیروزی آتن طالب  
میباشد . چون یونانیها میخواهند بگریزند ، اگر مایل هستید تا  
پیروزی درخشانی بدست آورید ، با آنها فرصت ندهید و مطمئن باشید  
غلبه بشما خواهد بود ، زیرا یونانیان خود باهم اختلاف و ستیز  
دارند<sup>۴۵</sup> .

سابقه اختلاف و دودستگی میان آتنیان و نیز سابقه خیانت و  
اخاذی و رشوه خواری میان هیئت حاکمه یونان ، از طرف دیگر  
اختلافات شدیدی که مقارن با این احوال میان ، آریستید «Aristide»  
و تمیستوکل وجود داشت و نیز شایع بود که بر اثر بروز اختلاف در  
شورای جنگ ناوگان پلوپونز «Peloponese» به پایگاههای خود فرا  
خوانده شده و آتن را تنها گذارده‌اند ، بر روی هم باعث شد که :  
فرماندهی ارتش ایران بدون تعمق بیشتر این پیام را راست  
پندارد و برای جلوگیری از فرار دروغین و ساختگی ناوهای  
یونان ، برتری و آزادی عمل جنگ در دریای آزاد را با کثرت  
ناوگان فراموش کند و جنگ را در محلی نامناسب که بنا به اراده  
دشمن تعیین شده بود بپذیرد .  
نیرنگ مزبور حيله نظامی است از آن لحاظ که نفس عمل و

---

44 - Liddle Hart . Strategy . P . 23

۴۵ - هرودت ، کتاب ۸ بند ۷۳ بيمد .

انگیزه کار نظامی است ، و از جهتی سیاسی بشمار می آید باعتبار آنکه نیرنگ بر مبنای اختلافات موجود سیاسی و وضع رشوه خواری و سابقه خیانت یونانیان پی ریزی شده بود و تحت تأثیر همین انگیزه های سیاسی که در ذهن ایرانیان بود مؤثر واقع شد .

ناوگان ایران پس از دریافت پیام برخلاف مخالفت هائی که با جنگ دریائی بویژه از سوی آرتمیز «Artemis» بعمل آمده بود،<sup>۴۶</sup> بیدرنگ بخلیج سالامیس و گذرگاه دریائی تنگ و بدی که دشمن برگزیده بود حرکت کرد و شبانه دهانه خلیج را بست .

صبح روز بعد آریستید چگونگی را به مجلس آتن گزارش داد و نمایندگان را از کاریکه گذشته بود آگاه کرد و آنان را خرسند و شادمان ساخت . اما باید دانست مخالفت آرتمیز برای چه بود . پیش از آغاز نبرد سالامیس ، شورای جنگ در حضور خشایارشا تشکیل شد تا به بررسی لزوم یا عدم لزوم جنگ دریائی پردازد : در این شور فرماندهان ملل تابعه و سرداران ایرانی همه خواهان جنگ دریائی بودند . تنها آرتمیز بود که با حمله مستقیم به نیروی دریائی یونان مخالفت میکرد و نبرد دریائی را بصلاح نمیدانست . وی معتقد

---

۴۶ - بانو آرتمیز فرمانروای شهرها لیکارناس Halicarnasse با پنج کشتی در نبرد شرکت داشت . هالیکارناس پایتخت کاریه (سوریه) در آسیای صغیر بود که جزو قلمرو هخامنشی بشمار میرفت . آرتمیز بعد از مرگ شوهرش فرمانروا شد و خود با سمت فرماندهی ناوگان سوریه در جنگ های ایران و یونان شرکت کرد و بمقام دریاسالاری هم رسید . بسیار دلیر و مورد اعتماد خشایارشا بود بطوریکه شاه با او در امور مهم مشورت میکرد .

اکنون یکی از ناوهای ایران در خلیج فارس بنام او خوانده میشود .

بود که «از جنگ دریائی باید پرهیز کرد ، بویژه که جنگ دریائی ضرورتی هم ندارد ، و نیروی دریائی را که آسیب پذیر است بسایند نگاهداری کرد ، زیرا یونانیان در دریانیرومند و ورزیده هستند . آتن در تصرف ما است و بخش بزرگی از یونان تحت اشغال ما درآمده ، اگر نیروی زمینی بسوی پلوپونز حرکت کند و آنجا را تهدید نماید عکس العمل یگانهای دریائی یونان عقب نشینی و فرار بوطن خواهد بود . پلوپونزیها وقتی وطن خود را در خطر به بینند دیگر برای آتن بجنگ دریائی نخواهند پرداخت . بگروهی از ناوگان ایران نیز نمی توان اعتماد کرد اگر ما در جنگ دریائی شکست بخوریم نیروی زمینی هم از آسیب آن برکنار نخواهد بود»<sup>۴۷</sup> .

شاه نظر آرتمیز را پسندید و او را ستودلیکن چون بیشتر هموندان بدون بررسی رأی بجنگ دریائی داده بودند ، نظرا کثرت پذیرفته شد بی آنکه استدلال و منطق آنها در برابر استدلال آرتمیز مقایسه شود و سود و زیان آنها را بسنجند و سپس راه کار مطلوب را انتخاب نمایند .

یونانیان دریانوردان برجسته ای بودند و در کار جنگ بر پهنه دریاها بصیرت داشتند و از همین روی توانستند ناوگان ایران را بمعبری بکشند که در واقع هلاکتگاهی بود و سپس باز بردستی همه برتریها را از چنین نیروئی بزرگ در معبری کوچک باز ستانند .

---

۴۷ - هرودت کتاب ۸ ، بند ۵۰ - ۷۶ .

این معبر برای تلاش و فعالیت ناوگان بزرگ ایران<sup>۴۸</sup> نه تنها مناسب نبود بلکه مزاحم هم بود و موجب برخورد کشتی‌های تندرو بیکدیگر شد. ناوهای تدارکات و پشتیبانیهای لجستیکی نیز آسیب دیدند و بدنبال رزم ناوها غرق شدند.

در این نبرد همان نتیجه بیارآمد که آرتمیز در شورای عالی فرماندهی ایران در فالر «Phalere»، بندر مهم آتن پیش‌بینی و مخالفت خود را با جنگ دریائی اظهار کرده بود اما گوش شنوا نبود، تا گفته‌های این زن دریانورد را که در خدمت ارتش ایران بود تجزیه نموده و بهره برداری کند.

نیروی دریائی ایران درهم شکست و از مصرف اینهمه ثروت و نیروی انسانی خاطره‌های تلخ باقی ماند.

از تعرض ایران هم نتیجه قطعی در سراسر نبرد بدست نیامد و هر یک از طرفین کارها را برای خود فتحی پنداشتند. خشیارشا به آسیا بازگشت خرسند از اینکه آتن را گرفت و سوزاند و ایران کرد، یونانیها فتوحات خودشان را بزرگ کردند مغرور و شادمان از اینکه در سالامین بکلی نابود نشدند<sup>۴۹</sup>.

---

۴۸ - پلوتارک، کتاب تمسیتوکل بند ۱۸ بنا به گفته اشیل که خود در جنگ بوده ناوگان ایران ۱۲۷۰ کشتی و ناوگان آتن ۱۸۰ کشتی بوده است هرودت می‌نویسد: ایران ۱۲۰۰ رزم‌ناو و یونان ۳۸۰ کشتی داشتند.

۴۹ - ناپلئون، خاطرات سنت هلن.



۵

# چرا نیروی دریائی ایران شکست خورد

خطاهای نظامی و سیاسی

## خطاهای سیاسی و نظامی

در باره فتوحاتی که یونانیها بخود نسبت میدهند و شکست‌هایی که برای ارتش عظیم خشیارشا قائل‌اند، نباید فراموش کرد که این گفته‌ها تماماً از یونانیها است و گزاف‌گوئی و لاف‌زنی آنها هم مسلم میباشد.

از طرف پارسیها نوشته‌هایی بدست نیامده، تا بتوان این نوشته‌ها را با گفته‌های یونانیان سنجید و نتیجه را مبنای قضاوت قرار داد.

هم اکنون با توجه به همین نوشته‌ها، و گزافه‌گوئی‌های یونانیان ارتش کشی خشیارشابه اروپا، برای سرکوبی و گوشمالی یونانیهاییکه با ایجاد اتحاد هلنی، علیرغم پراکندگی‌شان در زمان داریوش، نیروهای نظامی و اقتصادی خود را توسعه میدادند و در جزایر و شهرهای یونانی فرمانبردار دولت ایران تحریکاتی میکردند و مردم را وادار به شورش و سرکشی مینمودند، از لحاظ استراتژی در شمار بزرگترین ارتش‌های جهان است. و بی‌هوده نیست که اروپائیان آن را جنگ بزرگ ایرانیان نامیده‌اند.

نخست باید در نظر گرفت، عوامل مساعدی مانند پراکندگی و نفاق یونانیان که در گذشته وجود داشت با اتحادیه یونانی از

---

۱ - ناپلئون، خاطرات سنت هلن.

میان رفته بود و یونان گر چه بظاهر با حمله داریوش در سال ۴۹۰ پیش از میلاد که : «در حقیقت يك نیروی اکتشافی کوچک بیش نبود و هدفش این بود که به استانهای اریتره و آتن درسی داده شود و تفهیم گردد که بدنبال کار خود باشند و از تشویق شورشیان یونانی در آسیای صغیر خودداری نمایند آ» ، خطر را احساس کرده بود ، اما در این وقت خود خطر بزرگی بشمار میآمد که قبرس و جزایر متصرفی ایران را تهدید میکرد .

هدف لشکر کشی خشایارشا ادامه سیاست نظامی داریوش و سرکوبی یونان و مطیع ساختن آن کشور بود .

ارتش ایران آن چنان بزرگ بود که انتقال آن تنها از راه دریا مقدور نبود و نیاز فراوانی براه زمینی احساس میشد ، بنابراین راه بزرگی از کریتال تا آتن بمسافتی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساخته شد و چون وسعت و گسترش این ارتش امکان تدارک شایسته را تنها از منابع محلی ممکن نمی ساخت ، ضمن تهیه انبارها و آمادگاهها در کرانه های تراکیه تا مقدونیه از ناوگان باربری برای حمل آذوقه و پوشاک و هرگونه پشتیبانی تدارکاتی بهره برداری بعمل آمد .

در واقع نیروی زمینی براه خشکی و کرانه دریا متکی بود و نیروی دریائی به کرانه و نیروی زمینی بستگی داشت ..

ارتش ایران با موفقیت در پیکار با طبیعت و بادهای طوفانزا از هلس پونت گذشت ؛ ترموپیل را زیر پا گذاشت و مقاومت

---

2 - B. H. Liddell Hart . Strategy . NewYork .  
1962 , P . 27 .

سرسخت یونان را در هم شکست ، و آتن را گشود و آن را به تلافی شهر سارد که یونانیان سوزانده بودند آتش زد :

حرکت دادن ارتشی بشماره سه ملیون نفر که هرودت از راه گزافه گوئی یاد میکند ، در عصری که هیچگونه وسائل مخابراتی و ارتباطی امروز نبود و سرعت فعالیتها و تحرك نظامی بقدرت اسب و پای سرباز و بازوان پارو زنان ناوها بستگی داشته است خود معرف انضباط ارتش ایران ، ایمان فرماندهان و اعتقاد سربازان و شیوه تدارك برجسته ارتش ایران میباشد .

پس اگر هدف و منظور خشیار شاه تنبیه یونانیها ، فتح آتن و آتش زدن آن بوده است باید بگوئیم که این مقصود حاصل شده است . ولی این دلیل برای هزینه گزاف این لشکر کشی و اتلاف نیرو و قانع کننده نیست . و چرا در سالامیس ، پلاته ، میکال « ۴۷۹ پ . م » رویدادهای دیگری پیش میآید که با پیروزیهای نخستین ایران هیچ سازش ندارد ؟

در اینجا باید به اشتباهات و نادراستیها اندیشید و آنها را از درون نوشتههای تاریخ و مقایسه کارها بدست آورد .

بهتر است جنگ را نوعی از سیاست بدانیم . جنگ در جهان گذشته و هم در عصر ما برای انجام مقاصد سیاسی و تحمیل اراده سیاسی بعمل میآید . این سیاست ، استراتژی کلی کشور را پی ریزی میکند و جنگ وسیله ای است در خدمت این استراتژی .

ارتش عامل اصلی اجرای این خدمات است و باید تابع مقاصد استراتژی و در نتیجه تابع سیاست باشد ، سازمان نظامی نیز بایستی

بر شالوده همین سیاست ریخته شده باشد، تا بتواند مقاصد استراتژیکی را پشتیبانی و حمایت کند.

دولتها وقتی که از راه دیپلماسی و اجرای سیاست نتوانستند اختلافات خود را حل کنند یا به کامیابیهای مورد نظر برسند، رفع اختلاف و یار رسیدن به هدف را به قوه قهریه واگذار میکنند و به جنگ متوسل میشوند، لیکن مقصود نهایی این جنگ همان مقصود و هدف سیاسی دولت میباشد.

نخستین اشتباه از اینجا است که شاه نظر آرتمیز را پسندید و او را ستود، لیکن آن را انجام نداد و روح سیاست را در نیافت. پس از شکست سالامیس بر اثر اشتباه نظامی یا ضعف سازمانهای اطلاعاتی ارتش که نتوانسته بودند موقعیت سالامیس را بدست آورند و نیز ضعف فرماندهی، خشایار شاه خودداری را از دست داد و ناخدایان فینیقی را بجرم ترس و گریز از اجرای حمله سخت تنبیه کرد و گروهی را کشت، فینیقیها که خدمات زیادی در نیروی دریائی ایران انجام داده بودند دلسرد شدند و از کار کناره گیری کردند. ناخدایان مصری نیز کم کم بدنبال آنها روانه شدند.<sup>۳</sup>

پس از رویداد ناهنجار سالامیس خشایار شاه مضطربانه در اندیشه بازگشت به آسیا بود. مردونیه سردار ایران هنگامیکه اندیشه شاه را دانست پیشنهاد کرد که شاه به آسیا باز گردد و اجازه دهد

۳ - اومستد تاریخ شاهنشاهی ایران، ترجمه محمد مقدم، ابن سینا،

تهران ۱۳۴۰ صفحه ۳۴۷.

تا او برای ادامه کار و پایان دادن به نبرد اروپا با يك سپاه پارسی و مادی در یونان باقی بماند .

خشایار شاه پذیرفت و با شتاب از هلس پونت گذشت و به سارد رفت . مردونیه نیز از فرصت استفاده لازم را نکرد، با آنکه دو نبرد انجام داد ، جز تلفات و ضایعات بهره‌ای برای ارتش ایران نداشت .

پیش از آغاز نبرد پلاته ، «تبسیها» به مردونیه اندرز دادند که در بیوسیه بماند و با دادن رشوه به رهبران ، یونانیهای سرکش را هواخواه خود کند .

گر چه این پیشنهاد درستی بود که بر پایه آشنائی نزدیک به اخلاق یونانی استوار بود ، لیکن مردونیه نپذیرفت .

خودداری مردونیه از پذیرش این اندرز کار نادرست دیگری از سوی فرماندهی ارتش ایران در اروپا بود ، همانطور که شتاب خشایار شاه به ایران امری سنجیده و ارزیابی شده نبود .

مردونیه در صدد اجرای يك دیپلماسی جدا سازی و ایجاد تفرقه میان متحدین یونانی برآمد . گاه به آتنی‌ها پیغام میداد که شاه بزرگ آنها را بخشوده و بوی دستور داده است تا همه شهرها را که ارتش ایران اشغال کرده است به خودشان واگذار کند و در عوض ، آتنی‌ها متحد دولت ایران باشند . گاه با اسپارتیان و پوزانیاس فرمانده آنها مذاکره میکرد و آنها را دعوت مینمود که چون شجاع و دلیرند و بداشتن خصائل سربازی در یونان شهرت دارند ، خود به تنهایی با پارسیان بجنگند ، و باز روش خود را تغییر میداد و بر

آتن حمله میبرد ، اما حاضر نبود از نفوذ طلا در دیپلماسی خود بهره‌مند شود .

مدتی گذشت و کار از امروز بفرودامو کول میشد ، تا شاید بتواند آتن را کنار کشیده و بیطرف نگاهدازد ولی یونانیان سرسختی نشان میدادند .

«آرته‌باز» یکی از افسران پارسی نیز عقیده داشت که سپاهیان را به نزدیکی شهر تب گسیل دارند تا از نظر تدارکات مشکلی پیش نیاید و از آنجا پول زر و سیم و کمر بند و زین‌های زرین به شهر بفرستند تا در برابر آن ساکنان شهر آزادی خودشان را بفروشند<sup>۴</sup>. با آنکه اهالی تب خود نیز خواهان این امر بودند مردونیه پذیرفت و گرفتار غرور شد و گفت سپاه ما بیش از ارتش یونان است و جنگ را آغاز خواهیم کرد<sup>۵</sup>.

نیروی متحد یونان رفته رفته با ترس و لرز بسوی پارسیان می‌رفتند و سردار ایرانی بر پایه دلیری و غرور پارسی احساس آسیب دیده سرباز یونانی را باز هم ناچیز گرفت و در آرزوی پیروزی درخشان نظامی ، مزیت انتخاب راه حل سیاسی را از طریق دادن زرنادیده انگاشت.

هنگامیکه نبرد پلاته در ۴۷۹ پیش از میلاد آغاز شد جنگ از روش و تاکتیک منظم و منطقی پیروی نمی‌کرد . لیکن باز هم ایرانیان پایداری می‌کردند و دلیرانه می‌جنگیدند ، نیزه یونانیان را از دست

---

۴ - هرودت کتاب ۹ بند ۳۱ - ۴۳ .

۵ - همان

آنان می‌گرفتند و می‌شکستند .

در این روز پارسیها نه از نظر زورمندی کمتر از یونانیها بودند و نه از حیث شجاعت ، ولی چون سبک اسلحه بودند و چابکی و دوراندهی دشمن خود را نداشتند گروه گروه حمله میکردند و همه کشته میشدند . نداشتن اسلحه مناسب و زره ، ایرانیان را از حمله به یونانیان جوشن پوش باز نمی‌داشت ، مردونیه سردار پارسی هم در این نبرد کشته شد .

در بهار همین سال یونانیان که بر اثر نبرد پلانه برتری روانی یافته بودند ناوگانی به میکال Mycale ، در کرانه‌های آسیای کوچک فرستادند . نیروی دریائی ایران که از شکست نیروی زمینی آگاه شد ، و برتری دریا نوردان یونانی را میدانست . ناوها را بخشکی کشیدند تا در پناه نیروی زمینی قرار داده و آنها را حفاظت نمایند . یونانیان حمله خود را آغاز کردند ، نیروی ملتهای تابعه ایران گریختند و تنها پارسیان بدفاع پرداختند . نتیجه این جنگ نیز شکست پارسیان بود . نبرد میکال ، نبرد تعیین سرنوشت اروپا بود . بر اثر این جنگ ارتش ایران سرزمین یونان را تخلیه کرد و بسیاری از جزایر دریای اژه را از دست داد . تا آنکه بعدها بار دیگر از اختلافات داخلی یونان استفاده کرد و تسلط خود را در این نواحی گسترش داد .

جنگ را فرماندهان ترسو ، بی‌کفایت ، و ناوفادار هم پیمانان یونانی نبرده بودند ، بلکه پارسیان آنها را با خطبهای مکرر



سیاسی و لشکری باخته بودند . ولی پیروزی ، بهر طور که بدست آمده بود پیروزی بود ، و يك مرحله نوینی در روابط پارس و یونان آغاز گشت ۷ .

بعد از شکست سالامیس ، مشکل و گرفتاریهای سیاسی ، نظامی و اقتصادی در داخل و خارج ایران یکی پس از دیگری آشکار میشد . بنظر میرسید اگر خشایار شاه بجای ارتش کشی بیونان مدتی امپراطوری کورش و داریوش را سر و سامان میداد و سازمانهای اداری و اجتماعی آن را توسعه می بخشید استقرار و ثبات سیاسی این سرزمین پهناور بیشتر فراهم میشد .

پس از گشوده شدن کانال سوئز و قدرت یافتن ناوگان بازرگانی یونان دریانوردی فینیقی ها که از ملل مطیع و سودمند دولت ایران بودند دچار آسیب شد .

وجود راه دریائی مناسب که دریای مدیترانه را بدریای سرخ می پیوست و نداشتن سیاست بازرگانی مناسب ، بابل را که يك مرکز بزرگ داد و ستد و قطب اقتصادی بود از رونق انداخت و گرفتار بحران مالی کرد ، روز بروز وضع مردم بدتر شد تا آنکه سر بشورش برداشتند .

بفرمان خشایار شاه مردم را سرکوبی کردند ، این کار سودی نداشت ، جز آنکه مردم بابل را ناتوان تر ساخت و راههای بازرگانی که از سواحل مدیترانه به بابل میرسید و از مراکز جمعیت میگذشت

---

۷ - اومستد ، اثر پیشین صفحه ۳۵۵ . توکیدیدس مورخ دیگر یونانی می نویسد ، شکست بربری بیشتر ناشی از خطای خودش بود . کتاب ۱ - بند ۶۹ .

اهمیت خود را یکباره از دست داد و رونق راه‌دریائی افزایش یافت و بازرگانی مصر ترقی کرد.<sup>۸</sup> بر روی هم میتوان گفت که اقتصاد بری که از راههای خشکی شهرهای پر جمعیت و آباد را بهره‌مند میساخت به اقتصاد دریائی گرائید، و سطح کار و درآمد را در شهرهای مرکزی پائین آورد.

داریوش با اتخاذ رویه‌های سیاسی به جدا سازی پرداخت، با تراکیه و مقدونیه روابط سیاسی برقرار کرد، ضمن ایجاد اختلاف میان مدینه‌های یونانی، کشور کارتاژ را نیز علیه یونانیان سیسیل برانگیخت، آنگاه با بهره‌برداری از این زمینه‌های مناسب به جنوب اروپا رفت تا سکاها را سرکوبی نماید.

اما خشایار شاه بر عکس پدرش، بمسائل و نیز راه حل‌های سیاسی دلبستگی چندانی نداشت. به یونانیان فرصت داد تا خطر را دریابند و با یکدیگر به عقد قرارداد سیاسی و دفاعی بپردازند. به پیروی از او «مردونیه» سردار ایرانی که فرماندهی سپاه ایران را در یونان بعهده داشت، سیاست زرادری یونان اجرا نکرد و کمانداران زرین را میان رجال یونانی پخش ننمود.<sup>۹</sup>

در نبرد سالامیس فرماندهی ارتش ایران هم فریب خورد و هم دچار اشتباه نظامی گردید. هنگامیکه در یونان شورای دفاعی تشکیل شده بود و میان نمایندگان آتن و اسپارت اختلاف بود، «اسپارتهای

---

۸ - برای آگاهی بیشتر رجوع شود به تاریخ یونان قدیم نوشته احمد

بهمنش.

۹ - برای آگاهی بیشتر رجوع شود به تاریخ نظامی ایران، سرلشکر

مقتدر، چاپ دانشکده افسری

میگفتند بجای آنکه از ویرانه‌های آتن دفاع کنیم ، بهتر است از پلوپونز دفاع نمائیم» تمیستوکل «Temistocle» چنانکه گذشت پیکی به ستادسرفرماندهی ارتش ایران فرستاد و ایرانیان را فریب داد . تمیستوکل با نیرنگی که بکار برد از جنگ ناوگان یونان در دریای باز دوری جست ، زیرا میدانست بعلت برتری نیروی دریائی ایران غلبه با ایرانیان خواهد بود و با این نیرنگ ناوگان ایران را در معبر تنگه سالامیس بهجنگ کشانید . در واقع جنگ را پذیرا شد در فضا و زمان مورد نظر خود . بر اثر تنگی جا ، نیروی دریائی ایران نتوانست از سرعت و قدرت و تمرکز ناوگان خود در این محل نامناسب که به او تحمیل شده بود بهره‌برداری نماید ، در نتیجه گروهی از ناوهای ایرانی با یکدیگر برخورد کردند و آسیب دیدند و مزاحمت ناوهای دیگر را نیز فراهم کردند . سرانجام انضباط رزمی پریشان شد و موجبات ناتوانی روحی و شکست نظامی پدیدار گشت . فریفته شدن به پیام تمیستوکل که وفاداری او به ایران و هم بوطنش مورد تردید است <sup>۱۰</sup> ، و پذیرفتن نیرنگ او سبب شد که فرماندهی ایران به نیروی زمینی هم توجه کافی ننماید .

نیروی زمینی ایران میتواندست با تهدید و تعرض به اسپارت و

---

۱۰ - تمیستوکل بعدها میگفت من طرفدار ایران و شاه بزرگ هستم ولی حرف او را کسی نپذیرفت و او را يك يونانی میهن پرست میدانستند که به ایران دروغ گفته . پس از پناهندگی به ایران گفته او را باور کردند و تحت حمایت اردشیر فرزند خشایارشا قرار گرفت و از او بگرمی پذیرائی شد .

نمیدانیم؛ حقیقت چیست ، شاید شهرت طلب و فرصت طلب بوده و دوسره بار میکرده است، به اصطلاح هم از تو بره میخورده و هم از آخور و یا شاید حقیقتی در پیام او بوده ، لیکن چون شکست ایرانیان را فهمیده تغییر وضع داده و رنگ عوض کرده است .

سایر شهرها موجبات تجزیه نیروی یونان را فراهم آورد و ارتش ایران نیز از جنگ دریائی در يك گذرگاه كوچك كه گنجایش پذیرش ناوگان ایرانی رانداشت پرهیز نماید. و سپس بدون خسارت فراوان به هدف سیاسی خود كه تجزیه نیروهای یونانی و دست یافتن بر اسپارت و دیگر شهرها بود، مانند بار پیش برسد.

و پس از آن كم كم به فرسایش نیروی دریائی آتن پردازد، و یا اگر نیروی زمینی از خشکی و نیروی دریائی از راه دریا، خلیج سالامیس را با اندك كوششی در محاصره میگرفتند بطور یقین ناوگان ارتش یونان تسلیم میشد و اسپارت نیز در اشغال ارتش ایران درمیآمد.

اما در واقع اصل فدای فرع شد، و برخلاف اصول استراتژی هدف نظامی حق تقدم گرفت و هدف سیاسی را كه اصل است تحت-الشعاع قرار داد.

همینكه هدف سیاسی از میان رفت و فرماندهی تنها شیفته هدف نظامی گردید، طرحها بهم خورد، برتری ایران در دریاهای از دست رفت، در حالیکه نیروی زمینی عظیم ایران در خشکی باقیمانده بود و هنوز توانائی رزمی خود را داشت.

بازگشت پرشتاب خشایارشا به آسیا یونانیان را دلیرتر کرد و این عوامل بر روی هم، سیاست ایران را در اروپا متزلزل ساخت. مردونیه هم كه برای ادامه تلاش نظامی در یونان باقی ماند، نتوانست با نیروی زمینی كه روحیه خوبی داشت کاری انجام دهد. با آنكه به او پیشنهاد شده بود، از سیاست مالی و بخشش در يك

زر استفاده نکرد ، و با اینکه سرداری بزرگ و میهن پرست بود يك نوع حالت مماشات و سازش پیش گرفت .

ساز و برگ و جنگ افزار ارتش ایران تعدیل نشده بود و نواقصی داشت ، کلاه‌ها نم‌دین و سپرها از چوب بید بود<sup>۱۱</sup> . و پیراهن زره هم نداشتند ، با آنکه سربازان ایرانی دلیرانه میکوشیدند اما فرماندهی نتوانست از نیروی زمینی که يك پارچه‌تر و متشکل‌تر از نیروی دریائی بود حداکثر بهره‌برداری را بنماید. فرماندهی ایران دچار یکنوع خود بینی و غرور شده بود ، فراوانی نیرو را دلیل پیروزی میدانست و از همین غرور بود که جاسوسان را به اردوگاه ایران هدایت کرد و کشتیهای باربری را که گندم به آتن می‌بردند آزاد نمود. تا به شهرهای خود بروند و خبر حرکت ارتش ایران را پخش کنند. این امر اگر چه در ظاهر يك سیاست بازدارنده میتواند باشد و امکان دهد که احتمالاً دشمن از کثرت نیرو و بوحشت دچار شود و قدرت دفاعی از او سلب گردد ، لیکن مهم آن است که تأثیر آن در مردم یونان و واکنش مردم یونان مورد توجه قرار گیرد و روی آن محاسبه بعمل آید. باید بررسی شود که این عمل روی ملت یونان هم اثر مثبت میگذارد و هم اثر منفی ، کدام اثر نیرومندتر است و یونانی چه میکند؟ البته یونانیان از شنیدن این خبرها دچار بیم و هراس شدند ولی نگریختند، بلکه تصمیم به پایداری و مقاومت گرفتند ، و کوشیدند حتی بطور موقت اختلاف خود را کنار بگذارند و در برابر خطر مشترك متحد شوند .

---

۱۱ - هرودت . کتاب ۹ بند ۶۲ بیهده ،

خشایار شاه بر عکس گذشتگان خود که سیاست جهانی داشتند. سیاست قاره‌ای را دنبال میکرد و تشکیل اتحادیه آسیائی را بر مبنای نژادی اساس کار خود قرار داد، و با ارتش عظیم ایران هنگام جنگ با یونان خود را قهرمان آسیا میدانست. وی تعاون و اتحاد ملل آسیائی را توصیه میکرد. این سیاست قاره‌ای نه تنها با سیاست بین‌المللی پیشینیان و خوش بینی و مروت و مدارای کورش و داریوش با ملل عالم مغایرت داشت بلکه از آن روی که جنبه ملی و پارسی آن هم بیشتر نمایان بود، موجبات اضطراب و نگرانی و تزلزل روحی ملتهای تابعه را فراهم آورد.

او خود را شاه پارس خواند، غرور پارسی را بر انگیخت بیک گونه برتری نژادی گرایش پیدا کرد. بعقاید و آداب و خدایان و سایر ملل بی احترامی نمود، حتی هنگامیکه دشمنی یونانیان نسبت به ایرانیان آشکارتر شده پرستشگاههای یونانی مانند پرستشگاههای مصر و بابل ترحم نکرد.<sup>۱۲</sup>

پیش از این پادشاهان پارسی درون مرزهای کشورهای بافرهنگ خود را چون پادشاهان بومی وانمود میکردند، و از این راه دل مردمان بومی را بدست میآوردند، خشایار شاه این سنت را شکست و این یکی از مهمترین دگرگونیها در زمان پادشاهی او بود، و نتیجه این سیاست در مصر خوب نبود.<sup>۱۳</sup>

---

۱۲ - برای آگاهی بیشتر بتاریخ یونان قدیم نوشته احمد بهمن جلد اول صفحه ۲۲۰ بعد رجوع شود

۱۳ - اوستا، اثر پیشین صفحه ۳۱۸

از این پس باز دیگر می‌بینیم که چگونه غرور و خود  
بینی سبب ضعف هدف سیاسی را فراهم آورد و آنرا تحت -  
الشعاع هدفهای نظامی قرار داد، و چگونه هنگامیکه ملل تابعه  
احساس عدم اطمینان از حکومت پارس کردند و مقدرات خود  
را در معرض هتک احترام و خطر دیدند، و هدفهای ملی و  
قومی را مقدم بر هدفهای بین‌المللی «جهانی» شناختند، سر  
ناسازگاری پیش گرفتند .

۶

دینپاسی زر



از زمان اردشیر اول به بعد دولت ایران رویه خاصی را در کوبیدن و خرد کردن ، سرداران یساغی ، سیاستمداران مخالف و حکومت شهرهای ناموافق بکاربرد تا بتواند به توانائی و نفوذ خویش بیفزاید و برنامه مورد نظر را در نقاط حیاتی و استراتژیکی پیاده کند . این رویه اتخاذ تدابیر و سیاست مالی یا «دیپلماسی زر» در سرزمین کم حاصل یونان است . شاهنشاهی هخامنشی پس از جنگهای سالامین و ترموپیل مواجه با شکست کامل نشد . سه ربع قرن بعد از جنگ ، هخامنشیان در کرانه های اژه پیدا شدند . و بجای نیروی دریائی و سوار نظام با «سلاح طلا» بحمله پرداختند ، این بار در اختلافات میان دول یونان داوری به هخامنشیان واگذار گردید<sup>۱</sup> .

دولت هخامنشی سیاست زر را پشتوانه تأمین استراتژی نظامی خویش قرار داد ، تا بیشتر کارهایی را که تیراندازان نمی توانستند انجام دهند ، به کمانگیران بسپارد<sup>۲</sup> .

این سیاست استوار بود بر سرازیر ساختن کیسه های زر به سرزمین دشمن ، برای خرید رجال دشمن ، و گرایش به «پارسی گری»

---

۱ - تاریخ تمدن ایران ، نوشته ۱۸ نفر محقق فرانسوی ، ترجمه جواد مخیی ، چاپ سوم ، گوتنبرگ ۱۳۴۷ ، صفحه ۸۸ .

۲ - سکه های دریک دارای نقش سرباز هخامنشی است که در حالت بزانو زه کمان را می کشد ، یونانیان بکنایه پولهای ایران را کمانگیر گفته اند .

در جوامع سیاسی یونان .

طلای ایران در دوران جنگهای داخلی یونان به پشتوانه سیاست ایران ، در آمد و چنان نقش های برجسته ای بازی کرد که هیچ سیاستی قادر به اجرای آن نقشها نبود<sup>۳</sup> .

دولت آتن با حکومت ملی و آزادیخواهی مردمانش بزرگترین سنگر مقاومت در برابر ایران بشمار میرفت . پیاپی در کار مصر و کار جزایر و شهرهای یونانی نشین آسیائی اخلال میکرد و آنها را وامیداشت تا مزاحمت هائی برای ارتش ایران فراهم آورند .

از این روی دولت ایران در عصر اردشیر اول به تقویت و پشتیبانی شهرهائی که با آتن و حکومت های ملی بمخالفت برمیخواستند ، همت گماشت و کمکهای مالی خود را روانه این شهرها ساخت .

هنگامیکه اهالی جزیره ساموس «Samos» شیوه سیاسی و حکومت خویش را تغییر دادند و با آتن سر مخالفت در پیش گرفتند ، پی سوت نس «Pissuthnes» فرمانروای لودیه در سال ۴۴۱ پ.م به آنها پول میداد<sup>۴</sup> .

در یونان همیشه هواخواهان ایران زیاد بودند ، این هواخواهان که معمولا ثبات زیادی هم نداشتند گاه بر مبنای جنبه های سیاسی و یا انتقام جوئی و از میان بردن و کوبیدن يك حکومت شهر ، و ادامه مبارزه میان حکومت ملی و حکومت اشرافی ، پشتیبانی و دخالت قدرت ایران را طالب بودند .

---

۳ - نظیر این سیاست را در سده ۱۸ و ۱۹ میلادی در روش بریتانیا در

آسیا و افریقا می بینیم .

۴ - دیودور ، کتاب ۱۲ ، بند ۲۷ و ۲۸ .

مانند آن در زمان حمله داریوش، آتنی که در آن طرفداران دموکراسی «حزب دموکرات» منتظر کمک ایران بودند، تا بتوانند در برابر «حزب محافظه کار» به ستیزه و پیکار سیاسی برخیزند.

گاهی هم دولت ایران بدون توجه به ماهیت حکومت اشرافی یا حکومت ملی، برای سرنگون کردن، حکومتی که روی کار بود، و هم آهنگی با نفوذ سیاسی و نظامی ایران نداشت، بجنب نظر مخالفان حکومت های وقت می پرداخت، و در این راه، سیاستمداران، ریش سفیدان و سخنرانان را می خرید، تا با بهره گیری از نفوذ آنان مردم را علیه حکومت برانگیزاند، و در نتیجه فشار افکار عمومی، زمامداران را بقبول راه حل سیاسی مورد نظر، یا ترك رویه ای که چندان با مصالح ایران سازگار نبوده است، وادار سازد. و در هر حال این بسود ایران بود که سیاست خود را بدست «کمانگیران» اعمال نماید تا بدست تیراندازان. و رفته رفته این کار برای ملت گرسنه ولی آزاده یونان عادت شد، کم کم بعلت جنگهای داخلی و افزوده شدن بر تنگدستی و فقر مردم، برگروه آنها افزود، و شیوه سربازی مزدور گسترش یافت، و حکومت های ایران با استخدام مزدوران گرسنه و بی پناه پرداختند. این کارها رفته رفته نفوذ فرمانروایان آسیای باختری را که ثروتمندترین استانهای کرانه ای ایران را تشکیل میداد افزود، و گنجهای ایران، بیکاران و گرسنگان یونانی را جذب کرد:

ثروت بی‌پایان ایران که از راه خراجهای هنگفت ، شاهنشاهی پهن‌آور ایران ، فراهم شده بود نقش مهمی را در یونان ، هم در سطح بالای اجتماع و هم در سطح زیرین اجتماع بازی میکرد و بخریدسیاسی می‌پرداخت .

هیپ پیاس «Hippias» ، تمیستوکل «Temistocle» ، دمارات «Demarat» ، تیماگوراس «Timagoras» ،<sup>۵</sup> کمکهای مالی برای اداره خود ورهبری سازمانهای هواخواه ایران از دولت شاهنشاهی دریافت میکردند .

دولت ایران نه تنها به گروههای ناراضی کمک مینمود ، بلکه به سرکشان یونانی نیز پول میداد و آنها را از پیرامون سرداران یونانی پراکنده میکرد ، تا یارای حمله به ایران نداشته باشند . داریوش دوم برادر یاغی خود را که بکمک یونانیان سرکشی میکرد ، بوسیله خرج پولهای هنگفت میان سربازان مزدور یونانی بزانو در آورد و مغلوب ساخت .<sup>۶</sup>

تیسافرن ، فرمانروای لیدیه با کمک دریک‌های زر ، لیکون «lycon» آتنی را که بتاخت و تاز پرداخته بود خاموش کرد .<sup>۷</sup>

---

۵ - تیماگوراس سری را به شاه اطلاع داد و اردشیر ده هزار دریک برای او فرستاد ، هشتاد گاو و تمدادی خدمتکار نیز در اختیار او گذاشت « پلوتارک زندگانی اردشیر ، بند ۲۴ - ۲۵ » .

۶ - برای آگاهی بیشتر به تاریخ ایران باستان ، جلد دوم ، صفحه ۹۵۷ مراجعه شود .

۷ - همان ، صفحه ۹۵۹ .

آتنی‌ها در جریان جنگهای داخلی در نبرد آگس پتامس «Aegospotamos»، بدست اسپارتیها شکست خوردند و آتن ویران شد، بدون اینکه يك سرباز ایرانی به آتن برود، ولی هدف سیاسی ایران بکامیابی رسید. بدین ترتیب سیاست مالی ایران کار خود را کرد و اسپارت انتقام کارهائی را که آتنی‌ها پس از بازگشت خشایارشا از اروپا نسبت به قلمرو ایران، در مصر، قبرس و آسیای کوچک کرده بودند، گرفت.

آگسیلاوس «Agesilas»، سردار اسپارتی در سال ۳۹۶ پ. م به آسیا تاخت تا شهرهای یونانی را در آسیا مستقل سازد. تیسافرن فرمانروای لیدییه که در انتظار کمک از مرکز بود بدستور اردشیر دوم تعویض و اعدام شد که چرا بدشمن راه داده است. یونانیان از مرگ تیسافرن که سالها در برابر آنها ایستاده بود، شادمان شدند



تیسافرن فرمانروای ایرانی لیدییه

تیت‌رست «Tithraustes» فرمانروای تازه کار لیدیه به سردار اسپارتی گفت که به میهن خود باز گردد ، زیرا دشمن هر دوی آنها «تیسافرن» بکیفر رسیده و شاه بزرگ موافقت کرده است که شهرهای یونانی خود مختاری داشته باشند .

آژه سیلاس «اگسیلاوس» گفت : من نمیتوانم بازگردم تا آنکه از میهن خود دستور دریافت دارم . دولت ایران سی تالان «۷۰۰٫۰۰۰ تومان»<sup>۸</sup> را پشتیبان خروج او قرار داد ، و وعده آزادی شهرهای یونانی نشین آسیائی فراموش شد و سردار مغرور اسپارتی ناگهان فرا خوانده شد .

آژه سیلاس برای خود راز نا استواری شاهنشاهی پارسی ، فرمانروایان نوافادار و بومیانی را که در صدد کسب استقلال بودند کشف کرده بود ، اما او نمی‌توانست از این آگاهی بهره‌ای ببرد . زیرا از دیر باز ایرانیان يك استی تپناه کننده‌تر در یونانی‌ها کشف کرده بودند .<sup>۹</sup>

اگر سربازان ایرانی از زمان جهان گشائی‌های کورش بزرگ به این سو ، سست شده بودند ، تدبیرگران پارسی چنین نشده بودند و زرشاهنشاهی پشتیبان آنها بود . آژه زیلاس به سادگی اعلام کرد که بوسیله ده هزار کمانگیر شاه از آسیا رانده شده است .

---

۸ - مشیرالدوله پیرنیا ، ایران باستان ، جلد دوم ، چاپ دوم ابن سینا تهران صفحه ۱۱۰۵ .

۹ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ، دکتر مقدم ، ابن سینا ، ۱۳۴۰ ، صفحه ۵۲۸ .

پلوتارک ، کتاب اردشیر ، بند ۲۳ میگوید ( سی هزار تیر انداز ایرانی مرا از اینجا بیرون میکنند . منظور سی هزار در يك است که در یونان خرج شده بود ) .

با آنچه گفته شد منظور سردار اسپارتی از این سخن ، ده هزار سرباز نبود ، بلکه سکه‌هائی است که روی آن نقش کمانگیری نمایانده شده است :

هنگامیکه یونان دچار دو دستگی سخت بود سفیرانی از یونان بدربار شوش نزد اردشیر دوم رفتند . سفارتهاعلیه یکدیگر کارشکنی میکردند ، یکی میگفت آتنی‌ها را ناچار کنید ناوهای جنگی خود را به بندرهای خود ببرند . اینها کسانی هستند که شهر سارد شما را آتش زدند و هرگز قابل اطمینان نیستند .

دیگری میگفت ، اسپارت به برادر کوچک شاه بزرگ «کوروش کوچک» یاری داد و به این ترتیب نشان داده‌اند که شایسته اعتماد نمی‌باشند :

سومی فریاد زد ، ای آتنی‌ها زمان آن رسیده که دوست دیگری بجز شاه برای خود بجوئید .<sup>۱۰</sup> در نتیجه مذاکرات با شکست روبرو شد و سفیران راه میهن خویش را در پیش گرفتند .

انتالکیداس «Antalcidas» در بازگشت خودکشی کرد ، تیماگوراس «Timagoras» در آتن متهم به طرفداری از شاه و پذیرفتن چهل قنطار (تقریباً ۱۱۵۰/۰۰۰ ریال) رشوه شد و بجزگ محکوم گردید .<sup>۱۱</sup> بعلت این سیاست برنده است که اومستد

۱۰ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۵۶۱ .

۱۱ - اومستد ، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی صفحه ۵۶۱ به نقل از گزنفون .

«Olmstead» ، میگوید : اردشیر در ابتدای پادشاهی خود بزرگترین پیروزی سیاسی را برای ایران بدست آورد ، او چندین بار صلح را با کمک کمانگیران زرین ، بیونان تحمیل کرد.<sup>۱۲</sup> تحریکات و جاه طلبی وزردوستی های السیبیاد «Alcibiades» در لیدیه علیه اسپارتیها و در آتن علیه حکومت ملی آن شهر به امید دریافت کمک مالی ایران و رسیدن به حکومت زباز دهمه مورخان است . این مرد که پای بند هیچ اصولی جز زر و رسیدن به حکومت نبود ، یکی از سرسپردگان ایران بشمار میرفت .

گاهی حکومت ملی را تحریم میکرد و ب مردم میگفت حکومت عده قلیل را برگزینید تا از ایران کمک مالی دریافت کنید . زمانی حکومت اشرافی را تحریم میکرد و به گروهی دیگر وعده کمک و مساعدت مالی ایران را میداد . چه بسیار مردانی که بدنام شدند و کارشان به تبعید انجامید . و چه بسا سخنرانان و دانشمندانی مانند دموستن «Demosten» که مورد خشم ملت خود قرار گرفتند .

نویسندگان یونانی در نمایشنامه ها و حماسه هایی که در این زمان نوشته اند از این کارها یاد کرده اند ، تیموتیوس «Timotheus» در نمایشنامه «پارسیان» میگوید :

«آرس سرور است ، ! هلاس ، اقلا از زر نمی ترسد !» که اشاره نیشداری است بکمکهای مالی که به لاسدمونیها وعده داده شده بود .<sup>۱۳</sup>

---

۱۲ - همان ، صفحه ۵۶۹ ،

۱۳ - همان ، صفحه ۴۹۲ .

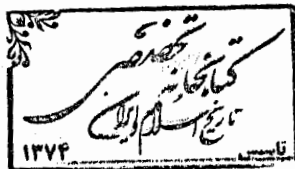


بهر حال زرا ایران نقش حساسی بازی میکرد، تا آنجا که آن در  
زمان حکومت چهار صد مرد حاضر شد حکومت ملی خود را تغییر  
دهد تا از کمکهای مالی ایران علیه اسپارت برخوردار شود و هزینه  
جنگی دریافت دارد. ۱۴

\* \* \*

دولت هخامنشی مدت ۲۲۰ سال «از ۵۵۰ - ۳۳۰ پ. م.»  
آسیا را اداره میکرد و برای تصرف اروپا گاه با نیروی نظامی  
و گاه با پول و سیاست تلاش مینمود و بر روی هم برای جهان  
دستور می نوشت.

پایان



۱۴ - ایران باستان، جلد دوم، صفحه ۹۷۶ و سیاست ارسطو ترجمه دکتر  
عنایت . چاپ دوم ، صفحه ۲۱۴

## بن نوشته ها

- ۱ - ایرانی دینشاه  
پرتوی از فلسفه ایران باستان ،  
چاپ سوم ، ۱۳۴۸
- ۲ - الیزه روکلیو  
ایران ، ترجمه سرتیپ نقدی ، مهنامه  
ارتش سالهای ۴۴ و ۴۵
- ۳ - ارسطو  
سیاست ، ترجمه دکتر حمید عنایت ،  
تهران ، چاپ دوم ۱۳۴۹
- ۴ - اومستد . ات  
تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ، ترجمه  
دکتر مقدم ، تهران ۱۳۴۰
- ۵ - ابوالکلام آزاد  
ذوالقرنین همان کورش بزرگ است  
تهران ، چاپخانه مجلس ۱۳۳۲
- ۶ - آ، ایمارو (دیگران)  
تاریخ تمدن ایران . ترجمه جواد محیی  
چاپ سوم ، تهران انتشارات گوتنبرگ ،

- ۷ - اورنگ، مراد ..... یکتاپرستی در ایران باستان، چاپ  
دوم، تهران ۱۳۳۷
- ۸ - بهمش، دکتر احمد ..... تاریخ یونانیان قدیم، جلد اول،  
چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۸
- ۹ - پیگولوسکایا (دیگران) ..... تاریخ ایران از باستان تا سده ۱۸،  
ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۴۹
- ۱۰ - بازارگاد بهاءالدین ..... تاریخ و فلسفه مذاهب در جهان،  
جلد دوم، تهران ۱۳۴۷
- ۱۱ - بازارگاد بهاءالدین ..... تاریخ فلسفه سیاسی جلد اول، ۱۳۳۶
- ۱۲ - پیرنیا مشیرالدوله ..... ایران باستان، تهران، ابن سینا  
بدون تاریخ
- ۱۳ - پرویز عباس ..... تاریخ ۲۵۰۰ ساله‌ی ایران،  
دین هخامنشیان، تهران، ۱۳۴۹
- ۱۴ - جهانیان اردشیر ..... آئینه آئین مزدیسنی، تهران، ۱۳۳۷
- ۱۵ - شاهرخ کیخسرو ..... تاریخ فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۸
- ۱۶ - صدیق دکتر عیسی ..... کوثر سرهنگ بدیع الله سنگنوشته‌ها سخن میگویند، تهران، ۱۳۴۸
- ۱۷ - کوثر سرهنگ بدیع الله ..... کورشنامه . ترجمه مهندس رضا  
مشایخی ۱۳۴۲
- ۱۸ - گزنفون ..... بازگشت . ترجمه منوچهر امینی،  
تهران ۱۳۳۹
- ۱۹ - گزنفون

- ۲۰ - گیرشمن ، رمان  
ایران از آغاز تا اسلام . ترجمه  
دکتر محمد معین ، ۱۳۴۶
- ۲۱ - لمب ، هارولد  
کوروش کبیر، ترجمه دکتر رضازاده  
شفق ، تهران ، ۱۳۴۰
- ۲۲ - مقتدر غلامحسین  
تاریخ نظامی ایران ، دانشکده  
افسری ۱۳۲۱
- ۲۳ - مهرین مهرداد  
تمدن ایران باستان ، طهوری  
روح القوانین، ترجمه اکبر مهتدی،  
تهران ، ۱۳۲۴
- ۲۴ - منتسکیو  
جامعه شناسی ، تهران ، دانشگاه  
تهران ، ۱۳۳۷
- ۲۵ - مهدوی دکتریحیی  
اقلیم پارس ، انجمن آثار ملی ، ۱۳۴۳  
تاریخ طب ایران ، تهران  
هنر بخش ۱۳۴۱
- ۲۶ - مصطفوی سیدمحمدتقی  
۲۷ - نجم آبادی دکتر محمود  
۲۸ - ولفانگ ویلهلم  
کوروش حکمران جهان ، ترجمه  
کریم طاهرزاده بهزاد ۱۳۴۶  
مشرق زمین گاهواره تمدن . ترجمه  
احمد آرام ، ۱۳۳۷
- ۲۹ - ویل دورانت  
۳۰ - ویل دورانت  
یونان باستان جلد ۱ و ۲ ترجمه آریان  
پور ومجبثائی ، ۱۳۴۰
- ۳۱ - هرودت  
ترجمه دکتر هادی هدایتی دانشگاه  
تهران ، ۱۳۳۶

۳۲ - یوستی فردیناند یک روز از زندگانی داریوش ،

ترجمه دکتر شفق، تهران، ۱۳۱۴

۳۳ - کتاب توراہ

۳۴ - نشریه شماره ۲ سال هشتم انجمن فرهنگ ایران باستان

۳۵ - سالنامه دنیا سال ۱۳۴۹ ، مقاله بنیادگذاری شاهنشاهی ایران

36 - B. H. Liddell . Hart . Strategy ( Newyork .  
Frederick . A . Praeger . 1962 )

37 - J . D . Hittle The military Staff its History  
And development ( Pennsylvania , The stackpole  
Company Harrisburg Pa 1961 )

38- A . v . W Jackson : Zoraster , The Prophet . Of  
Ancient Iran , New York 1869 .

## فهرست

موضوع	برگ
پیش‌گفتار	۵
۱ - نهادهای استراتژی نظامی هخامنشی	۹
تعریف استراتژی نظامی	۱۰
انضباط	۱۸
اطلاعات	۲۵
پی‌ریزی ستاد	۳۹
۲ - ارتش	۴۴
هدف	۴۵
دولت ماد و نیروی نظامی	۴۹
نیروی زمینی	۵۴
پرچم	۶۵
نیروی دریائی	۷۰

۷۶	اکتشافات دریائی
۸۰	تاکتیک دریائی
۸۶	پایگاههای دریائی
۸۸	۳- آموزش و پرورش نظامی
۸۹	تربیت بدنی
۹۳	آموزش روانی
۹۷	آموزش تاکتیکی
۱۰۳	پل سازی
۱۰۸	سان ورژه
۱۱۱	پیک و مخابره با آتش
۱۱۳	سپاهیان مزدور
۱۱۸	۴- سیاست نظامی
۱۱۹	تقسیم سرزمین شاهنشاهی از نظر نظامی
۱۲۰	علل جنگ ایران و یونان
۱۲۶	ارزش استراتژیکی شمال افریقا
۱۳۱	تحریکات یونانیان - طرح ایران
۱۳۵	طرح استراتژی داریوش
۱۳۹	حمله خشایارشا به یونان

- ۱۵۱ - چرا نیروی دریائی ایران شکست خورد
- ۱۵۲ خطاهای نظامی و سیاسی
- ۱۶۶ - دیپلماسی زر



## سپاسگزارى

از:

دوشیزه سیرانوش عبدالعلی زاده که پیش‌نویس  
این کتاب را با ذوق سرشار آماده کرده‌اند . .

و آقای محمد زندیه دانشجوی دانشکده حقوق  
دانشگاه تهران ، که با پاکدلی و کوشش  
در چاپ این کتاب رنج برده‌اند :

و نیز آقای حبیب‌الله بیاتی که باتیزبینی در تصحیح  
این کتاب کوشیده‌اند سپاسگزارم .

## آثار دیگر مؤلف

- ۱ - عشق و سربازی
  - ۲ - نبردهای محمد
  - ۳ - پرچم و بیکره شیروخورشید
  - ۴ - پشتاره
- بسرمايه مؤسسه مطبوعاتی عطائی  
»       »       »       »  
»       »       »       »  
بسرمايه مؤلف